

آموزش ابتدایی

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی

برای آموزگاران دبستان، دانشجویان تربیت معلم و کارشناسان آموزشی

دوره‌ی سیزدهم / بهمن ماه ۱۳۸۸ / شماره‌ی پی‌درپی ۱۰۶



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک‌آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری

سر دبیر: مرتضی مجدفر

شورای برنامه‌ریزی:

شکوه تقدسیان

یدالله رهبری نژاد

لیلا سلیقه‌دار

مدیر داخلی: اصغر ندیری

ویراستار: کبری محمودی

طراح گرافیک: مهدی کریم‌خانی

عکس روی جلد: اعظم لاریجانی

نشانی دفتر مجله:

تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

تلفن: ۸۸۳۹۱۷۸

۹ - ۸۸۳۱۱۶۱ (داخلی ۳۷۵)

نمابر: ۸۸۲۰۱۴۷۸

پایگاه اینترنتی:

www.roshdmag.ir

رایانامه:

ebtedayi@roshdmag.ir

تلفن پیام‌گیر نشریات رشد:

۸۸۲۰۱۴۸۲

• کد مدیر مسئول: ۱۰۲

• کد دفتر مجله: ۱۰۹

• کد مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین:

تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن امور مشترکین:

۷۷۳۳۶۶۰۶ - ۷۷۳۳۶۶۰۵

شمارگان: ۴۸۰۰۰ نسخه

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

- یادداشت سر دبیر ۲
تغییر با بهره‌گیری از روش‌های نوین تدریس / مرتضی مجدفر
گزارش ۴
ان پژوهش تا اجرا! / اصغر ندیری
آموزش ۸
لافوتن در کلاس درس (بخش پنجم) / مرتضی مجدفر
نوآوری در یادگیری با تکالیف درسی خلاق (بخش پنجم) / ترجمه‌ی: زری آقاجانی
از نمایندگی کلاس تا نمایندگی کشور / زهره خرم‌دل ۱۶

- دایره صامت‌ها و مصوت‌ها / حبیبه ریش سفید ۱۸
حدس بزن و برنده شو / نرجس مرتضوی ۱۹
جدولی برای تقویت املا / هرمز علی‌زاده ۲۰
املا در کلاس‌های دوپایه / سمیه ستاری ۲۰
پستچی املا می‌گوید / جمیله مهران ۲۱
راز نقاشی‌های محمد! / مرضیه قدکی ۲۲
به سوالات این آموزگار پاسخ دهید / مهدی قیداری ۲۲
از طریق مجلات رشد مؤلف شدم / سارا خزایی ۲۳
فردا دیر است... / حسن طاهری ۲۴
همه چیز درباره‌ی جمله! / دکتر سید بهنام علوی مقدم ۲۶
بیان تجربه‌ها با عکس / شوکت عینالو ۳۰
نادرشاه، امیرکبیر و نجاشی در دبستان / ابوالقاسم محمد خلیلی پور رودی ۳۱
وقتی دیوار خاطر اتم را خراب کردند... / مینا معین پور ۳۲

پیوند

تجربه‌های سبز

- کتاب‌خانه‌ی مدرسه ۳۳
دو کتاب برای معلمان و دانش‌آموزان / فاطمه قائمی
لیخنده‌های کلاسی ۳۳
راستی آزمایی به سبکی خاص! / مینا طبری
مهارت‌های زندگی برای آموزگاران ۳۴
ارتباط در کلاس درس / دکتر لیلا سلیقه‌دار
میراث ما ۳۶
زیبا، فرح‌انگیز و آرامش‌بخش / حمید دهقان
آموزش ۳۹
نهادینه‌ساختن نظم در کودکان / فاطمه رضانی و دیگران
ایستگاه ۴۲
آگهی استخدام برای مادر نمونه، حکمت / پروین قائمی، مهشید باستانی پورمقدم
تعلیم و تربیت ۴۴
فلسوف امروزمین تربیت کیست؟ / دکتر علی‌اکبر شعاری نژاد
نامرئی، اما حیات‌بخش! (یک طرح درس ساده) / سها دادمند ۴۶
۴۸
رفتارهای خوب بچه‌ها چگونه درونی می‌شوند؟ / شکوه تقدسیان

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم

• مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. • مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. • مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word بر روی CD یا فلاپی یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند. • نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی وقت لازم مبذول شود. • محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. • مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چه سطر تنظیم شود. • کلمات حاوی مفاهیم نمایی (کلید واژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. • مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد. • معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی بیوست شود. • مجله در رد، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. • مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. • آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

دفتر انتشارات کمک‌آموزشی، علاوه بر رشد آموزش ابتدایی، این مجلات را نیز منتشر می‌کند:

• رشد کودک (برای پیش‌دبستان و دانش‌آموزان اول دبستان) • رشد نوآموز (برای دانش‌آموزان دوم و سوم دبستان) • رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان چهارم و پنجم دبستان) • رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی) • رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه) • رشد برهان راهنمایی (مجله‌ی ریاضی دوره‌ی راهنمایی) • رشد برهان متوسطه (مجله‌ی ریاضی دوره‌ی متوسطه) • ماهنامه‌های رشد: آموزش راهنمایی تحصیلی، تکنولوژی آموزشی، مدرسه فردا، مدیریت مدرسه، معلم و فصلنامه‌های رشد: آموزش پیش‌دبستانی، آموزش تاریخ، آموزش تربیت بدنی، آموزش زبان، آموزش جغرافیا، آموزش ریاضی، آموزش زبان و ادب فارسی، آموزش زمین‌شناسی، آموزش زیست‌شناسی، آموزش شیمی، آموزش علوم اجتماعی، آموزش فیزیک، آموزش قرآن، آموزش معارف اسلامی، آموزش هنر، آموزش فنی و حرفه‌ای و مشاور مدرسه (برای آموزگاران، دانشجویان تربیت معلم، دبیران مدارس و کارشناسان آموزش و پرورش).

تغییر با بهره‌گیری از روش‌های نوین تدریس

از مراکز تربیت معلم شهر تهران و در مقام مدرس کارگاه، حضور به هم رساندیم. در همان بدو ورود، شیطنتم گل کرد و برای شروع مبحث، از حضار که معلم معلمان و مدرس مراکز تربیت معلم بودند، خواستم در ورقه‌ی کوچکی که به آن‌ها داده بودیم، اسامی روش‌های تدریسی را که می‌شناسند، بنویسند. لازم نبود در مقابل نام روش هیچ توضیحی نوشته شود. بنابراین، حتی اگر می‌نوشتند: روش تدریس مبتنی بر بدیعه‌پردازی، روش تدریس یورش فکری، روش تدریس ... قابل قبول بود. تعداد روش‌ها از ۶ تا ۱۷ روش در نوسان بود و بیشترین جواب صحیح یعنی ۱۱ روش به مدرسی اختصاص داشت که خود، روش تدریس دوره‌ی ابتدایی را تدریس می‌کرد و جالب این‌جا بود که با وجود حضور بیش از ۱۵ نفر در کارگاه آموزشی، تعداد روش‌های صحیح و قابل کاربردی که مدرسان محترم برشمردند، همان ۱۳ روشی بود که حدود ۳۰ سال پیش در تربیت معلم به ما یاد داده بودند. یعنی در عرض ۲۸ سال، هیچ دانش، نگرش و روش جدیدی در زمینه‌ی روش‌های نوین تدریس وارد مراکز تربیت معلم ما نشده بود که به‌طور قطع چنین نبود. همان روزها و هم‌زمان با روزهای برگزاری همان کارگاه، با جست‌وجو در منابع فارسی (تألیفی و ترجمه‌ای) موجود، توانسته بودم قریب ۵۵ روش تدریس را که از لحاظ روش‌شناسی، مراحل اثرگذاری و کاربرد با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند، احصا کنم.^۱ بنابراین، برایم بسیار سخت بود که

قصد داریم، تحول و تغییر در نهاد تعلیم و تربیت را صرفاً از زاویه‌ی «روش‌های تدریس» جست‌وجو کنیم و این، البته به این معنی نیست که از میان تمام مسیرها و عواملی که در شماره‌ی قبل برشمردیم، روش‌های تدریس را مهم‌تر یافته‌ایم. بلکه گزینشی است از میان عوامل بسیار، با مروری از زوایای گوناگون بر آن.

*** نخست** (حدود سی سال پیش، وقتی از شرکت در کلاس‌های تربیت معلم فراغت یافتیم و برای تدریس به سوی کلاس‌های درس روان شدیم، خوش‌حال بودیم که استادان ما در تربیت معلم (که همواره از آنان به نیکی یاد کرده‌ام) آن‌چنان ما را به روش‌های تدریس نوین مجهز کرده‌اند که می‌توانیم برای هر درس و هر دانش‌آموز و هر موضوع درسی در هر شهر و روستا و هر مدرسه‌ی فقیر و غنی و بالا و پایین، شیوه‌ی بهینه‌ای را به کار بگیریم و موفق شویم. آن موقع خیلی از قدرت دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل روش‌های تدریس برخوردار نبودم، ولی بعدها که در این زمینه مطالعاتی کردم، متوجه شدم که چیزی حدود ۱۳ روش را به ما یاد داده‌اند که برخی از آن‌ها بسیار پرکاربرد و برخی بسیار کم‌اثر و کم‌کاربرد هستند. البته از روش‌های من درآوردی خودمانی چیزی نمی‌گویم، چرا که عمدتاً غلط و برگرفته از عادات تحصیلی خودمان در دوران دانش‌آموزی بود. سال‌ها گذشت و در تابستان سال ۱۳۸۶ به همراه دکتر عادل یغما، سردبیر محترم مجله‌ی رشد تکنولوژی آموزشی، در کارگاه آموزشی مدرسان یکی

امسال، ایام بزرگداشت سی و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی با واپسین روزهای ماه صفر، اربعین حسینی، وفات حضرت رسول اکرم (ص) و شهادت امام حسن مجتبی (ع) قرین شده و فرصتی فراهم آورده است تا بار دیگر بتوانیم در برنامه‌های تربیتی خود، به طور توأمان بر تلفیق ارزش‌های ملی و دینی و بروز و ظهور همگن و یکپارچه‌ی آن‌ها تأکید کنیم و بکوشیم فرزندان صالح برای امروز خود تربیت کنیم. یکی از ویژگی‌هایی که همواره در تاریخ سی و یک‌ساله‌ی انقلاب اسلامی ما خودنمایی کرده و در رأس برنامه‌های فرهنگی - تربیتی درخششی وصف‌ناپذیر داشته است، تأکید بر تحول، نخواستاری، نوجویی و تغییر است و این همان نکته‌ای است که به حرف اول و آخر این روزهای آموزش و پرورش کشورمان نیز تبدیل شده است. در یادداشت سردبیر شماره‌ی قبل، چهار مسیر تحول‌خواهی در آموزش و پرورش را برشمردیم و سخن به این‌جا رسید که گروهی از نوجویان، ایجاد تغییر در آموزش و پرورش را با ایجاد تغییر در نوع نگرش به معلمان همسان می‌دانند. این گروه، ضمن اعتقاد به تغییر نقش معلم از انتقال‌دهنده‌ی صرف اطلاعات به راهنما و تسهیل‌کننده‌ی فرایند یاددهی - یادگیری می‌گویند تا زمانی که در روش‌های یاددهی - یادگیری و شیوه‌های تدریس، روش‌های ارزش‌یابی از آموخته‌های دانش‌آموزان و شیوه‌های اداره‌ی کلاس‌های درس تغییری رخ ندهد، شاهد هیچ تحولی در آموزش و پرورش نخواهیم بود. در این شماره

این روش‌ها، لاقلاً برای مدرسان تربیت معلم ناشناخته باشد. تازه اگر مدرسان تربیت معلم روش‌ها را نشناسند، به کار نبرند و تدریس نکنند، چگونه می‌توانیم از دست پروردگان آن‌ها، یعنی معلمان فارغ‌التحصیل بخواهیم که این روش‌ها را در کلاس‌های درس به کار ببرند.

*** دوم)** در نیم‌سال اول سال تحصیلی ۸۸-۸۹ که اکنون در واپسین روزهای آن و آغاز نیم‌سال دوم هستیم، تدریس درس «روش‌های تدریس پیشرفته» برای دانشجویان کارشناسی ارشد آموزش ابتدایی یکی از دانشگاه‌های تهران را عهده‌دار بودم. ذکر کلمه «پیشرفته» در امتداد عنوان درس، مثل خیلی از درس‌های دوره‌های کارشناسی ارشد، مبین این نکته بود که باید چیزی فراتر از آن‌چه که در دوره کارشناسی خوانده‌اند، به آن‌ها ارائه دهم. به غیر از جست‌وجوی سرفصل‌های درس‌هایی که در دوره کارشناسی در ارتباط با روش‌های تدریس، برنامه‌ریزی درسی و تکنولوژی آموزشی خوانده بودند، طبیعی بود که از خودشان نیز بی‌سرهم درباره‌ی موضوع روش‌های تدریس چه می‌دانند.

از این‌رو در همان جلسه‌ی اول، و با توجه به ترکیب ناهمگنی که داشتند (۱۷ نفر دانشجوی دوره کارشناسی خود را در ۶ دانشگاه گذرانده بودند) از آن‌ها خواستم، هر کدام به مدت پنج دقیقه درباره‌ی درس یا درس‌های روش تدریس دوره کارشناسی و آن‌چه که از آن‌ها به یادشان مانده است، سخن بگویند. کسی نتوانست پنج دقیقه سخن بگوید و با اصرار زمان را به دو دقیقه کاهش دادیم. ولی باز هم نتیجه‌ای حاصل نشد و قرار بر این شد که هر کس در دو تا سه جمله، هر چیزی را که از دوره کارشناسی در مورد روش‌های تدریس به یادش مانده است، بیان کند. نتیجه، چندان دندان‌گیر نبود و طبیعی بود که من هم مجبور بودم طرح درس طی نیم‌سال خودم را با توجه به ارزیابی رفتار ورودی مخاطبانم و آزمون تشخیصی که از آن‌ها به عمل آوردم،

تنظیم کنم و با وجود تلاش خودم و ذوق و علاقه‌ی فراوانی که دانشجویان محترم از خود بروز می‌دادند، خیلی از کارم راضی نباشم.

*** سوم)** یکی از کارهای خوبی که در خیلی از مدرسه‌های کشورمان انجام می‌شود، تحلیل آموزشی نتایج امتحانات دانش‌آموزان، رسم نمودارهای گوناگون و شناسایی نقاط قوت و ضعف دانش‌آموزان در دروس متفاوت است. این کار تا زمانی که صرفاً به مقایسه‌های بی‌مورد دانش‌آموز به دانش‌آموز، کلاس به کلاس، معلم به معلم و مدرسه به مدرسه منتهی نشود، و بتوان از نمودارهای رسم شده برای بالا بردن کیفیت آموزش بهره برد، خوب است. ولی باید در نظر داشت، این نمودارها خیلی وقت‌ها با زبان بی‌زبانی با ما سخن می‌گویند. بد نیست مثالی بزنم. سال‌ها پیش در یکی از مدرسه‌های راهنمایی یکی از مناطق جنوبی شهر تهران که از قضا در منطقه‌ای جرم‌خیز واقع شده بود و دانش‌آموزان، خانواده‌های چندان سالمی نداشتند، نمودار درصد قبولی و میانگین نمرات کلیه‌ی دروس در امتحانات خرداد ماه، توسط مدیر مدرسه استخراج و به شکل زیبایی ترسیم شده بود. اکثر نمره‌ها و درصدها، در حد بسیار پایینی بودند، به غیر از یک درس، آن هم درس سخت و همیشه دانش‌آموز بینداز ریاضیات. میانگین نمرات دانش‌آموزان این مدرسه در درس ریاضیات، حتی از میانگین نمرات دانش‌آموزان منطقه بالاتر بود. وقتی با مدیر مدرسه در مورد کیفیت آموزشی مدرسه گفت‌وگو می‌کردیم و سعی داشتیم از نمودارها، تحلیل‌هایی ارائه دهیم، مدیر محترم به نکته‌ی مهمی اشاره کرد: «این دبیر ریاضیات، استاد تنوع بخشیدن به روش‌های تدریس خود است. هر روز یک روش تازه دارد و هر روز شگردی در آستینش دارد که شاگردانش را مسحور می‌کند. ای کاش همه‌ی معلمانم مثل او بودند ... اگر چنین بود، انجام هر تغییری در مدرسه‌ی من عملی می‌شد ...»

من هم با این مدیر محترم هم عقیده هستم. اگر بتوانیم همه‌ی معلمان خودمان را

به سلاح‌آشنایی با انواع روش‌های تدریس نوین مجهز کنیم و فرهنگ استفاده از این روش‌ها را با گستره‌ی متنوعی که دارند، در مدرسه‌ی خود جاری و ساری سازیم، به‌طور قطع خواهیم توانست یکی از گام‌های ایجاد تحول در آموزش و پرورش را محکم و هوشمندانه برداریم. اگر می‌پذیریم که در دانشگاه‌ها و مراکز تربیت معلم و در امر آموزش معلمان، اتفاقی نمی‌افتد، اگر معلمان آشنا با روش‌های تدریس، کم تعدادند و اگر فرهنگ استفاده از روش‌های تدریس هنوز در میان معلمان، توسعه نیافته است، باید در حرکتی منسجم و همگانی، در آوردن و تزریق ده‌ها روش تدریس جدید در مدرسه‌ها، که قطعاً هر یک می‌تواند مشکلاتی از ده‌ها مشکل دانش‌آموزان را در فرایند یاددهی - یادگیری رفع کند، بکوشیم.

ما معتقدیم، بی‌شک یکی از مسیرهای تغییر و نوجویی در آموزش و پرورش کشورمان، جاده‌ای است که در دو سوی آن راهبردهای یاددهی - یادگیری و روش‌های نوین تدریس با تنوع و گستردگی تمام صف‌آرایی کرده‌اند.

راستی شما در مقام مدیر، آموزگار و کارشناس آموزشی، برای همراهی با این مسیر تغییر چه کار می‌توانید بکنید؟ حتماً نظریات و راهکارهای خود را با ما نیز در میان بگذارید.

زیرنویس

۱. در حال حاضر با دوست اندیشمندم دکتر محرم آقازاده که چند سال پیش در عضویت شورای سردبیری رشد مدیریت مدرسه و نیز سردبیری رشد معلم، از نوشته‌های او فراوان استفاده کرده‌ایم، در حال ترجمه‌ی اثری هستیم که به تشریح ۳۰۰ روش تدریس یا راهبرد یاددهی - یادگیری می‌پردازد، یعنی چیزی حدود شش برابر روش‌هایی که من توانسته بودم آن‌ها را از منابع موجود احصا کنم. این کتاب کاری است از وزارت آموزش و پرورش کانادا که برای هر راهبرد، مثالی مرتبط با یک درس از برنامه‌های آموزشی کشورشان را ارائه داده‌اند. ما اکنون در حال جایگزین ساختن مثال‌های مرتبط با برنامه‌های درسی کشور خودمان هستیم تا خواننده از تباط بیشتری با محتوای کتاب برخوردار کند.

از پژوهشی واژگانی تا اجرا!

نگاهی به طرح پژوهشی شناسایی واژگان پایه، معرفی دستاوردهای آن و کاربردهای یافته‌های پژوهش

گزارش: اصغر ندیری

اشاره

طرح «شناسایی واژگان پایه‌ی فارسی دانش‌آموزان ایرانی در دوره‌ی ابتدایی» رسماً از اوایل سال ۱۳۸۰ شروع شد و پس از چهار سال و گذر از مراحل گوناگون تحقیقات مقدماتی، آزمون‌سازی و تدارک دفترچه‌های گردآوری واژه (ادراکی، تولید و معلمان)، نمونه‌گیری، گردآوری داده‌ها، تهیه‌ی نرم‌افزار ویژه برای پردازش داده‌ها، وارد کردن داده‌ها به رایانه، استخراج واژگان و تهیه‌ی فهرست بسامدی واژه‌ها و سرانجام، نگارش و تنظیم نتایج طرح در گزارشی ۱۰۰۰ صفحه‌ای در پنج جلد، به پایان رسید. داده‌ها و یافته‌های این پژوهش، به یاری همکاری از سطوح گوناگون وزارت آموزش و پرورش و از همه‌ی استان‌های کشور، همکاری ۲۰ هزار دانش‌آموز ابتدایی، آموزگاران و مدیران در ۱۷۵ مدرسه، و با همکاری حوزه‌های ستادی، از میدانی به گستردگی ایران جمع‌آوری و طی سال‌ها توسط متخصصان، سامان‌دهی و پردازش شده است.

هدف این طرح در مرحله‌ی نخست، پاسخ به نیاز مؤلفان کتاب‌های درسی و به نوعی بانک واژگانی سطح‌بندی شده بود. پس از اتمام طرح و انتشار گزارش آن، به دلایلی از جمله تعدد فهرست‌های واژگانی و حجم بالای گزارش، در سال ۱۳۸۶، مهندس **مه‌دی نوید**، دبیر «شورای عالی آموزش و پرورش» و رییس وقت «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی»، پیشنهاد تدوین کاربردهای یافته‌های طرح را ارائه داد.

نتایج این طرح که در اواخر سال ۱۳۸۷ منتشر شد، فهرست‌هایی موضوعی و بسامدی (پلکانی) واژگانی، به تفکیک برای پایه‌های اول تا پنجم ابتدایی است که بر اساس ترکیب داده‌های ادراکی، تولیدی و نظرات معلمان تنظیم شده‌اند و کاربرد ساده، مهم‌ترین ویژگی آن‌هاست. گفتنی است که در سال ۱۳۸۳، پیش از آماده شدن گزارش نهایی، ۷۰ درصد از یافته‌های طرح به دبیرخانه «جشنواره‌ی خوارزمی» ارائه شد و در هجدهمین جشنواره‌ی بین‌المللی خوارزمی، در بخش پژوهش‌های کاربردی، این طرح رتبه‌ی دوم را به‌دست آورد. در سال ۲۰۰۵ نیز برنده‌ی جایزه‌ی دلاری «آی‌سسکو» شد.

برای بازنمایی و توضیح مجدد طرح و آزمون‌های آن، جلسه‌ای کوتاه از جلسه‌های ماهانه‌ی «انجمن مطالعات برنامه‌ی درسی ایران» در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و با عنوان «واژگان پایه و کاربردهای آن» برگزار شد که طی آن، علاوه بر بیان ضرورت برپایی جلسه توسط دکتر **محمود مهر محمدی** از انجمن مطالعات برنامه‌ی درسی ایران، سخنرانانی



دکتر محمود مهر محمدی

هم‌چون دکتر **محمد دادرس**، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، دکتر **مه‌دی دستجردی**، عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، و دکتر **شهین نعمت‌زاده**، مجری پژوهش و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء به ارائه‌ی نظر پرداختند. هم‌چنین، در حاشیه‌ی این نشست، از شرکت کنندگان دیگری هم‌چون دکتر **فریدون اکبری شلدره‌ای**، کارشناس مسئول و مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف و دکتر **سید بهنام علوی مقدم**، ناظر طرح کاربردهای واژگان پایه و مدرس دانشگاه، و خانم **فریده عصاره**، پژوهشگر در زمینه‌ی مسائل زبان‌آموزی، پرسش‌هایی به عمل آوردیم که پاسخ آن‌ها در بخش‌های پایانی این گزارش ارائه خواهند شد.

دکتر محمد دادرس، از استادان دانشگاه تهران، ابتدا درباره‌ی مفهوم واژگان پایه توضیحاتی داد و گفت: «واژگان پایه، آن کلمات یا واژه‌هایی هستند که تعداد یا بسامد کاربرد آن‌ها در دوره‌های گوناگون زیاد است و در قالب آزمون‌های ورودی، ادراکی یا پلکانی طی آزمون‌های میدانی که

از کلاس‌ها یا دانش‌آموزان گرفته می‌شود، به کاربرد و اهمیت آن‌ها پی می‌بریم.»

حال با توجه به ساخت آزمون‌ها و نوع آن‌ها، به فهرست پلکانی می‌رسیم. اما فهرست پلکانی چیست؟ این عضو هیئت علمی دانشگاه تهران می‌گوید: «در فهرست پلکانی، مثلاً ۱۳۷ واژه‌ی کاربردی پایه‌ی اول را که شناسایی شده‌اند، در اختیار آموزگاران قرار می‌دهیم تا در چهار بخش یا چارک، این واژه‌ها را با توجه به بسامد آن‌ها تفکیک کنند. به این صورت، پرکاربردترین واژه‌ها شناخته و استاندارد می‌شوند و به‌عنوان یک بستر، مثلاً در الفباآموزی مورد استفاده قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، از این یافته در دیگر درس‌ها و آموزش آن‌ها می‌توانیم استفاده کنیم.»

مسئله‌ی دیگری که تحقیق ما به آن نظر داشته، جنبه‌های آموزشی، موضوعی، زبان‌شناسی و معنایی است. یعنی واژه‌ها براساس ۲۴ موضوع طبقه‌بندی می‌شوند و در مجموع پنج پایه‌ی این پژوهش یا جدول را تکمیل می‌کنند. در این صورت، ۱۳۷ واژه به حدود ۴۰۰ واژه در جدول موضوعی تفکیک می‌شوند.

موضوعات از بدن، پوشاک، آرایش و تربیت گرفته تا هنر و ادبیات ادامه می‌یابند. برخی از این کلمات چندلایه هستند. مثلاً ورزش و تفریح یا کار و مهارت اشتراک دارند. در درون هر یک هم واژه‌های مرتبط قرار گرفته‌اند. از مزایای این طبقه‌بندی موضوعی، توجه به همه‌ی مقوله‌هایی است که داخل هر طبقه و واژه وجود دارند. از لحاظ معنا، واژه‌ها را یک معنا ندانسته‌ایم. به عبارت دیگر، تعدد معنا را در نظر داشتیم، چرا که هر کدام دریچهای است برای آموزش و نادیده گرفتن آن‌ها از کاستی‌های آموزش است.

از مزایای کاربرد نتایج تحقیق این است که خود کلمات راهنما هستند و آموزگار را هدایت می‌کنند تا درباره‌ی ادامه‌ی معنا و مصداق‌ها سخن بگوید. **صایون** را در نظر بگیرید، می‌تواند ما را به مصداق‌های آموزشی دیگر مثل بهداشت و زیبایی و مانند آن رهنمون شود.»

واژگان دوزبانی

درباره‌ی کاربردهای دیگر واژگان پایه و کاربرد آن‌ها در دوره‌ی ابتدایی، دکتر مهدی دستجردی نکاتی را درباره‌ی تعامل با «سازمان آموزش و پرورش استثنایی» گوش زد کرد و گفت: «بچه‌های کم‌شنوا یا ناشنوا، وقتی به پایه‌ی اول وارد می‌شوند، خزانه‌ی لغاتشان محدود است. آن‌ها آموزش کافی یا درست برای شناختن واژه‌هایی که باید بشناسند، ندیده‌اند! پس می‌توان از این تحقیق و یافته‌های آن استفاده کرد و به معلمان آن‌ها یاد داد تا این کودکان نیز هم‌پای کودکان عادی و حتی با آن‌ها، وارد کلاس شوند.»

از طرف دیگر، در مناطقی که ترک یا کردنشین هستند، لزوم این آموزش بسیار بیشتر درک می‌شود. گزارش‌هایی می‌رسد از این که وقتی کودک وارد کلاس اول می‌شود، نمی‌تواند فارسی پایه را صحبت کند. طبق یافته‌های طرح، علاوه بر این که می‌دانیم با این‌ها چه‌طور کار کنیم، حتی می‌فهمیم که باید به‌جای برخی کلمات، چه واژه‌هایی را قرار دهیم. در مناطق کردنشین مثلاً به جای **امام** می‌توان **حضرت** را به کار برد و یا تفاوت توفان، باد و نسیم را در کاربرد یادآور شد.

بنابراین به کمک انتخاب واژگان پایه، ما با خواننده و دانش‌آموز ارتباط

برقرار می‌کنیم. دغدغه‌های مادر آموزش خواندن و مراحل پیش از خواندن، آموزش خواندن و آموختن به کمک خواندن، با کاربست عوامل این تحقیق رفع می‌شود. بچه‌ها در پیش‌دبستان، پیش از خواندن با این واژگان تعامل برقرار می‌کنند و آشنا می‌شوند. هم‌چنین، می‌توانند کلمات گفتاری را تقطیع کنند.»

عضو پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش اضافه می‌کند: «کلمات دیداری که هدف از ارائه‌ی آن‌ها، روان‌خوانی و سرعت است، به کودک کمک می‌کنند، به هدف خواندن روان برسد و تا ۹۵ درصد از آن‌ها را به سرعت بخواند.»

دکتر دستجردی هم‌چنین می‌گوید: «خوب است در مقطعی حتی واژگان علمی را از میان واژگان پایه انتخاب کرد تا اهداف آموزش محقق



دکتر محمد دادرس

شود. در آموزش زبان دوم نیز چنین پیشنهادی عملی است. از دیگر استفاده‌های واژگان پایه، درمان آسیب مغزی **نام پریشی** است. گاهی افراد نام‌ها را به یاد نمی‌آورند یا در نام‌گذاری اشتباه می‌کنند. با ارائه‌ی واژگان پایه در این قسمت می‌توان بین نامیدن، سریع نامیدن و خواندن و مهارت‌های خواندن رابطه ایجاد کرد.

هم‌چنین، با توجه به یافته‌ها و به مرور می‌شود به یک **فرهنگ نگاری** دست یافت. یعنی برای آموزش این لغات می‌توان آن‌ها را به‌صورت علمی در یک فرهنگ جمع‌آوری کرد و در گروه‌های مربوطه آموزش داد. شناسایی واژگان مهم و پایه، می‌تواند در مطالعات تطبیقی و در حد جهانی مشتمل‌تر باشد. با مقایسه‌ی این کلمات پر کاربرد ما و دیگر کشورها، برخی پژوهشگران می‌گویند: ایران بهشت مطالعات زبانی است. یعنی این تنوع زبانی در کشور ما، می‌تواند مبدأ بسیاری تحقیقات علمی و زبانی شود.»

مهدی دستجردی در پایان به اهمیت کاربست نتایج تحقیق درباره‌ی واژگان پایه و اثر آن بر تألیف متمرکز و غیر متمرکز می‌گوید: «واژگان پایه می‌توانند به شناخت و کاربرد کلمات پرسامد و خاص هر منطقه کمک کنند و نوشتن بچه‌ها و ایجاد ارتباط با آن‌ها را آسان سازند. مهم‌ترین دستاورد و نتیجه‌ی کاربرد واژگان پایه، آسان شدن یادگیری کودکان است.»

قابل اعتنا هستند؟»

اکبری پاسخ می‌دهد: «آنچه بنیاد هر پژوهش را استوار می‌دارد، گام‌های علمی پیش از پژوهش و روش‌های انجام پژوهش است. اگر این رفتارها بر پایه‌ی هنجارهای پذیرفته‌ی علمی باشند، دستاوردهای آن پژوهندگان نیز، شایسته‌ی اعتمادند. بدان‌سان که محققان محترم در آن نشست، اشاراتی به کار و کردار پژوهشی خود نمودند، می‌سزد که کاری در خور و نتایج آن هم در حوزه‌ی کاربردی، ارجمند باشد.»

اما مهم این است که بدانیم در تألیف کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی، آیا به این واژگان توجه می‌شود یا نه. مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی می‌گوید: «در گزینش، سازمان‌دهی و تدوین کتاب‌های فارسی دوره‌ی ابتدایی (بخوانیم و بنویسیم)، یکی از موضوع‌هایی که خارخار ذهن برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب‌هاست، درنگ در کاربرد واژگان، رصد کلمات و سرانجام توجه به واژگان پایه‌ی دانش‌آموزان در هر پایه است. می‌دانیم که قلب تپنده‌ی هر زبان و اهل زبان، واژه‌های آن است. به همین روی، اگر کلمات کلیدی درس‌ها و محتوای درسی، با سنجهای حساس‌گرانه، گزینش نشده باشند، فرایند یاددهی یادگیری دستخوش آسیب و اختلال خواهد گشت و در پی آن، پیگیری آموزش نیز زار و نزار خواهد شد.»

بنابراین، **برنامه‌ی درسی و مبانی زبان‌آموزی**، رویکردها، اصول، اهداف و روش‌های کار را تبیین می‌کنند.»

دکتر اکبری در پایان به اهمیت آموزش این واژگان در پایه‌ی اول می‌پردازد و می‌افزاید: «در آغاز آموزش رسمی و م‌تدرسی از پایه‌ی اول دبستان و اگر آموزش پیش از دبستان را هم بدان بپذیراییم، مهم‌ترین عنصری که در ارتباط کلامی و درک و دریافت پیام و آموزش آموزگاران نقش دارد، حضور کلمات است که باید از دید آوایی، هجایی و معنایی بسیار دقیق و سنجیده انتخاب شوند. زیرا زبان‌آموز برای نخستین‌بار از جامعه‌ی زبانی خویش جدا می‌شود و به فضای زبان رسمی و واژگان جدید در می‌آید و گنجینه‌ی واژگانی و ذهنی هر زبان‌آموز اندک اندک فریه و غنی می‌گردد.»

پس در قدم‌های آغازین زبان‌آموزی، خیمه زدن بر مویرگ واژگان و گزینش و تکیه بر واژگان پایه و پُر بسامد کاری به هنجار و ضروری است. و هم‌چنین صحبتی شد درباره‌ی لزوم وجود یک فرهنگ یا گنجینه‌ی واژگان پایه. در این ارتباط باید عرض کنم وجود یک گنجینه به نام «واژگان پایه» برای همه‌ی آموزگاران، زبان‌آموزان و مؤلفان کتاب‌های درسی، بسیار لازم است. اما نکته‌ی مهم این است که زبان، پدیده‌ای زنده و زیابست و پیوسته در گشتارها و فراز و فرودهای جامعه، دچار زایش، بالش و فرسایش واژگانی می‌شود. به همین سبب اگر فرهنگ واژگان پایه تولید گردد، می‌باید هر چند سال به‌طور دوره‌ای بازنگری و پالایش شود.»

واژگان پایه و دیدگاه زبان‌شناسی

دکتر سید بهنام علوی مقدم، مدرس دانشگاه و کارشناس دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی در تعریف واژگان پایه، دیدگاه زبان‌شناسی را مدنظر دارد و می‌گوید: «واژگان پایه، به مجموعه‌ای از کلماتی اطلاق می‌شود که برای گروه سنی یا افراد خاصی، از بسامد بالایی برخوردار



دکتر مهدی دستجردی

واژگان پایه‌ی ریاضی

دکتر شهین نعمت‌زاده، با مطالعه در کتاب ریاضی پایه‌ی اول به آموزش مفاهیمی مانند تشابه و تساوی، یا جمع و تفریق و هم‌چنین عددنویسی توجه کرده است. وی می‌گوید: «واژگان پایه در تدریس ریاضی، در واقع مانند پلی هستند برای یاد دادن مفاهیمی که گفته شد. این واژه‌ها بستری برای آموزش سایر مفاهیم و واژه‌ها محسوب می‌شوند. بدین ترتیب ما می‌توانیم در ریاضی از آشناترین کلمات برای آموزش مسائل انتزاعی استفاده کنیم. ریاضی علم است و ما نباید در آموزش علوم برای ذهن درگیری ایجاد کنیم. واژگان پایه می‌توانند این اصطکاک را به حداقل برسانند.»

استاد دانشگاه الزهرا و مجری طرح پژوهشی واژگان پایه، در لزوم استفاده از کلمات آشنا به‌عنوان واژه‌ی پایه در ریاضی می‌افزاید: «در ریاضی پایه‌ی اول دوره‌ی ابتدایی، در قسمت مسائل، از ۳۰ اسم در ۱۲ مقوله استفاده شده است و اسم‌هایی به چشم می‌خورند که جزو واژگان پایه‌ی همه‌ی بچه‌ها نیستند. مثلاً اولین پرنده‌ای که بچه‌های ما می‌شناسند، معمولاً کلاغ است، ما این‌جا از طوطی و گنجشک نام برده شده است. بنابراین ذهن کودک درگیر می‌شود و می‌پرسد: طوطی چیست؟»

با کمی دقت می‌بینیم که فانوس، تیر برق، کولر و سماور دیگر واژگان پایه نیستند. در حالی که باید کلماتی را به کاربرد که برای کودک آشنا باشند.»

پژوهش، بنیاد می‌طلبد

به منظور بهره‌گیری از داوری و کارشناسی افرادی که خارج از این پژوهش بوده‌اند و البته نظر کارشناسی دارند، از میان حاضران در نشست، از دکتر فریدون اکبری، مدیر گروه برنامه‌ریزی درسی زبان و ادبیات فارسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی می‌پرسیم: «آیا یافته‌های ارائه شده در این نشست انجمن مطالعات برنامه‌ی درسی، از لحاظ کاربردی



دکتر فریدون اکبری شلدره‌ای

باشد؛ به عبارت دیگر، کاربرد آن‌ها نسبت به سایر کلمات، بیشتر باشد. از دیدگاه زبان‌شناسی، شناخت واژگان پایه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چرا که با شناخت این گونه واژه‌ها، علاوه بر مطالعات نظری می‌توان در عمل نیز بسیار از آن‌ها بهره برد. در نوشتن کتاب، ساخت فیلم، آموزش زبان اول و دوم، گفتار درمانی، آموزش کودکان استثنایی و بسیاری از زمینه‌های دیگر، می‌توان از این گونه واژه‌ها به صورت بهینه استفاده کرد. در دنیا، این گونه واژه‌ها بسیار مورد توجه هستند، زیرا در مقاطع زمانی کوتاهی، احصا می‌شوند.»

دکتر علوی به کاربرد این واژگان در پایه‌های گوناگون دوره‌ی ابتدایی نظر دارد و در این مورد می‌گوید: «واژگان پایه را در هر گروهی می‌توان بررسی کرد، ولی معمولاً آن‌چه متداول است، واژه‌های پایه مورد استفاده برای کودکان است. مثلاً کودک در فاصله‌ی دو تا سه سالگی، چه واژه‌هایی را به کار می‌گیرد؟ در دوره‌ی پیش‌دبستانی چه‌طور؟ پس از فراگیری مهارت‌های خواندن و نوشتن به چه‌صورت؟ و... از جمله سؤالاتی هستند که ذهن پژوهشگران را به خود معطوف ساخته‌اند. واژگان پایه‌ای که مدنظر سازمان پژوهش بوده‌اند، کلماتی پرسامد هستند که در پایه‌های پنج‌گانه‌ی دوره‌ی ابتدایی تولید و یا درک شده‌اند.»

واژه‌ی پایه‌ی دو زبانه

خانم فریده عصاره، کارشناس پیشین دفتر تألیف و فوق‌لیسانس برنامه‌ریزی درسی است. توجه او به مطالعات دو زبانه بودن دانش‌آموزان و مسائلی است که در چنین مناطقی، مثل مناطق ترک‌نشین، کردنشین و عرب‌نشین، در ارتباط با آموزش زبان رسمی پیش می‌آید.

وی در تعریف واژگان پایه، ابتدا خود واژه را تحلیل می‌کند و می‌گوید: «واژه یکی از عنصرهای اساسی زبان است که نقش مهمی در نام‌گذاری و سازمان‌دهی هر آن‌چه از محیط اطراف و زندگی کسب و تجربه کرده‌ایم، دارد. در واقع واژه‌ها به ذهنی شدن جهان عینی کمک می‌کنند و تفکر و تحلیل را سبب می‌شوند.»

و بعد در تعریف واژه‌ی پایه می‌افزاید: «آن دسته از واژه‌هایی هستند که برای یک گروه سنی آشنایی بیشتری دارند. در اکثر مواقع، بی‌نشان و به‌طور کلی عمومی هستند، نه تخصصی. مثلاً بین گروه واژه‌هایی که در یک شبکه‌ی معنایی قرار دارند، مانند قهقهه، هرهر، لبخند، خنده و تبسم، واژه‌ی **خنده** بی‌نشان است و در میان سخنوران، به‌ویژه کودکان، عمومیت و بسامد بیشتری دارد. یا در میان گروه واژه‌هایی از قبیل هیکی، تپلی، چاق، گامبو، فریه و خیکی، واژه‌ی **چاق** عمومیت بیشتری دارد و بی‌سمت و سوست.»

واژه‌هایی مانند **جرم، شورا و مساحت**، واژه‌های تخصصی هستند که کودکان مفاهیم آن‌ها را در موضوع‌های درسی، مانند علوم تجربی، علوم اجتماعی و ریاضی یاد می‌گیرند و به ندرت قبل از مدرسه با آن‌ها مواجه می‌شوند. معمولاً برای آموزش این واژه‌های تخصصی، از واژه‌های آشنا و پرکاربرد کودکان استفاده می‌شود. زیرا کودکان باید با معنی و مفهوم و کاربرد معنایی واژه‌های دیگر آشنا باشند تا بتوانند با یک رمز و یک معما روبه‌رو شوند. در تعلیم حروف الفبا در پایه‌ی اول دوره‌ی

ابتدایی، در انتخاب کلمه‌ی کلید و یا کلمه‌ای که قرار است کودک توسط آن، حرف و یا حروفی را یاد بگیرد، لازم است آن واژه از میان واژه‌های عمومی و پایه‌ی کودکان باشد و مفهوم آن را کودک در ذهن خود داشته باشد.

این کارشناس درباره‌ی کاربردهای واژگان پایه در مناطق دوزبانه توضیح داد: «معمولاً کودکانی که وارد مدرسه می‌شوند، گنجینه‌ای از واژه‌های عمومی دارند که اگرچه بخشی از آن‌ها در میان همه‌ی کودکان ایرانی، در یک گروه سنی مشترک هستند، ولی برخی دیگر، متناسب با محیطی که در آن زندگی می‌کنند و اقلیم و فرهنگی که در آن قرار دارند، با کودکان دیگر مناطق یکی نیستند. مثلاً واژه‌ی **شالی** بیشتر خاص شمال کشور است، نه مناطق کویری و یا دیگر مناطق. در نتیجه کودکان دیگر، نه **دال** آن را دارند و نه **مدلولش** را.»

برخی از واژه‌ها هستند که ممکن است مفهوم آن‌ها را بسیاری از کودکان مناطق مختلف در ذهن خود داشته باشند، ولی واژه‌ای را که برای آن به کار می‌برند، متفاوت باشد.

بنابراین واژه‌هایی که به‌عنوان واژه‌های پرکاربرد کودکان ایرانی معرفی شده‌اند، یا به عبارت دیگر، واژگان پایه، واژه‌هایی هستند که در میان همه‌ی کودکان ایرانی، چه از لحاظ دال و چه از لحاظ مدلول مشترک‌اند. واژگان پایه، اگرچه برای کودکان مناطق دوزبانه قابل استفاده هستند، ولی کافی نیستند. زیرا لازم است، که واژه‌های آشنا و پرکاربرد این مناطق نیز استخراج شوند. ضمناً معمولاً واژه‌های پایه برای نظام متمرکز کاربرد بیشتری دارند تا نظام غیر متمرکز. مثلاً در پیش‌دبستانی که محتوای آموزش توسط استان‌ها تهیه می‌شود، لازم است که مناطق واژه‌های پایه مربوط به آن‌جا را داشته باشند.»

حیوانات در خدمت توسعه‌ی کتاب‌خوانی

بازی‌ها، فعالیت‌ها و پژوهش‌های خلاقیت‌محور بر مبنای تمثیل‌ها و افسانه‌های «لافونتن» برای توسعه‌ی سواد خواندن در میان دانش‌آموزان دبستانی

مرتضی مجدفر



جولان می‌دادند. روباه آن قدر بی‌حال و بی‌زور بود که حتی نمی‌توانست دم یا دستش را برای پراندن مگس‌ها از روی زخمش، تکان دهد. او که هیچ راه‌گریزی از این مهلکه نداشت، رو به درگاه خدا کرد و گفت: «پروردگارا! من که حيله‌گرترین حیوان جنگلم، من که طمع‌کارترین موجود روی زمینم، چرا باید اسیر چند مگس کوچک و بی‌مقدار شوم؟ چرا از این دم‌درازم هیچ کاری ساخته نیست؟ چرا نمی‌توانم این مگس‌ها را از روی زخمم بپرانم؟»

خارپشتی که همان نزدیکی‌ها و از همان لحظه‌ای که روباه گلوله خورده بود، او را زیر نظر داشت، نزدیک شد و گفت: «روباه عزیز! تو حال و وضع خوبی نداری. حتی نمی‌توانی از جای تکان بخوری. مگس‌ها هم دست‌برداری نیستند. ولی من می‌توانم تو را از دست این حشرات خون‌خوار نجات بدهم.»

روباه اصلاً به این پیشنهاد خارپشت جواب مثبت نداد و سکوت کرد. خارپشت که از تصمیم روباه تعجب کرده بود، گفت: «چرا نمی‌خواهی من کمکت کنم؟»

روباه جواب داد: «بگذار خونم را بمکند. علاوه بر این، این‌ها که سیر بشوند و بروند، حتماً مگس‌های دیگری خواهند آمد. فکر می‌کنی مگس‌های جدید، گرسنه‌تر و تشنه‌تر از قبلی‌ها نیستند؟ از تو می‌خواهم

اشاره
در این بخش از سلسله مطالب لافونتن در کلاس درس، دو تمثیل دیگر را با بازی‌ها، تمرین‌ها و فعالیت‌هایی پژوهش‌محور ارائه داده‌ایم. امید داریم این مطالب در توسعه‌ی سواد خواندن مؤثر باشند.

روباه و مگس‌ها

روباه که شکمی از عزا درآورده بود، به دنبال محلی برای استراحت می‌گشت. از خندقی که شکارش را برای محفوظ ماندن از آزار و اذیت دیگران به آنجا برده بود، بیرون آمد و به طرف درختانی که سایه‌سار خوبی درست کرده بودند، حرکت کرد. چند قدمی راه نرفته بود که گلوله‌ای که معلوم نبود از کدام طرف شلیک شده است، او را زخمی کرد. روباه زخمی روی زمین گلی افتاد. اصلاً توان تکان خوردن نداشت. دور و برش را تعداد فراوانی مگس فرا گرفته بود. مگس‌ها، روی زخم روباه

راحت را بگیری و بروی. بگذار آن‌ها کارشان را بکنند.»

سه پرسش

- چرا روباه زخمی شد؟
(الف) از روی صخره افتاد.
(ب) داخل خندق گیر کرد.
(پ) گلوله‌ای به او اصابت کرد.

۲. حيله‌گرترين حيوان جنگل، طعمه‌ی چه موجوداتی شد؟

- (الف) خارپشت‌ها
(ب) مگس‌ها
(پ) مارها

۳. چرا روباه اجازه نداد خارپشت مگس‌های روی زخم او را بپراند؟

- (الف) با خارپشت قهر بود.
(ب) نمی‌خواست به مگس‌ها بربخورد.
(پ) می‌دانست مگس‌های گرسنه و تشنه‌تر دیگری در راه‌اند.

فکر کنید، پاسخ دهید

۱. فکر می‌کنید اصطلاح «شکم از عزا درآوردن» چگونه وارد فرهنگ گفتاری مردم ایران شده است؟ در این مورد یکی از سه فعالیت زیر را انجام دهید:

□ از پدر بزرگ، مادر بزرگ و افرادی از فامیل که سنشان بالای ۶۰ سال است، بخواهید در مورد این اصطلاح، هر چه می‌دانند برای شما تعریف کنند.
□ به کتاب امثال و حکم مرحوم دهخدا مراجعه کنید. این اصطلاح را در آن جست‌وجو کنید و بگویید چگونه این عبارت، به ضرب‌المثل تبدیل شده است؟

□ در کتاب دو جلدی «فوت کوزه‌گری»، که کاری پژوهشی از شاعر معاصر کودک و نوجوان **مصطفی رحماندوست** و همکارانش است و توسط انتشارات مدرسه به چاپ رسیده است، داستان مربوط به پیدایش ضرب‌المثل «شکم از عزا درآوردن» را پیدا کنید و برای هم‌کلاسی‌های خود بخوانید.

۲. در مورد تفاوت «خندق» و «گودال» تحقیق کنید. آیا در مورد خندق داستان یا داستان‌های تاریخی خاصی را سراغ دارید؟ یکی از آن‌ها را بنویسید و به کلاس بیاورید.

۳. در داستان، از خون خوار بودن مگس‌ها سخن می‌رود. با مراجعه به کتاب‌های علمی موجود در کتاب‌خانه‌ی مدرسه، در مورد درستی یا نادرستی این موضوع تحقیق کنید و نتایج پژوهش خود را در یک متن ده سطر (۱۴۰ کلمه‌ای) بنویسید.

۴. در این داستان، روباه از وضع نامناسب خود به درگاه خداوند شکایت می‌کند و از این که نمی‌تواند با دم و دست مگس‌ها را دور کند، ناراحت است. خارپشت برای کمک به او اعلام آمادگی می‌کند، ولی روباه قبول نمی‌کند.

فکر می‌کنید شکایت و درخواست روباه از درگاه خداوند تا چه اندازه از عمق دل بوده است؟ اگر شما در موقعیت سختی گرفتار شوید و از درگاه خداوند کمک بخواهید، خداوند کمک خود را چگونه و در چه

شکل‌هایی می‌تواند نشان دهد؟ آیا خارپشت داستان، وسیله‌ای برای نجات روباه نبود؟

۵. در بخش «فکر کنید، پاسخ دهید» داستان روباه بی‌دم، تمرین‌های متعددی را در مورد روباه و آثار فراوانی که در مورد این جانور چاپ شده است، ارائه دادیم. در این جا، به تعداد دیگری از آن‌ها اشاره می‌کنیم. تا آن جا که می‌توانید (حداقل دو مورد) از این کتاب‌ها را پیدا کنید و به پرسش‌هایی که در مورد هر یک پرسیده‌ایم، پاسخ دهید.

□ **آنتوان دوسنت اگروپری**، خلبان فرانسوی که هواپیمایش در جنگ دوم جهانی سقوط کرد، به زبان فرانسوی، کتابی برای بچه‌ها نوشته است که «شازده کوچولو» نام دارد. این کتاب به زبان‌های گوناگون، از جمله فارسی ترجمه شده است. در مورد شازده کوچولو، دو تمرین از تمرین‌های زیر را انجام دهید:

○ یکی از ترجمه‌های شازده کوچولو را پیدا کنید و داستان را بخوانید.

○ با پرس‌وجو و پژوهش، نام سه مترجم فارسی این کتاب را پیدا کنید. (راهنمایی: تاکنون ۱۰ نفر از مترجمان ایرانی در طی سالیان متفاوت، این کتاب را به فارسی ترجمه کرده‌اند).

○ اگر می‌توانید، دو ترجمه‌ی متفاوت از این کتاب را به دست آورید و چهار صفحه‌ی اول دو کتاب را با هم مقایسه کنید. فکر می‌کنید کدام مترجم کتاب را بهتر ترجمه کرده است؟ شما که به متن فرانسوی کتاب دسترسی ندارید، از کجا می‌گویید که ترجمه‌ی مورد نظر شما بهتر است؟

○ شازده کوچولو، بخش مهمی دارد که اهلی کردن روباه نام گرفته است. تاکنون نویسندگان و شاعران زیادی از مفهومی که در این بخش از کتاب به کار رفته است، الهام گرفته‌اند. فکر می‌کنید نویسنده در این جا چه می‌خواهد بگوید و درصدد رساندن چه مفهومی به خوانندگان خود است؟

○ شازده کوچولو در پایان قرن بیستم، عنوان بهترین کتاب این قرن از دید فرانسوی‌ها را کسب کرد. فکر می‌کنید فرانسوی‌ها، به چه دلایلی این انتخاب را انجام دادند؟

□ انتشارات **قدیانی** در تهران، در مجموعه کتاب‌های قصه‌های شیرین جهان، کتابی چاپ کرده است که «روبه بازیگوش» نام دارد. این کتاب به روایت **شاگ‌اهیراتا** و ترجمه‌ی **بیژن نامجو** است. آن را بخوانید و بگویید چرا ناشر اسم این مجموعه از کتاب‌های خود را «قصه‌های شیرین جهان» گذاشته است؟

□ «روبه سفیدی که عاشق موسیقی بود»، مجموعه شعری است که توسط **سارا محمدی اردهالی** سروده شده است. این مجموعه شعر در سال ۱۳۸۷ توسط انتشارات **آهنگ دیگر** در تهران به چاپ رسیده است. اگر به این کتاب دسترسی پیدا کردید، به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

- در کجای کتاب، از روبه سفید حرف زده می‌شود؟
- فکر می‌کنید چرا شاعر، اسم کتابش را این‌گونه انتخاب کرده است؟

برای فعالیت بیشتر

۱. آیا به بازی‌های رایانه‌ای علاقه‌مندید؟ با یک بازی درباره‌ی روباه

چطورید؟ **روباه زیرک دو بعدی**، یک بازی رایانه‌ای کراش ایرانی است که با الهام از فرهنگ و آداب و رسوم کشورمان طراحی شده است. (سی‌دی این بازی را می‌توانید از فروشگاه‌های نرم‌افزار تهیه کنید).

۲. آیا دوست دارید به جای خواندن کتاب، به کتاب گوش بدهید؟ بله، در مورد کتاب‌های گویا حرف می‌زنیم. اگر به سایت ایران صدا (www.iranseda.ir) بروید، با تعداد فراوانی کتاب گویا مواجه خواهید شد. در آن‌جا، آقا روباه هم حاضر و آماده، با چندین و چند داستان در خدمت شماست، از جمله: «روباه و خرس»، «شیر و دو روباه» و «روباه و لک‌لک». البته اگر خواستید کتاب‌ها را اینترنتی تهیه کنید، کارت شارژ کتاب‌های گویا را باید از این نشانی بگیرید: www.ketabgooya.org

کاری است؟»

بعد با خود گفت: «باشد، من هم از این پس، هر جا بره‌ای، بزى و الاغى گيرم افتاد، آن را خواهم خورد. تنها خودش را که نه، هم خودش را، هم مادرش را و هم پدرش را.»



سه پرسش

۱. چرا گرگ به این نتیجه رسید که از خوردن حیوانات دیگر دست بردارد؟

- (الف) به خاطر این که همه از او می‌ترسیدند و روی برمی‌گرداندند.
- (ب) به سبب این که از هر بره‌ای در این عالم، نفرت داشت.
- (پ) به دلیل ترس از چوپان‌ها.

۲. گرگ، وقتی با خود تصمیم گرفت دیگر هیچ جان‌داری را نخورد، یکدفعه چشمش به چه افتاد؟

- (الف) به چوپان‌ها که در حال کباب کردن گوشت بره بودند.
- (ب) به چوپان‌ها که در حال شکار گرگ دیگری بودند.
- (پ) به بره‌ها که در دشت گم شده بودند.

۳. در پایان داستان، گرگ به چه نتیجه‌ای رسید؟
(الف) دیگر هیچ جان‌داری را نخورد.
(ب) همه‌ی چوپان‌ها را دشمن خود بیندازد.
(پ) هم بره و هم پدر و مادرش را بخورد.



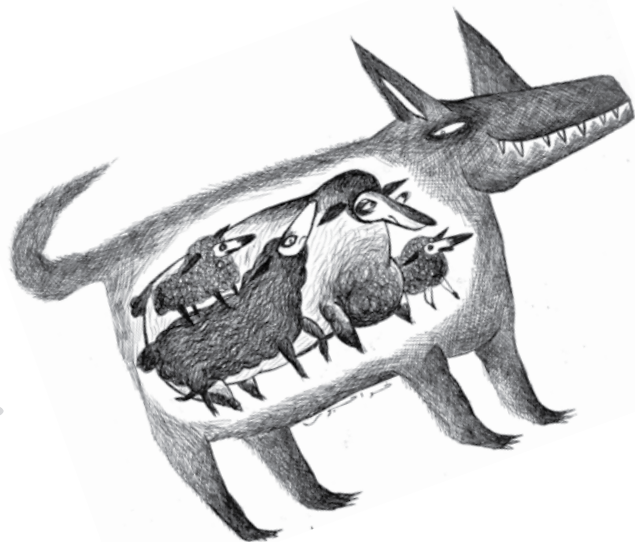
فکر کنید، پاسخ دهید

۱. تا چه اندازه با مفهوم ضرب‌المثل «توبه‌ی گرگ مرگ است» آشنا هستید؟ فکر می‌کنید این ضرب‌المثل چگونه به وجود آمده است؟ به نظر شما نتیجه‌ی بیان شده از طریق داستان گرگ و چوپان‌ها تا چه میزان با این ضرب‌المثل هم‌خوانی دارد؟

۲. طبق روالی که در بخش «فکر کنید، پاسخ دهید» چند داستان گذشته پیش گرفته‌ایم، مجموعه تمریناتی را ارائه می‌دهیم که ضمن ارتباط با مفهوم کتاب و کتاب‌خوانی، به طور مستقیم با داستان‌هایی درباره‌ی گرگ‌ها نیز مربوط است. این تمرین‌ها را بخوانید و با به دست آوردن اصل کتاب‌ها از کتاب‌خانه‌ی مدرسه یا نزدیک‌ترین کتاب‌خانه‌ی عمومی به منزلتان، لاقلاً به پرسش‌ها و فعالیت‌های یکی از آن‌ها پاسخ دهید.

□ «شورش خرگوش‌ها»، نوشته‌ی **آریل دورفمان**، نویسنده، شاعر و نمایش‌نامه‌نویس معروف آمریکای لاتین است که خانم **امیلی امرایی** آن را ترجمه و نشر افق منتشر کرده است. داستان این کتاب، درباره‌ی گرگ شاه، دشمن خرگوش‌های دم‌پنبه‌ای است که اسم خرگوش‌ها را از همه‌ی کتاب‌ها خط می‌زند. او از میمون عکاس می‌خواهد تندتند از او عکس بگیرد تا عکس‌های گرگ شاه، سراسر جنگل و در و دیوار خانه‌ها را ببوشاند. ولی آیا به این راحتی‌ها می‌شود خرگوش‌های دم‌پنبه‌ای را از صفحه‌ی روزگار پاک کرد؟

- این داستان را تا آخر بخوانید و پنج جمله‌ی اصلی آن را استخراج کنید
- به نظر شما چرا مؤلف کتاب از اصطلاح دم‌پنبه‌ای برای معرفی



گرگ و چوپان‌ها

آیا گرگ خوب هم پیدا می‌شود؟ اگر در زندگی واقعی پیدا نشود، البته که در داستان‌ها یافته می‌شود. روزی از روزها، یکی از گرگ‌های خوب روزگار، شروع به شماتت خود کرد: «همه مرا به چشم دشمن می‌شناسند. روستایی‌ها، چوپان‌ها، شکارچیان و سگ‌ها، همه و همه فقط برای کشتن من دور هم جمع می‌شوند و نقشه می‌کشند. نمی‌دانم چرا آن‌ها هر جا که گرگی می‌بینند، فقط به طرفش هجوم می‌آورند. حتی اگر بچه‌ای گریه کند، برای ترساندن او می‌گویند: «اگر گریه کنی، گرگ می‌آید تو را می‌خورد». همه‌ی این بلاها به خاطر این سرم می‌آید که همه‌اش دنبال خوردن الاغی احمق، بره‌ای بی‌مقدار و بزى لاغر و مردنی هستم. از این به بعد، با خود عهد می‌کنم، حتی محض نمونه، یک جان‌دار را هم نخورم.»

گرگ که غرق افکارش بود و هنوز با خود حرف می‌زد، چند قدم آن طرف‌تر، چند چوپان را دید که آتشی برافروخته و دور آن نشسته بودند. آن‌ها در حال خوردن کباب بره‌ای بودند که از قرار، چند دقیقه پیش سرش بریده شده بود. به همین دلیل، دوباره به فکر فرو رفت: «ای دل غافل! مرا ببین، به خاطر خوردن بره‌ای بی‌مقدار به خودم نهیب می‌زنم، آن وقت این آقایان راحت نشسته‌اند و دارند کباب بره می‌خورند. تازه، حتماً برای سگ‌های خودشان هم سهمی کنار گذاشته‌اند. این دیگر چه

خرگوش‌ها استفاده کرده است؟

● در مقدمه‌ی کتاب نوشته شده است که شورش خرگوش‌ها با رعایت حق کیبی رایت توسط ناشر ایرانی، به فارسی برگردانده شده است. در مورد «حق کیبی رایت» تحقیق کنید و نتیجه‌ی پرس‌وجوی خودتان در این زمینه را در ۱۰ خط به آموزگارتان ارائه دهید.

□ «شیلا، گرگ پاکیزه»، نوشته‌ی **سمانه جعفر بیگلو** است که **محمدعلی سپهر افغان** آن را تصویرگری کرده است. این کتاب هشت صفحه‌ای را انتشارات **جهان اندیشه** چاپ کرده است.

کتاب را بخوانید و بگویند چرا شیلا، گرگ پاکیزه‌ای است؟

□ «یک گرگ، دشمن یک گرگ دیگر»، کتابی است که در سال ۱۳۸۴، انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک و نوجوان، آن را در زمره‌ی کتاب‌های مناسب نخستین جشنواره‌ی این انجمن معرفی کرد. دو تا گرگ، سر یک تکه زمین با یکدیگر جنگ و دعوا دارند. مشکل آن‌ها چگونه حل می‌شود؟ در این کتاب، شما کودکان می‌آموزید که هر ماجرای ستیزه‌جویانه، در کنار راه‌حل‌های خوشونت‌آمیز، حتماً یک راه‌حل صلح‌آمیز توأم با گفت‌وگو نیز دارد.

در پایان این کتاب، چند پرسش مطرح شده است. کتاب را به دست آورید و پس از مطالعه‌ی کامل آن، پرسش‌ها را بخوانید و در مورد زندگی بدون درگیری دو گرگ داستان، راه‌حل‌های مثبت و سازنده‌ی خودتان را ارائه دهید.

برای فعالیت بیشتر

● اگر اهل مطالعه‌ی کتاب‌های عمیق‌تر هستید، دو رمان نوجوانانه‌ی زیر را بخوانید و لذت ببرید:

✓ «گرگ‌ها از برف نمی‌ترسند»، نوشته‌ی **محمدرضا بایرامی**، انتشارات **قدیانی**: ایده‌ی این داستان، بعد از زلزله‌ی سال ۱۳۷۵ اردبیل در ذهن نویسنده نقش بسته و او آن را بر مبنای یک حادثه و جغرافیای واقعی نگارش کرده است.

✓ «سنگ اندازان غار کبود»، نوشته‌ی **داوود غفارزادگان**، انتشارات **سوره‌ی مهر**: این کتاب تاکنون جوایز متعددی را از جشنواره‌ی داخلی کسب کرده است. نویسنده‌ی آن هم چون محمدرضا بایرامی، اردبیلی است و گرگ و زمستان در جای جای داستان حضوری پر رنگ دارد. در قسمتی از کتاب می‌خوانید: «عکس پاتر را کشید که در آسمان قیچی می‌زد. بعد سر گرگی را کشید که دهن باز کرده و زبانش آویزان بود. برای گرگ دو دندان تیز گذاشت و چشمش را بزرگ کشید. از چشم گرگ به بیرون نگاه کرد و همه‌جا را یخ زده دید ...»

● آیا دوست دارید کتابی را به جای آن که بخوانید، بشنوید؟ «گرگ بدجنس و روباه افسون‌گر» از این دست کتاب‌هاست. برای آن که اطلاعات بیشتری درباره‌ی این کتاب به دست آورید، به این نشانی مراجعه کنید:

<http://iransed.com/FullAudioBook/?g=425527>

● آقای **قاسم صنوی** از مترجمان خوب کشورمان است. حیفمان آمد در آخرین قسمت تمرینات این داستان، یک کتاب خوب را که او از زبان فرانسوی ترجمه کرده است، معرفی نکنیم. **ماجراهای گرگ شرور**، نوشته‌ی **ژان موزی** است و **نشر گل آذین**، با تصویرگری خانم نسرین صدقیان، آن را با ۲۰ داستان منتشر کرده است. کتاب را بخوانید و در حین خواندن، به چگونگی زیبا نوشتن آقای صنوی توجه کنید.

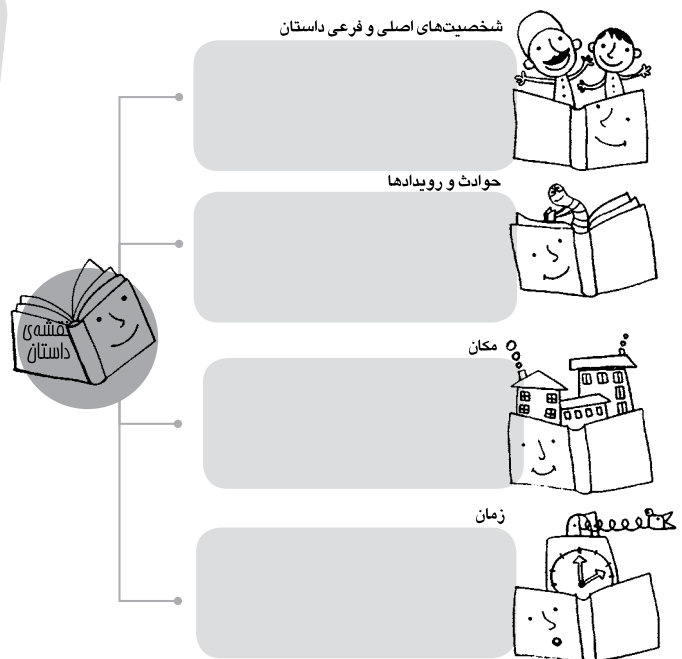
کلمه‌ها و ترکیباتی که برای نخستین بار در این داستان با آن‌ها آشنا شدی

معانی آن

کلمه (و یا ترکیب)

در مورد معنای هر کلمه، لااقل یکی از فعالیت‌های زیر را انجام بده.

- با دوستان خود گفت‌وگو کن.
- با پدر و مادر بحث کن.
- درستی آن را با آموزگار کنترل کن.
- با مراجعه به لغت‌نامه، فرهنگ‌نامه و یا دایره‌المعارف، اطلاعات بیشتری به دست آور.



هدیه‌ای برای خوانندگان رشد آموزش ابتدایی

۱ کتاب در ۸ شماره

نوآوری در یادگیری با تکالیف درسی خلاق

راهنمایی برای آموزگاران، پدران و مادران

براساس نوشته‌ای از: نانسی پائولو
ترجمه‌ی: زری آقاجانی
مطالعه‌ی تطبیقی و آماده‌سازی: رشد آموزش ابتدایی

می‌دهند. بنابراین خانم ری‌نوکس، کتابی را به‌عنوان تکلیف برای دانش‌آموزان خود تعیین می‌کند. وی انتظار دارد بچه‌ها متن آن را لایق برای پدر و مادر و پنج نفر دیگر از دوستان و آشنایان خود بخوانند. دانش‌آموزان باید از شنوندگان متن خوانده شده امضا بگیرند و این به معنای آن است که آن‌ها متن را برای لایق هفت نفر خوانده‌اند. این خانم معلم می‌گوید: «بچه‌ها این کار را با عشق و لذت تمام انجام می‌دهند. آن‌ها متن کتاب را برای فراش مدرسه، پدر بزرگ و مادر بزرگشان، پسرعمو و پسرخاله‌هایشان و افراد دیگر می‌خوانند و از آن‌ها امضا می‌گیرند. دانش‌آموزی که هفت امضا گرفته باشد، یک برجسب تشویقی دریافت می‌کند که مقابل نام او در تابلوی انگیزشی کلاس چسبانده می‌شود.»

خانم ری‌نوکس می‌افزاید: «این شروع کار است. آن‌ها برای هدف بزرگ‌تری تلاش می‌کنند که نتیجه‌اش در پایان سال

۱۰. تکالیف را با مدرسه و منابع ارتباطی مرتبط سازید
بسیاری از تکالیف درسی خلاق و قابل تحسین، براساس منابع در دسترس و موجود در مدرسه طراحی شده‌اند.

خانم باربارا ری‌نوکس^۱ در ناحیه‌ای تدریس می‌کند که به رغم مساحت ۸۸ هزار مایل مربعی، تنها ۲۱۰۰ دانش‌آموز دارد. این منطقه در شمالی‌ترین نقطه‌ی آلاسکا واقع شده است. مدرسه‌ی او، یعنی «پوینت لی»، با ۸۳ دانش‌آموز، از برنامه‌ی مشخصی پیروی می‌کند. همه‌ی ۱۷ دانش‌آموز سال‌های اول و دوم او اسکیمو هستند. او می‌گوید: «در این جامعه، هرکسی با دیگری ارتباط خویشاوندی دارد.»

این از ویژگی‌های مهم اسکیموهاست. دانش‌آموزان اسکیمو به تکالیف شفاهی که آن‌ها را به تمرین مهارت‌های ارتباطی با خویشاوندان و دوستان قادر می‌سازد، خیلی خوب پاسخ



استثنایی برای ترغیب دانش‌آموزان خود به انجام تکالیف بهره می‌برد. او این روش را به سبک تدریس خود و فعالیت‌هایی که در کلاس انجام می‌دهد نیز پیوند می‌دهد. البته روش او شاید برای معلمانی که از بنیه‌ی قوی برخوردار نیستند و یا توانمندی ورزشکاران را ندارند، خیلی مناسب نباشد. او یک‌بار به دانش‌آموزانش قول داد اگر همه‌ی تکالیف آن روز را همان روز انجام دهند، او در کلاس روی سرش خواهد ایستاد یا در حالی که کفش اسکیت به پا کرده است، درس خواهد داد. حتی یک‌بار او گفت در صورت انجام تکالیف، برای دانش‌آموزان کلاس آواز خواهد خواند و یا با آن‌ها فوتبال بازی خواهد کرد. آن‌ها همواره تکالیفشان را انجام می‌دادند، برای این که می‌خواستند ببینند آیا او به قولی که داده است، وفا می‌کند یا خیر.

البته او همه‌ی قول‌هایش را انجام می‌داد و طوری این کارها را به درس‌های جدیدش وصل می‌کرد که شیرین‌کاری در هر جلسه، بخشی از سبک تدریس او شده بود. اگر چه کار او خیلی سخت بود و شاید هیچ معلم دیگری نتواند سرتاسر سال را با چنین شیرین‌کاری‌هایی سپری کند، ولی هیچ جلسه‌ای نبود که حتی یک دانش‌آموز تکلیفش را انجام ندهد.

۱۲. به مقدار مناسب تکلیف بدهید

بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت معتقدند: مدت‌زمانی که دانش‌آموزان پایه‌های اول تا سوم ابتدایی در هر روز باید به انجام تکالیف مدرسه‌ای بپردازند، نباید از ۲۰ دقیقه تجاوز کند. برای

تحصیلی (یا نیم‌سال) مشخص می‌شود. در واقع به دانش‌آموزانی که در این فعالیت آموزشی بتوانند برچسب‌های بیشتری کسب کنند، اجازه می‌دهم در یکی از اردوهای مدرسه که شامل استفاده از اتاق رایانه و استخر است، شرکت کنند.»

خانم **ژاکلین ام‌لاند**، آموزگاری در منطقه‌ی **آبردین**، در داکوتای جنوبی، انجام تکلیف درس هندسه را با فرستادن بچه‌ها به بوستان نزدیک خانه‌های دانش‌آموزان توأم می‌سازد. او به بچه‌ها یک شعر کودکانه می‌دهد که پر از مفاهیم هندسی و اندازه‌گیری است. در شعر، «غول، جک و لوبیای سحرآمیز» به تصویر کشیده می‌شوند و به‌طور تلویحی، از این سخن می‌رود که به دلیل بزرگی بیش از اندازه‌ی غول، امکان اندازه‌گیری‌اش با خط‌کش یا حتی متر نواری وجود ندارد. سپس از بچه‌ها خواسته می‌شود، با نگاه به درختان بلند بوستان، اندازه‌ی قد غول داستان لوبیای سحرآمیز را حدس بزنند. هم‌چنین، او از بچه‌ها می‌خواهد بدون به‌کار بردن هیچ نوع ابزار اندازه‌گیری (خط‌کش، متر و...)، طول و یا اندازه‌ی برخی از ابزارها، وسایل و اشیای موجود در بوستان را تخمین بزنند و فهرستی از تخمین‌های خود را به کلاس درس بیاورند.

این کار خانم ام‌لاند، به‌طور دقیق شبیه کاری است که در اردوی تخمین «مدرسه‌ی راهنمایی پسرانه‌ی مفید» در تهران انجام می‌شود. در این مدرسه، اردویی برگزار می‌شود که به اردوی «هن و بابام» معروف است و در آن دانش‌آموزان به همراه پدران خود در برخی از روزهای جمعه در اردویی که در محوطه‌ی مدرسه تشکیل می‌شود، شرکت می‌کنند. در یکی از این اردوها، پدران و فرزندانشان باید طول، وزن، ارتفاع و... و موارد گوناگونی را که به آن‌ها داده شده است، تخمین بزنند. در این اردو، علاوه بر هدف‌های تربیتی، از جمله تقویت حضور پدران در کنار فرزندان، نوعی فعالیت لذت‌بخش آموزشی نیز چاشنی کار می‌شود.

همان خانم معلم داکوتایی، از یک منطقه‌ی بازی برای انتقال مفاهیم اساسی علوم در بخش فیزیک استفاده می‌کند. او از دانش‌آموزانش می‌خواهد تعیین کنند، در زمینی که از مواد لغزنده‌ی گوناگونی پوشیده شده است، چه‌قدر طول می‌کشد تا سر بخورند. سپس از آن‌ها می‌خواهد این زمان را با مواد گوناگون (کف صابون، کاغذ مومی و...) و در موقعیت‌های متفاوت (زمین صاف، زمین شیب‌دار و...) امتحان کنند. در این تکلیف عملی، دانش‌آموزان باید بتوانند طول لغزندگی و زاویه‌ی لغزش را محاسبه کنند. تا از این طریق بتوانند مفهوم «ضریب اصطکاک» را بهتر یاد بگیرند.

۱۱. تکالیف را با سبک تدریس خود مطابقت دهید

اگر معلم بتواند انجام تکالیف را برای دانش‌آموزان خود آسان کند، آن‌ها بیشتر به موفقیت نائل می‌شوند. **پائولا نیگل**، معلم زبان انگلیسی در «نوادا»، از شیوه‌ای

معلمان خوب تکالیف زیادتری می‌دهند، باعث شده است برخی از معلمان رغبت زیادی برای دادن تکالیف بیشتر به دانش‌آموزان از خود نشان دهند. هرچند در بیشتر مواقع، آموزگار پس از تمرین یک مفهوم ریاضی با دانش‌آموزان و بدون آن‌که انجام تکالیفی در خانه را به آن‌ها پیشنهاد دهد، به راحتی می‌تواند تشخیص دهد که آیا دانش‌آموزان آن مفهوم را متوجه شده‌اند یا نه.

خانم بنت که پیش از این از دیگر تجربه‌ای او سخن گفتیم، معتقد است: «تکالیف نباید خیلی سنگین و مشکل باشند. اگر تکالیف زیادی برای دانش‌آموزان تعیین کنیم، انجام آن‌ها طاقت‌فرسا می‌شود. ما به دقت دانش‌آموز احتیاج داریم، نه این‌که به هر نحو ممکن به او تکالیفی بدهیم که از سر ناچاری آن‌ها را انجام دهد و به هیچ‌عنوان در یادگیری او نقشی ایفا نکنند.»

هم‌چنین در پایه‌های پایانی ابتدایی و نیز در مدرسه‌های راهنمایی و دبیرستان که دانش‌آموزان از خدمات آموزشی چند معلم به‌طور هم‌زمان بهره می‌برند، معلمان به هماهنگی با یکدیگر نیاز دارند تا توازن در تکالیف حفظ شود. مثلاً آن‌ها باید مواظب باشند، شاگردان در یک شب چهار تکلیف از چهار درس گوناگون نداشته باشند و در مقابل یک شب را به‌طور مطلق با بی‌تکلیفی سپری کنند. این هماهنگی به نظارت و حمایت مدیر یا دیگر مسئولان مدرسه نیز احتیاج دارد.

از سوی دیگر ضروری است، معلمان از مدت زمان انجام تکالیف توسط دانش‌آموزان خود به‌طور گوناگون آگاهی یابند. این طبیعی است که در یک کلاس با دانش‌آموزان متفاوت، انجام تکلیف برای برخی‌ها بیشتر از بقیه طول بکشد. علاوه بر این، براساس ویژگی‌ها، بهتر است که برخی دانش‌آموزان وقت بیشتری را به انجام تکالیف خود اختصاص دهند. زیرا تحقیقات نشان داده‌اند: کسانی که نمرات کمی را در آزمون‌ها می‌گیرند، هنگامی که وقت بیشتری به انجام تکالیف خود اختصاص می‌دهند، نمراتشان به‌خوبی دانش‌آموزانی می‌شود که توانایی بیشتری دارند و دقت کمتری روی انجام تکالیف می‌گذارند. افزون بر همه‌ی این‌ها، اگر انجام تکلیفی زمان زیادی بگیرد، به هر حال بیانگر آن است که دانش‌آموز به راهنمایی بیشتری برای انجام موفقیت‌آمیز تکالیف خود نیاز دارد.

۱۳. عادات خوب مطالعه را تدریس و دانش‌آموزان را به کسب و توسعه‌ی این عادت‌ها ترغیب کنید

دانش‌آموزان برای انجام موفقیت‌آمیز تکالیف خود و فعالیت‌های علمی گوناگونی که به آن‌ها سپرده می‌شود، به کسب انواع مهارت‌های مطالعه نیاز دارند. متأسفانه در بیشتر دانش‌آموزان، این قبیل مهارت‌ها نهادینه نشده است. حتی در برخی از دبیرستان‌های آمریکا، به محض ورود دانش‌آموزان به دوره‌ی متوسطه، از آن‌ها ارزیابی‌هایی به‌عمل می‌آورند تا مشخص شود، آن‌ها در کدام مهارت‌ها ضعف دارند و ضروری است روی کدام مهارت‌ها کار ویژه‌ای صورت گیرد. بسیاری از این دبیرستان‌ها، نتایج ارزیابی‌های



پایه‌های چهارم تا ششم (در ایران، اول راهنمایی)، نوسان این زمان بین ۲۰ تا ۴۰ دقیقه مفید به نظر می‌رسد. برای دانش‌آموزان کلاس‌های هفتم تا نهم، به‌طور معمول زمانی بیش از ۴۰ دقیقه تا دو ساعت را مناسب می‌دانند و ۹۰ دقیقه تا دو ساعت و نیم در هر شب، مدت‌زمانی است که برای انجام تکالیف توسط دانش‌آموزان کلاس‌های دهم تا دوازدهم ضروری تشخیص داده شده است. دانش‌آموزان در پایه‌های تحصیلی گوناگون، تقریباً بسته به محل تحصیل (شهر، روستا،...)، کیفیت مدرسه و آموزش‌های دریافتی، می‌باید به میزان‌های نسبتاً نزدیکی به همین اعداد اعلام شده به انجام تکالیف بپردازند.

یک اشتباه رایج، به‌ویژه در میان معلمان تازه‌کار این است که فکر می‌کنند با دادن تکالیف بیشتر، دانش‌آموزان آن‌ها به خوبی یاد خواهند گرفت. البته اصرار والدین به ارائه‌ی تکالیف بیشتر و وجود این تفکر در میان بسیاری از پدران و مادران، مبنی بر این‌که

خود را در اختیار ادارات آموزش و پرورش منطقه‌ای و ایالت‌ها نیز قرار می‌دهند تا تأکید بر پرورش این مهارت‌ها از دوره‌ی پیش‌دبستانی مورد توجه قرار گیرد. این کار موجب می‌شود مهارت‌های مهم خیلی زود شناسایی شوند و در سراسر سال‌های دانش‌آموزی پرورش یابند.

پیش‌دبستان یا کلاس اول، برای آشنا شدن دانش‌آموزان با آوردن تمرین به خانه، کامل کردن آن و بازگرداندن به مدرسه، خیلی زود نیست. این کار باید خیلی پیش‌تر و حتی از مهد کودک (در مورد کودکانی که این مرکز آموزشی را تجربه می‌کنند)، شروع شود. می‌توان از کودکان مهد خواست کتابی را از منزل بیاورند تا در حضور بچه‌های دیگر برای آن‌ها خوانده شد. یا حتی می‌توان از آن‌ها خواست، به وسیله‌ی کارت نشانگر مشخص کنند، چه مقدار از کتاب خوانده شده است. درست است که آن‌ها هنوز خواندن را شروع نکرده‌اند و متن توسط فرد دیگری برای آن‌ها خوانده می‌شود، ولی این خود نوعی تمرین برای انجام تکالیف در سال‌های آینده است. این تکالیف به کودکان کمک می‌کنند که اهمیت یادگیری را بفهمند و به بزرگ‌ترها نشان دهند که حمایت آن‌ها برای انجام تکالیف لازم و ضروری است.

دانش‌آموزان سنین بالاتر، حتی از سال‌های میانی دوره‌ی ابتدایی، آمادگی دارند برخی مهارت‌های درس خواندن و روش‌های مطالعه را فرا بگیرند؛ روش‌هایی که اهم آن‌ها از این قرار است:

- * تنظیم برنامه‌ی زمانی منظم برای درس خواندن که با برنامه‌ی خانوادگی دانش‌آموز متناسب باشد.

- * از بین بردن عواملی که موجب حواس‌پرتی دانش‌آموز هنگام انجام تکالیف می‌شود. (در این راه، پدران و مادران نیز وظایفی برعهده دارند. مثلاً، خاموش کردن تلویزیون و قطع مکالمات تلفنی غیرضروری طی انجام تکالیف بسیار ضروری است.)
- * آماده ساختن لوازم ضروری برای انجام تکالیف پیش از شروع به انجام کار.

- * ثبت سفارش‌های انجام تکالیف در کتابچه‌ی تمرین یا تقویم برحسب تاریخ سفارش از سوی معلم (یا معلمان).
- * یادداشت‌برداری هنگام حضور در کلاس و نیز یادداشت‌برداری هنگام انجام تکالیف برای طرح در کلاس.
- * کنترل زمان‌های در دسترس و مدیریت بر آن‌ها.
- * برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی آزمون‌ها (آماده شدن برای حضور در آزمون‌های گوناگون).

به ترتیب که برنامه‌های درسی دانش‌آموزان کامل‌تر می‌شود و به پایه‌های بالاتر پا می‌گذارند، لازم است این قبیل مهارت‌ها نیز توسعه یابند و بچه‌ها آن‌ها را در دوره‌های راهنمایی و دبیرستان دوره کنند. خانم ری‌نولدز می‌گوید: «بسیاری از دانش‌آموزان وقتی پا به کلاس هفتم می‌گذارند، خیلی از این مهارت‌ها را بلد نیستند و برخی از آن‌ها هنوز نمی‌دانند که چگونه از عهده‌ی انجام تکالیف برآیند. حتی بعضی از آن‌ها نمی‌دانند که چه چیزی را باید انجام

دهند و به چه کتاب‌هایی احتیاج دارند. بنابراین من زمان زیادی را روی مهارت‌های مطالعه و شیوه‌های درس خواندن صرف می‌کنم و نتیجه‌ی خوبی نیز می‌گیرم.»

آقای کورییر که پیش از این از تجربه‌های وی سخن گفتیم، بزرگ‌ترین مشکل دانش‌آموزان پسر پایه‌های هفتم و هشتم را آشنا نبودن آن‌ها با مهارت‌های مطالعه می‌داند و معتقد است، چون آن‌ها به این مهارت مجهز نشده‌اند، به راحتی نمی‌توانند از پس آزمون‌هایی برآیند که در مدرسه برای آن‌ها پیش‌بینی می‌شود. او می‌گوید: «از پایه‌ی هفتم به بعد، تقاضاهای معلمان برای انجام تکالیف، متنوع و زیادتر می‌شود. هم‌چنین فعالیت‌های فوق برنامه که می‌توانند وقت آزاد دانش‌آموزان را به خود اختصاص دهند، توسعه می‌یابند. همه‌ی این دلایل اثبات می‌کنند که لازم است، روش‌های مطالعه، درس خواندن و آزمون دادن را به دانش‌آموزان یاد بدهیم.»

ریچارد رافالو، معلم اهل «نیوجرسی»، برای بالا بردن سرعت دانش‌آموزان و آماده کردن آن‌ها برای آزمون، آن‌ها را به جمع‌آوری تکالیف زیاد در یک زمان مشخص تشویق می‌کند. برای مثال، او چندین تکالیف را برای بازپس‌گیری در یک روز مشخص، مثلاً با سررسید ۱۲ روزه، تعیین و به آن‌ها یادآوری می‌کند که در پایان روز یاد شده، تکالیف آن‌ها را خواهد دید. به علاوه، از محتوای تکالیف انجام شده، از آن‌ها آزمون خواهد گرفت.

دانش‌آموزان به سرعت یاد می‌گیرند که تکالیف باید به تدریج انجام شوند. هم‌چنین، آن‌ها در می‌یابند که باید پاسخ‌های صحیح تمرین‌های خود را با هم‌کلاسی‌های خود واریسی کنند تا اگر پاسخی صحیح نبود، در آزمون پایانی نمره‌ای را از دست ندهند. دانش‌آموزان غالباً از عادات نظم و سازمان‌دهی‌های بزرگ‌سالان خود تقلید می‌کنند. بنابراین معلمان می‌توانند نمونه‌ای از نظم و سازمان‌دهی باشند. مثلاً وقتی معلمی زمان سررسید انجام یک پژوهش کلاسی را برای دانش‌آموزان خود مشخص می‌کند و یا می‌خواهد زمان برگزاری آزمون‌ها را به اطلاع آن‌ها برساند، می‌تواند تقویم جیبی‌اش را بیرون بیاورد، آن را باز کند و همراه با اعلام تاریخ به دانش‌آموزان، زمان‌های تعیین شده را در تقویم وارد کند. این یک توصیه‌ی غیرمستقیم، ولی سازمان‌دهی شده به دانش‌آموزان است و آن‌ها یاد می‌گیرند که از ابزارهای کنترل زمان -مانند تقویم - چگونه استفاده کنند.

زیر نویس

1. Barbara Renoux
2. Point lav
3. Jacqueline Omland
4. Aberodean
5. Paula Nagele
6. Richard Ruffalo

زهره خرم‌دل

آموزگار پایه‌ی اول دبستان شهید دستغیب، منطقه‌ی ۹ تهران

از نمایندگی کلاس تا نمایندگی کشور



بازی کودکان چه شیرین است و نقش‌هایی که در بازی می‌گیرند و گاهی خود را به جای مادر، پدر، معلم یا بزرگ‌ترها می‌گذارند و سخنان آنان را بر زبان می‌آورند. کمی بعد که وارد مدرسه می‌شوند، در نقش‌های دیگر و جانشین شخصیت‌های داستانی می‌شوند؛ نقش پلیس، باغبان، نگهبان، معلم، خرگوش، لاک‌پشت، مرغابی و... و این نقش‌هاست که شخصیت کودکان را رشد می‌دهد و آنان را برای کسب مهارت‌های زندگی آماده می‌سازد.

برای آشنایی دانش‌آموزان و کسب مهارت مهم شرکت در انتخابات و اهمیت آن در سازندگی خود و کشور عزیزمان ایران، در مدرسه نقش کشوری کوچک را بازی می‌کنیم که گروهی از دانش‌آموزان ملت و مردم، و تعدادی هم نامزدهای انتخاباتی می‌شوند. به دانش‌آموزان می‌گوییم که تا به حال برای انتخاب نماینده‌ی کلاس، معیارهایی هم‌چون انضباط اخلاقی، درسی، پیشرفت‌های درسی خلاقیت، ابتکار، بهترین رفتار و... را داشتیم، اما از حال به بعد، می‌خواهیم خودتان نماینده‌ای را انتخاب کنید. در روش‌های سنتی، چند دانش‌آموز را که برای نماینده شدن شرایط لازم را دارند، مقابل تخته‌ی کلاس می‌آوردیم و از بقیه می‌خواستیم، به روش معمول دست بلند کردن، یکی را انتخاب کنند.

امروزه که انتخابات کشوری را هم می‌بینیم و بچه‌ها شور و هیاهوی انتخاباتی را همواره در خانه، تلویزیون و خیابان مشاهده می‌کنند، چنین عمل می‌کنیم که از چند دانش‌آموز می‌خواهیم چند نفری نامزد شوند. سپس طبق معیارهایی که از قبل نوشته و یا شرط کرده‌ایم، ویژگی‌های نامزدها را بررسی می‌کنیم (بررسی صلاحیت). شش نامزد انتخاب می‌شوند. پس از این مرحله، به نامزدها می‌گوییم از امروز مثلاً شنبه تا چهارشنبه، وقت دارید تبلیغ کنید و هر چه لازم است، از خودتان به دوستانتان بگویید یا بنویسید. روز پنج‌شنبه روز رأی‌گیری است.

بچه‌ها با کمک خانواده‌ها (که در جریان قرار گرفته‌اند) پوستره‌های تبلیغاتی تهیه و زنگ‌های تفریح برای خود تبلیغ

می‌کنند. به عنوان مثال کاندیدایی، برای بچه‌ها خودکار آورد. بعضی خوراکی خریدند و...

روز انتخابات، یک صندوق تهیه می‌کنیم. اگر بچه‌ها حروف الفبا را خوانده باشند، روی برگ‌های رنگی اسم کاندیدا را می‌نویسند و درباره‌ی سال اولی‌ها و اگر شروع سال تحصیلی باشد، از نشانه‌ها استفاده می‌کنیم. به یاد دارم، یک‌سال از نشانه‌های خاصی برای هر دانش‌آموز استفاده کردم و روی تخته، مقابل اسم دانش‌آموزی که کاندیدا شده بود، یکی از این نشانه‌ها را قرار دادم. اما در رأی‌گیری‌هایی که بچه‌ها حروف الفبا را به‌طور کامل خوانده باشند، آن‌ها می‌توانند اسامی نماینده‌ی انتخابی خود را بنویسند. در نهایت دو نفر رأی می‌آورند.

جالب این‌جاست که یک‌بار کسی بیشترین رأی را آورد که کمترین تبلیغ را انجام داده بود و صحبت از خودکار و خوراکی و... در میان نبود، بلکه معیار بچه‌ها در انتخاب او، داشتن اخلاق خوب، با انضباط بودن، مهربانی، زنگ و باهوش بودن و امثال این‌ها بود. پس می‌توان گفت، بچه‌ها از حالا همه‌چیز را می‌دانند، حتی معیارها و ملاک‌ها را به خوبی درک کرده‌اند و تلاش من هم آماده ساختن آن‌ها برای نقش‌آفرینی در زندگی واقعی و آینده‌ی خود است. به امید توفیق از خداوند بزرگ در جهت پرورش کودکان امروز که سازندگان جامعه‌ی فرد هستند؛ چونان که امام راحل فرمودند: «امید من به شما دبستانی‌هاست».

تجربہ های سبز

پرونده

آموزش ابتدایی
رشد



بهمن ماه سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸

دایره‌ی صامت‌ها و مصوت‌ها

ساخت وسیله‌ای آموزشی برای تسریع یادگیری حروف و صداها

حبیبه ریش سفید

آموزگار پایه‌ی اول، روستای چپانه، نقده

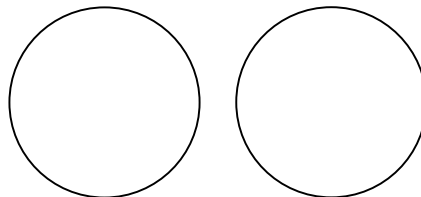


اشاره

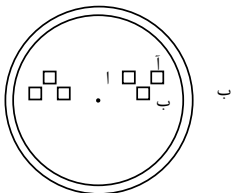
در پایه‌ی اول ابتدایی، بحث صامت و مصوت از مواردی است که آشنایی با آن تنها با توضیحات نظری، به سختی درک می‌شود. از آن‌رو، برخی آموزگاران دست به آفرینش‌هایی در آموزش این مسائل می‌زنند. آموزگاری از استان آذربایجان غربی درباره‌ی آموزش و تسریع در یادگیری ترکیب صامت‌ها (حروف الفبا) و مصوت‌ها مانند **ـِ ـَ ـُ**، وسیله و طرحی ارائه کرده است که علاوه بر توانمند کردن دانش‌آموزان در املا، به‌روخوانی فارسی و قرآن آن‌ها نیز کمک می‌کند.

نحوه‌ی ساخت

این وسیله را در اندازه‌های متفاوت می‌توان تهیه کرد. برای این منظور به چهار دایره از جنس مقوا نیاز داریم که دو عدد آن‌ها حدود ۱/۵ سانتی‌متر کوچک‌تر از دو دایره‌ی دیگر باشند.

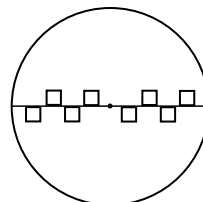


روی کناره‌ی دایره‌ی بزرگ، حروف الفبا را و بالای هر خانه در دایره‌ی کوچک یکی از مصوت‌ها را می‌نویسیم. داخل خانه، روی دایره‌ی بزرگ، ترکیب شده‌ی صامت با مصوت را می‌نویسیم. حال دایره‌ی کوچک را می‌چرخانیم و دوباره حرف بعدی را ترکیب می‌کنیم و داخل خانه‌ی بعدی می‌نویسیم.



اگر این وسیله با دقت ساخته شود، هرگاه بخواهیم ترکیب یکی از حروف با مصوت‌ها را مشاهده کنیم، وقتی فلیش روی یکی از حروف کناری قرار گیرد، همه‌ی ترکیب‌های حرف مورد نظر دیده خواهد شد.

دایره‌های بزرگ را از پشت بهم می‌چسبانیم. روی دایره‌های کوچک، هشت خانه با فاصله‌ی مشخص به‌وسیله‌ی موکت‌بُر ایجاد می‌کنیم؛ به‌طوری‌که چهارخانه روی یک شعاع و چهار خانه روی شعاع دیگر قرار بگیرد.



دایره‌های کوچک را روی دو روی دایره‌های بزرگ قرار می‌دهیم و از مرکز به‌وسیله‌ی پرچ یا دکمه‌ی فشاری به هم وصل می‌کنیم.

پرونده

شماره ۱۲
دوره‌ی ۵
شماره‌ی ۵
پهمن ۸۸

حدس بزن و برنده شو

یک بازی آموزشی برای هیجان انگیز ساختن املا

نرجس مرتضوی / آموزگار پایه‌ی دوم، بابلسر

دانش آموز حرف «ب» را زیر اولین خط می‌نویسد. ولی مثلاً اگر بگوید «ی»، معلم می‌گوید این حرف چهارم کلمه است، پس آن را بالای خط چهارم بنویس.

به همین ترتیب، با هر بار حدس اشتباه، آن حرف زیر خط نوشته می‌شود. اگر قبل از آخرین اشتباه بتواند کلمه را حدس بزند، برنده است. ولی اگر زیر خط‌ها پر شده باشد و دانش‌آموز نتوانسته باشد کلمه‌ی مورد نظر را بیاید، بازنده است. در صورتی که هیچ حرفی درست نباشد و یا فقط یک حرف از کلمه‌ی مورد نظر پیدا شده باشد، معلم می‌تواند از دیگری بخواهد که بیاید و حروف زیر خطوط را پاک کند و بازی را ادامه دهد.

این بازی را می‌توان به عنوان تکلیف شب به دانش‌آموزان داد تا در منزل با بزرگ‌ترها انجام دهد. این روش مزایایی دارد، از جمله:

- * هیجان انگیز و پرهیاهوست.
- * دوستی را محکم‌تر می‌کند (با راهنمایی همدیگر)
- * آموزش و تکلیف ارائه شده از تنوع خوبی برخوردار است.
- * اولیا و دیگر اعضای خانواده را نیز می‌توان به نوعی دل‌انگیز در امر یادگیری فرزندان درگیر کرد.

املا از جمله درس‌هایی است که زیاد به آموزش آن اهمیت نمی‌دهیم. با کمک به درست‌نویسی دانش‌آموزان از طریق ابداع و اجرای بازی‌های آموزشی، می‌توان املا را از هیولایی وحشتناک به دوستی صمیمی تبدیل کرد. بازی «حدس بزن و برنده شو» یکی از این روش‌های هیجان‌انگیز است. این بازی، به نوعی برگرفته از بازی‌های سنتی کودکان است که با تغییراتی ارائه می‌شود.

شرح بازی

معلم کلمه‌ای از درس هفته انتخاب می‌کند و به تعداد حروف آن، خط‌های افقی کوتاهی روی تخته‌ی کلاس می‌کشد. (مثلاً کلمه‌ی «رعایت» را انتخاب می‌کند و پنج خط کوتاه به این شکل می‌کشد:

حالا از یکی از دانش‌آموزان می‌خواهد که جلو بیاید و با گفتن حروفی، حدس بزند کلمه‌ی مورد نظر چه بوده است. اگر حرفی را گفت و در آن کلمه بود، با راهنمایی معلم، آن حرف را در جای خود و بالای خط می‌نویسد و اگر اشتباه بود، زیر خط. مثلاً اگر بگوید «ب»، معلم می‌داند این حرف در کلمه‌ی انتخابی وجود ندارد، پس می‌گوید خیر و



جدولی برای تقویت املا

هرمز علی زاده

آموزگار پایه ی پنجم، آبدانان ایلام

م	ح	ف	و	ظ		ح				
م	ن	ا	ط	ق				ط		
ط	ع	م	ه			ط				
ج	ه	ا	ل	ت				ه		
ط	ر	ا	ح	ی				ح		
م	ط	ه	ر			ط				
م	ظ	ل	و	م		ظ				
ح	و	ا	د	ث					ث	
ع	ظ	م	ت			ظ				
م	ر	ه	و	ن				ه		
ت	ن	ظ	ی	م				ظ		

«جدول کلمات هم خانواده»، نوعی بازی آموزشی است که به سادگی می توان با تکثیر برگه ای و یا ترسیم جدول روی تخته ی کلاس، از آن استفاده کرد و چون هدف از تمرین کلمات هم خانواده، وسعت دادن گنجینه ی لغات دانش آموز و تقویت املاتویسی است، لذا به کارگیری فعالیت روبه رو، در تعمیق و تثبیت یادگیری دانش آموزان بی تأثیر نخواهد بود.

شیوه ی کار

حروف هر ردیف را از چپ به راست کنار هم قرار دهید و کلمه ی مناسب را بنویسید. سپس حروف کلمه ی هم خانواده ی هر واژه را در خانه های مقابل آن ها وارد کنید.

پرونده

آموزش و تدریس
شماره ی ۵
شماره ی ۲۰
پهمن ۸۸

املا در کلاس های دو پایه

سمیه ستاری

آموزگار دو پایه، شهرستان مبارکه ی اصفهان

من آموزگار دو پایه ی اول و دوم هستم. برای تدریس املا در این دو پایه، ابتدا دانش آموزان کلاس اول را به گروه های سه نفری تقسیم می کنم و از دانش آموزان دوم می خواهم دفترچه های املای خود را باز کنند. سپس یک گروه از دانش آموزان اول را جلوی تخته



پستچی املامی گوید

جمیله مهران / آموزگار دبستان مهر، ایذه خوزستان

جمله یا کلمه‌هایی را روی کارت‌های مقوایی می‌نویسیم. سپس آن‌ها را در کیسه‌ای می‌گذاریم و کیسه را به گردن یکی از اعضای هر گروه می‌آویزیم و آن شخص را پستچی معرفی می‌کنیم. کیسه را به تعداد گروه‌ها تهیه می‌کنیم و این کار را برای همه‌ی گروه‌ها انجام می‌دهیم. از دیگر افراد هر گروه می‌خواهیم که یک کارت از کیسه بردارند. اگر روی آن جمله نوشته شده باشد، آن را می‌خواند و بقیه‌ی اعضای گروه می‌نویسند و اگر روی کارت، کلمه نوشته شده باشد، با آن جمله‌ای می‌سازد و برای بقیه می‌خواند تا بنویسند. به همین ترتیب، بقیه‌ی اعضا نیز این کار را تکرار می‌کنند. محاسن این روش عبارت‌اند از:

- * ایجاد شادی و نشاط در دانش‌آموزان
- * مشارکت و همکاری در گروه
- * تقویت املانویسی
- * تقویت انشانویسی
- * تبیین مفهوم نظم و انضباط
- * ایجاد رقابت سالم در میان دانش‌آموزان.



پرونده

آموزش ابتدایی
شماره ۵
دوره ۱۳
پهمن ۸۸

۲۱

آن را بنویسند. به‌یژه، از آن‌ها می‌خواهم جملات خودشان را در حد پایه دومی‌ها ارائه دهند. این فعالیت ادامه پیدا می‌کند تا همه‌ی گروه‌ها پای تخته بیایند و همان فرایند ادامه یابد. البته از قبل، از همه می‌خواهم از ذکر کلمات و جمله‌های تکراری (و در مورد دومی‌ها هم جمله‌های ساده) خودداری کنند.

می‌آورم و از یکی از اعضای این گروه می‌خواهم یک کلمه از کتاب را با صدای بلند بگویم؛ نفر دوم حروف آن را با کمک خط‌کش روی جدول الفبا نشان دهد و نفر سوم کلمه را روی تخته بنویسد. آن‌گاه از بقیه‌ی دانش‌آموزان کلاس اول می‌خواهم با آن کلمه‌ی خاص جمله بنویسند. همزمان، از کلاس دومی‌ها هم می‌خواهم با آن کلمه، جملات متفاوت بسازند و کلمات مخالف و کلمات هم‌معنی

راز نقاشی‌های محمد!

مرضیه قدکی / آموزگار دبستان رودکی، منطقه‌ی جی اصفهان



چه صادقانه، کودکان حرف‌ها و غم‌های دلشان را در نقاشی ساده‌ای بیان می‌کنند و ما بی‌آن‌که به معنی آن‌ها پی‌بریم، امضایی در پایین آن می‌کنیم! چه خوب است با چشم دل به نقاشی‌ها بنگریم تا غم‌ها، شادی‌ها، آرزوها و در نتیجه ضعف‌های یادگیری را در آن‌ها بشناسیم تا معلمانی موفق تر باشیم!

در اولین سال تدریسم، سروکارم با کودکان شش‌ساله‌ای بود که با نگاه‌های گرم و صادق خود قلبم را تسخیر کردند؛ کودکانی که بی‌اختیار مرا به روزهای نرم و سبک کوچکی‌ام بردند. روزهایی که با یک لبخند، قهر را از یاد می‌بردیم و با آشتی مهربان بودیم. در میان شاگردانم، محمد خانه‌ی دلش را هرچند کوچک، در گرو علاقه به من قرار داده بود و عاشقانه دوستم داشت. اما همیشه غمگین بود؛ غمی سنگین در چشمان زیبایش برق می‌زد. گویی بغض نشکسته‌ای داشت و در انتظار بود تا روزی، در پی سوآلی، با هق‌هق گریه‌اش، بغضش را بشکند و درد دلش را بگوید. من هم در انتظار فرصتی بودم تا ابرهای نقره‌نگ دلش را سپید سازم.

این فرصت را نقاشی‌های محمد به من داد که جز خط‌هایی افقی و عمودی همانند تار و پود و آدمکی پشت این خط‌ها، چیزی در آن نمی‌دیدم. از هیچ رنگی جز آبی استفاده نمی‌کرد. وقتی سومین نقاشی‌اش را دیدم که شبیه دو نقاشی دیگر بود، بی‌تردید فهمیدم رازی در پس این نقاشی‌های شبیه‌به‌هم وجود دارد.

روزی از سر دوستی و مهربانی، پای درد دل محمد نشستیم و راز نقاشی‌اش را پرسیدم و او معصومانه پاسخ داد: «آن خط‌ها میله‌های زندان و آن آدمک پدرش است و رنگ آبی، رنگ زندگی‌اش». وقتی علت را از مادرش پرسیدم، فهمیدم پدرش بیمار است و بیشتر اوقات را در اتاقی کوچک به‌سر می‌برد و محمد همیشه تنهاست.

از آن زمان که غم محمد را دانستم، با او مهربانانه حرف زدم. چند روز بعد، به وضوح خورشید طلایی زیبایی را بالای همان نقاشی مشاهده کردم؛ بی‌آن‌که از او بخواهم. و به مرور زیبایی‌های دیگر زندگی را هم.

پرونده

شماره ۵
دوره ۱۲
پهمن ۸۸

به سوآلات این آموزگار پاسخ دهید

این سوآلات پاسخ دهند. ضمن درج این پرسش‌ها، آمادگی رشد آموزش ابتدایی را برای درج پاسخ‌های کارشناسی مخاطبان محترم مجله اعلام می‌داریم.

پرسش ۱. چرا کلمات پیاله، میانه، پیاز، آریا، پیاده، پرنیان، خیار، بیابان، خیابان، زیاده، زیارت، نیایش، ماهی و... به این شکل نوشته می‌شوند: پیاله، میانه، پیاز، آریا، پیاده، پرنیان، خیار، بیابان، خیابان، زیاده، زیارت، نیایش، ماهی و...؟

اشاره

همکاران محترم حتماً آقای مهدی قیداری، آموزگار پایه‌ی اول ابتدایی از شهرستان میانه را می‌شناسند. تاکنون علاوه بر گفت‌وگویی که با ایشان چاپ کرده‌ایم، نظراتشان درباره‌ی املا و شیوه‌ی نگارش خط فارسی را نیز منتشر ساخته‌ایم. آقای قیداری اخیراً پرسش‌هایی را مطرح کرده‌اند و از کارشناسان و آموزگاران خواسته‌اند به

از طریق مجلات رشد مؤلف شدم

تجربه‌ی یک آموزگار در ارتباط با تألیف کتاب با مطالعه‌ی مجلات رشد

سارا خزایی / آموزگار دبستان شاهد، تنکابن

در صفحه‌ی ۳۶ آن مجله، از قول مرحوم آرام نوشته شده بود: من ریاضی‌دان هستم. متخصص آموزش ریاضی نیستم، اما علاقه‌مندم بدانم چرا من می‌توانم ریاضی حل کنم و دیگران نمی‌توانند و... جمله‌ای با این عنوان هم پررنگ نوشته شده بود: «آیا حل مسئله آموزش دادنی است؟»

در شماره‌ی بعد مجله هم این مطلب ادامه داشت. پس از آن، طرحی در ذهنم به وجود آمد و به کمک معلم راهنمای مدرسه، کتابی را با عنوان «راهکارهای نوین در حل مسئله‌ی ریاضی، ویژه‌ی معلمان ابتدایی» تألیف کردیم تا معلمان خوب ما بدانند: حل مسئله‌ی ریاضی آموزش دادنی است و اگر علاقه‌مند و با انگیزه باشیم، حتی زیبانویسی و شعر گفتن هم آموزش دادنی است، هر چند استعداد و قریحه‌ی ذاتی اثرگذار است.

جالب این جاست که این کتاب، در هفتمین جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد، در حوزه‌ی کتاب‌های ریاضی، جزو کتاب‌های برگزیده معرفی شد.

می‌دانستم که دوره‌ی ابتدایی پایه و اساس زندگی کودک را شکل می‌دهد؛ به همین دلیل سعی می‌کردم برای تدریس هر موضوع و رسیدن به هدف مورد نظر، مطالب مربوط به این دوره را در کتاب‌های روش تدریس و مجلات زیرورو کنم. یکی از مشکلات من این بود که برای تفهیم مطالب ریاضی به بچه‌ها، به خصوص حل مسئله در کلاس، با مشکل مواجه می‌شدم. آن طور که خودم می‌خواستم، از باز خورد و نتیجه‌ی کار لذت نمی‌بردم. وقتی با همکاران مشورت کردم، راهنمایی آن‌ها نیز چندان مطلوب نبود:

- پایه‌ی دانش آموز ضعیف است، همان‌طور که استعداد شعر گفتن ارثی است و زیبانویسی هم استعدادی ارثی و ذاتی می‌خواهد، یادگیری و درک ریاضی هم جنبه‌ی ارثی دارد و...

یک روز که مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی شماره‌ی ۵۶ را مطالعه می‌کردم، موضوعی با عنوان «مبانی آموزش ریاضی در دوره‌ی ابتدایی، به قلم جناب آقای خسرو بهزادی» نظرم را جلب کرد.



گرفته‌اند. ولی در کلاس دوم، در کتاب خود این کلمات را به این شکل می‌بینند: سر، سیم، بنویسیم، گل، جنگل، کار و...

معلم این مسئله را چگونه باید توضیح دهد؟

پرسش ۲. چرا در کلمه‌های ماهیت و موقفتیت، حرف ی تشدید گرفته است؟

پرسش ۳. در کلاس اول ابتدایی، دانش‌آموزان کلماتی هم‌چون سر، سیم، بنویسیم، گل، جنگل، کار و... را به خوبی یاد

پرونده

آموزش ابتدایی
شماره ۵
دوره ۱۲
پهمن ۸۸

فردا دیر



اشاره

مؤلف این مقاله، از آموزگاران پیش کسوت است که علاوه بر سال‌ها تدریس در شهر و روستا و تربیت معلم، مدت‌های مدیدی نیز در گروه ارزش‌یابی، تحقیق و هماهنگی دوره‌ی ابتدایی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی فعالیت کرده است. او اکنون در سال‌های بازنشستگی خود، علاوه بر همکاری دگرباره در امر تألیف و پژوهش، در چند دبستان پسرانه‌ی تهران نیز به صورت الگویی تدریس می‌کند. آن‌چه می‌خوانید، تجربه‌ای است علمی، آموزشی و پرورشی همراه با درد دل؛ دردی که اگر درمان نشود، به گفته‌ی آقای طاهری، زندگی همه‌ی ما را به هم خواهد ریخت. درد احساس ناامنی موجودات زنده‌ی هم‌خانه‌ی ما از وجود ما؛ دردی که کلید اصلی درمان آن در دست آموزگاران است و بس؛ دردی که برای اقدام به درمان آن، فردا دیر است ...

پرونده

دوره‌ی ۱۲
شماره‌ی ۵
پهمن ۸۸

امنیت کرده بود، در گوشه‌ای کنار پنجره و رو به بچه‌ها نشست. توجه بچه‌ها را به طرف او جلب کردم و پرسیدم: «به نظر شما خانه‌ی این پروانه کجاست؟»

گفتند: «همین دور و برها، روی درختان و گل‌های باغچه‌ها.» و بعد با لحنی پرسشی، تعجبی، پدرا نه، دوستانه و آرام گفتم: «اگر روزی شما از خانه و کوچی محل زندگی خود دور و خدای ناکرده گم شوید، دوست دارید دیگرانی که دوروبر شما هستند، با شما چگونه رفتار کنند؟!»

سکوت کامل برقرار شد! لحظات بسیار جالبی بود. رفتند به دنیای دیگر؛ دنیایی بزرگ‌تر از خانه، کوچی و خیابان ... خود و این که ... اگر ... آن‌گاه ... وا نگاه‌ها و رفتار آن‌ها حاکی از «آن» بود که من در آن لحظه انتظار داشتم ...

البته این سرعت توجه و تعمق و تأثر، به دلیل ویژگی‌های کودکی‌شان بود که خداوند در طبیعت آن‌ها به ودیعت نهاده است! با نگاهی پدرا نه در چشمان همه‌ی آن‌ها خیره شدم و گفتم: «من در

چهارشنبه ۱۵ مهر ۸۸ بود. وارد کلاس دوم شدم، کلاس شلوغ بود، قبل از من، پروانه‌ای زیبا راه را گم کرده و وارد کلاس ما شده بود. پروانه در ارتفاع پایین این‌ور و آن‌ور پر می‌زد و بعضی از بچه‌ها با کتاب و دفتر و خط‌کش قصد جان او را داشتند. حتی ورود و سلام من هم نتوانست این غائله را بخواباند.

پیش‌تر قصد من آن بود که دانش‌آموزان را به مشاهده‌ی گل‌ها در پارک کوچک نزدیک مدرسه ببرم - درس اول علوم تجربی پایه‌ی دوم - این اتفاق موضوع درس مرا عوض کرد. موضوع همان شد که در کلاس پُر می‌زد و فضای ذهنی و عاطفی دانش‌آموزان را به خود جلب کرده بود! با خواهش و تمنا کلاس را تا حدودی ساکت کردم! اما معلوم بود که شیطنت در وجود آن‌ها موج می‌زد! معلوم بود که هنوز در همان باغ هستند!

در این هنگام، پروانه که گویا از سکوت و آرامش کلاس احساس



است...

حسن طاهری

این که در صحن امامزاده‌ها و... شاهد حضور فراوان کبوتران همراه با زائران هستیم، به این دلیل است که این کبوتران تجربه کرده‌اند، افراد آن‌جا، نه تنها به آن‌ها آزار و اذیتی نمی‌رسانند، بلکه برعکس مهربانی می‌کنند و برایشان دانه می‌ریزند و ...

و اما خوب است با خود صادق و رو راست باشیم که آیا در کوچه، باغ، خیابان، بیابان، کوه، دشت، رودخانه و... رفتار ما با آن‌ها چنان است که در «امامزاده» هاست؟!

در مجله‌ی «دنیای وحش» نکته‌ای خواندم از آقای دکتر اسماعیل کهرم که گفته بود: «فرض کنید، کلاغی سر کوچی شما نشسته، اگر شما خم شوید که مثلاً چیزی را از زمین بردارید، کلاغ فرار می‌کند. چون باهوش است و فکر می‌کند می‌خواهید سنگی را بردارید و به سوی او پرتاب کنید. من این عمل را بارها در کوچه‌های سویس امتحان کردم، خم شدم روی زمین، ولی آن‌ها فرار نکردند، چون آن‌جا کسی به کلاغ‌ها سنگ نمی‌اندازد.»

و کلام آخر این که:

«ما در خانه‌ای بزرگ زندگی می‌کنیم و این موجودات دیگر هم‌خانه‌ی ما هستند. اگر یاد بگیریم و به بچه‌هایمان یاد بدهیم که با هم‌خانه‌های خود چگونه برخورد کنیم، زندگی ما زیباتر، لطیف‌تر و سالم‌تر خواهد بود.»

زیر نویس

۱. کلمه‌ی «شیطنت» را در این‌جا آگاهانه به کار گرفته‌ام، زیرا که ریشه‌ی این گونه رفتارها را در انسان نه براساس فطرت خدایی او، بلکه برعکس برپایه‌ی انحراف از فطرت و تربیت نادرست خانه، مدرسه و جامعه می‌دانم.
۲. اشاره به آیه‌ی «کل مولود یولد علی الفطره ...»
۳. مجله‌ی دنیای وحش، سال اول، شماره‌ی ۲، سال ۱۳۸۸، مصاحبه با آقای دکتر اسماعیل کهرم.

چشمان همه‌ی شما می‌خوانم که می‌گویید: پروانه هم جان دارد و جان شیرین خوش است!»

تنور داغ بود و باید از فرصت استفاده می‌کردم و نان را می‌پختم! به عنوان آخرین کلام، این شعر را با لحنی مناسب دکلمه کردم:

کودکان! این زمین و آب و هوا
این درختان که پر گل و زیباست!
باغ و بستان و کوه و دشت همه
خانه‌ی ما و آشیانه‌ی ماست!

بنجره را باز کردیم و پروانه را بدرقه! رفتار بچه‌ها در مراسم بدرقه درست نقطه‌ی مقابل رفتار آن‌ها در استقبال بود!

و اگر شما هم مثل بعضی‌ها عادت داشته باشید که در حیاط، ایوان یا جلوی پنجره‌ی خانه‌تان پذیرای پرنده‌ها باشید، تجربه کرده‌اید که فرار آن‌ها از انسان، نه به دلیل طبیعتشان، بلکه به دلیل تجربه‌ای است که آن‌ها از زندگی در کنار بعضی از ماها کسب کرده‌اند.

پرونده

شماره ۲۵
دوره‌ی ۱۲
پهمن ۸۸



دکتر سیدبهنام علوی مقدم

جمله و ساختار آن در زبان فارسی

همه چیز درباره‌ی جمله!

نگاهی به جایگاه جمله در کتاب‌های «بخوانیم و بنویسیم» دوره‌ی ابتدایی



اشاره

در دوره‌ی قبل، در شماره‌های ۱، ۶ و ۸ از مؤلف مقاله‌ای که اکنون آن را خواهید خواند، سه مقاله‌ی دیگر درباره‌ی دستور زبان فارسی بانگاهی به کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم دوره‌ی ابتدایی منتشر شد. بسیاری از خوانندگان مجله، از این که در این قبیل مطالب، به‌طور فشرده با مباحث دستوری کتاب‌های درسی آشنا شوند، سپاس‌گزاری کرده‌اند.

ضمن سپاس از این مخاطبان گرامی، ما هم امیدواریم بتوانیم در پاسخ‌گویی به نیازهای آموزگاران گرامی کوشا باشیم و از مؤلف محترم که از کارشناسان گروه ادبیات فارسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی است، تشکر می‌کنیم.

جمله بزرگ‌ترین واحد زبانی است. آموزش جمله از مهم‌ترین جنبه‌های آموزش زبان است. زیرا به کمک به هم پیوستن جملات است که متن زبانی به‌دست می‌آید. می‌خواهم ضمن بررسی نکاتی که در کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم در مورد جمله آمده است، به توضیح بیش‌تر و ارائه‌ی مثال‌های متنوع‌تر بپردازیم. در زبان فارسی جمله‌ها به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱. خبری
۲. پرسشی

پیوند

آموزش ابتدایی

دوره‌ی ۱۲
شماره‌ی ۵
بهمن ۸۸

۲۶

۳. عاطفی ۴. امری

۱. **جمله‌ی خبری:** جمله‌ای است که بیان می‌کند؛ مانند: علی می‌آمد. خورشید طلوع می‌کند.

در آخر جمله‌ی خبری باید نقطه بگذاریم.

۲. **جمله‌ی پرسشی:** جمله‌ای است که برای پرسش کردن به کار می‌رود؛

مانند: محمود، نقاشی خود را کشیدی؟ در این جمله درباره‌ی محمود پرسشی شده است.

در آخر جمله‌ی پرسشی باید علامت «؟» بگذاریم. جمله‌های پرسشی بر دو نوع‌اند:

۱. پاسخ آن‌ها بلی / خیر است: آیا تو دانش‌آموزی؟

۲. پاسخ، بلی / خیر نیست: چرا می‌روی؟ غرور آفت هنر است، یعنی چه؟ چرا به امام رضا(ع) می‌گویند ضامن آهو؟

پایه‌ی دوم و پایه‌ی پنجم

- پدربزرگ دعا می‌کرد؟

- او خدا را دوست دارد؟

- آیا همه‌ی درختان در بهار شکوفه دارند؟

۳. **جمله‌ی عاطفی:** جمله‌ای است که احساس، عاطفه، غم و شادی و تعجب و... را بیان می‌کند؛ مانند: عجب هوایی! چه بد!

در آخر جمله‌ی عاطفی باید علامت «!» بگذاریم.

۴. **جمله‌ی امری:** جمله‌ای است که امر به انجام کاری می‌کند یا از انجام کاری باز می‌دارد؛ مانند شما بروید. تو بیا.

در پایان جملات امری نقطه می‌گذاریم.

جمله‌های ساده و مرکب

جمله‌ها از نظر ساخت معمولاً بر دو نوع هستند:

۱. جمله‌هایی که یک فعل دارند. در این صورت، به آن‌ها جمله‌ی «ساده» می‌گویند؛ مانند: علی به مدرسه رفت. آیا به خانه

برمی‌گردد؟

۲. جمله‌هایی که بیش از یک فعل دارند که در آن صورت «مرکب» هستند؛ مانند:

- علی به مدرسه آمد و شهبین از مدرسه برگشت.

- من این را گفتم که تجربه کسب کنی.

در جمله‌ی مرکب، حروفی وجود دارند که دو جمله را به هم متصل می‌کنند. این حروف که حروف «ربط یا پیوند» نامیده می‌شوند، عبارت‌اند

از: و، که، تا، اما، ولی و...

جملاتی که پس از حروف ربط یا پیوند (به جز حرف «و») قرار می‌گیرند، جمله‌های وابسته یا پیرو نامیده می‌شوند؛ مانند: ... تا درس

بخواند. ... که تجربه کسب کند.

پایه‌ی پنجم

شجاع کسی است که از مرگ و خطر و عاقبت بد بترسد، ولی دست

و پای خود را گم نکنند.

نکته: گاهی در جمله، برای یکی از اجزاء، توضیحی به صورت جمله‌ای دیگر آورده می‌شود. به این گونه جمله‌ها «توضیحی» می‌گویند. جمله‌های

توضیحی می‌توانند جمله‌های وابسته یا پیرو فرض شوند، مانند:

- من - که تازه از مدرسه آمده بودم - زود برگشتم.

- محمد - که آخرین پیامبر خداست - در مکه متولد شد.

جمله‌های «موصولی» هم به این ترتیب می‌آیند. جمله‌ها موصولی نیز جزو جمله‌های وابسته‌اند، مانند: مردی که آمد، پسر اسفندیار بود.

پایه‌ی دوم

- آموزگار با هر بچه‌ای که وارد کلاس می‌شد، سلام و احوال‌پرسی می‌کرد.

- باید کاری بکنیم که مدرسه‌ای خوب و منظم داشته باشیم.

پایه‌ی چهارم

- پرستوها هنگام بازگشت، لانه‌های خود را - اگر آسیب‌دیده باشد - مرمت می‌کنند.

- پدر و مادر - بدون این‌که احساس خستگی کنند - جوجه‌های خود را پرورش می‌دهند.

جملات معلوم و مجهول

جمله‌ها از نظر وجه به دو گروه معلوم (شناس) و مجهول (ناشناس) تقسیم می‌شوند. جمله‌هایی که گذرا (متعدی) باشند، قابل مجهول شدن

هستند، ولی جملات دارای فعل لازم، مجهول نمی‌شوند. در این گونه جملات، فعل کمکی «شدن» صرف می‌شود.

پایه‌ی چهارم

معلوم: پرستوهای جوان هر سال لانه‌های جدیدی می‌سازند؛ مجهول: هر سال لانه‌های جدیدی ساخته می‌شود.

معلوم: خداوند این هوش و دانایی را به پرستوها داده است. مجهول: این هوش و دانایی به پرستوها داده شده است.

صورت‌های افعال معلوم و مجهول در زمان‌های گوناگون به شرح زیر است:

ماضی: ساده، نقلی، بعید، استمراری، مستمر و التزامی.

- ماضی ساده: فرستاد ← فرستاده شد. فرمول: صفت مفعولی + شد + شناسه

- ماضی نقلی: فرستاده است ← فرستاده شده است، فرمول: صفت مفعولی + شده + شناسه

- ماضی بعید: فرستاده بود ← فرستاده شده بود، فرمول: صفت مفعولی، شده + بود + شناسه

- ماضی استمراری: می‌فرستاد ← فرستاده می‌شد، فرمول: صفت مفعولی + می + شد + شناسه

- ماضی مستمر: داشتم می‌فرستادم ← داشتم فرستاده می‌شدم.



جمله و اجزای آن (نهاد و گزاره)

جمله‌های خبری را به دو بخش «نهاد و گزاره» تقسیم می‌کنند.
 نهاد: جزئی است که درباره‌ی آن خبری داده می‌شود.
 گزاره: خبری است که درباره‌ی نهاد می‌آید.

فرمول: داشت + شناسه + صفت مفعولی + می + شد + شناسه
 - ماضی التزامی: فرستاده باشم ← فرستاده شده باشم. فرمول:
 صفت مفعولی + شده + باش + شناسه

مضارع اخباری، التزامی، مستمر

- مضارع اخباری: می فرستم ← فرستاده می‌شوم. فرمول: صفت مفعولی + می + بن مضارع + شناسه
 - مضارع التزامی: بفرستم ← فرستاده بشوم. فرمول: صفت مفعولی + ب + بن مضارع + شناسه
 - مضارع مستمر: دارم می‌فرستم ← دارم فرستاده می‌شوم. فرمول (دار + شناسه + صفت مفعولی + می + بن مضارع + شناسه)

نمونه:

گزاره	نهاد
آمد	علی
به مدرسه رفتند	علی و حسین
بسیار مرتب هستند.	دانش‌آموزان خوب
پیروز شدند	مردان شجاعی که جنگیدند
کتاب را دیروز خرید	او

آینده

خواهم فرستاد ← فرستاده خواهم شد؛ خواهد گفت * گفته خواهد شد. فرمول: صفت مفعولی + خواه + شناسه + شد

جمله‌های دارای افعال لازم و متعدی

جمله‌های دارای فعل‌های گذرا (متعدی)، جمله‌هایی هستند که مفعول یا متمم اجباری دارند، ولی جمله‌های دارای افعال ناگذر (لازم)، مفعول نمی‌پذیرند (متمم اجباری، از جمله قابل حذف نیست).
 نمونه: پرید (ناگذر یا لازم)؛ خورد (گذرا یا متعدی).
 جمله‌ی اول به مفعول نیاز ندارد، ولی در جمله‌ی دوم به مفعول نیاز است. زیرا سؤال‌های «چه چیزی را» یا «چه کسی را» برای شنونده مطرح می‌شوند.

برخی از افعال ناگذر (لازم) با اضافه کردن «اند - انید» به بن مضارع به فعل‌های گذرا (متعدی) تبدیل می‌شوند.
 مثال: پرید ← (فعل لازم) ← پیر + اند (فعل متعدی) علی پرنده را از دیوار پراند.

← پیر + انید (فعل متعدی) مریم برادرش را از خواب پرانید.

لازم به ذکر است که قید، متمم، مفعول و فعل، جزء گزاره‌اند.

پایه‌ی پنجم

گزاره	نهاد
ابرها را برد	باد
او را می‌شناسم	من

قسمت اصلی گزاره، فعل است. فعل می‌تواند به دو صورت لازم (ناگذر) یا متعدی (گذرا) باشد. فعل لازم؛ فعلی است که فقط به فاعل نیاز دارد؛ مانند گُل شکفت. علی افتاد.

فعل متعدی؛ فعلی است که علاوه بر نهاد، به مفعول یا متمم نیز نیاز دارد؛ مانند: علی به گُل نگریست. علی کتاب را برد. حمزه با دشمنان اسلام جنگید.
مفعول مستقیم دارای نشانه‌ی «را» است و متمم حرف اضافه دارد.

حرف اضافه و متمم

حروف اضافه به تنهایی معنی ندارند، اما وقتی در جمله می‌آیند، به کامل شدن آن کمک می‌کنند. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: «از، در، به، برای و...». حرف اضافه معمولاً نشانه‌ی متمم است.

نکته: گاهی قیدها هم دارای حرف اضافه هستند. باید توجه داشت که این قیدها با متمم اجباری فعل اشتباه نشود.

راه‌های شناخت قید از متمم؛ قید از جمله قابل حذف است، بدون این که به معنی جمله آسیبی برسد. اما متمم اجباری فعل قابل حذف نیست و اگر حذف شود، معنی جمله ناقص خواهد بود.

نمونه: علی به گُل نگریست ← علی نگریست (معنی کامل نیست).

علی با دشمنان جنگید ← علی جنگید (معنی کامل نیست).

علی با عجله آمد ← علی آمد (معنی کامل است).

گُل به سرعت رشد کرد ← گُل رشد کرد (معنی کامل است).

پایه‌های دوم، سوم و چهارم

- من از خانه تا مدرسه پیاده می‌روم.

- مریم برای دوستش هدیه خرید.

- شیر از گرگ قوی‌تر است.

- در مسابقه از دوستم جلو زدم.

- من با دوستم تا مدرسه پیاده رفتم.

- دیروز در جنگل چند تا پسر دیدم که با یک چوب بلند، لانه‌ی

یک سینه‌سرخ را روی یک درخت خراب کردند و یکی از تخم‌های سینه‌سرخ شکست.

- خانه‌ی ما از مدرسه دور است. خانه‌ی شما به بازار نزدیک است.

- مسابقه‌ی فوتبال را از تیم مقابل بردیم.

- دوچرخه‌سواری را به دوستم یاد دادم.

حذف فعل

فعل در جمله به دو صورت حذف می‌شود:

۱. حذف به قرینه‌ی لفظی ۲. حذف به قرینه‌ی معنوی

هرگاه فعلی در یکی از دو بخش جمله‌ی مرکب، یک‌بار آمده باشد، ولی در بخش دیگر تکرار نشود، در اصطلاح گفته می‌شود، آن فعل به قرینه‌ی لفظی حذف شده است.

نمونه

- او به کتابخانه رفته و کتابی را به امانت گرفته است.

- او به دیدارش رفته و خبر را به او رسانیده است. (فعل است در

جمله‌ی اول حذف شده است.)

اما هرگاه در ظاهر جمله، فعل نباشد، ولی در معنای جمله فعلی پنهان باشد، در اصطلاح گفته می‌شود فعل به قرینه‌ی معنوی حذف شده است.

نکته: گاهی به جز افعال، اجزای دیگری نیز از جمله حذف

می‌شوند؛ مانند:

- دیروز به سینما رفتی؟

- رفتم. (به سینما حذف شده است.)

- آیا خبر آمدنش را شنیدی؟ شنیدم (خبر آمدنش را حذف

شده است.)

جابه‌جایی اجزای جمله

معمولاً در جمله‌های فارسی ترتیب اجزای جمله به این صورت است (پرانتر یا کمانک در این جا نشانه‌ی اختیاری بودن است و ممکن است در بعضی از جملات، کلمات داخل پرانتز وجود نداشته باشند):

نهاد + (مفعول) + (متمم) + فعل

سارا غذا را به کودک داد.

سعید کتاب را از مجید گرفت.

البته قید هم یکی از اجزای جمله است. که جای آن در جمله قابل تغییر است و می‌تواند در مکان‌های متفاوتی قرار بگیرد. علاوه بر قید، اجزای دیگر جمله هم چون نهاد، مفعول، متمم و فعل نیز قابلیت جابه‌جایی دارند.

نمونه

- دیروز مجید غذا را به کودک داد.

- دیروز مجید به کودک غذا را داد.

- غذا را مجید دیروز به کودک داد.

پایه‌ی سوم

- امروز می‌خواهیم نماینده‌ی جدید برای کلاسما انتخاب کنیم

این جمله را به چند شکل دیگر هم می‌توان گفت:

- می‌خواهیم امروز نماینده‌ی جدید برای کلاسما انتخاب کنیم.

- برای کلاسما می‌خواهیم امروز نماینده‌ی جدید انتخاب کنیم.

- می‌خواهیم امروز برای کلاسما نماینده‌ی جدید انتخاب کنیم.

بیان تجربه‌ها با عکس

شوکت عینالو / آموزگار پایه‌ی سوم، دبستان بهار دانش تربت حیدریه



*** هوش‌های چندگانه:** وقتی می‌گویند دانش‌آموزان برای یادگیری از سبک‌های یادگیری موجود در هر یک از هوش‌های چندگانه بهره می‌برند، چرا ما برای تدریس مرکز، شعاع و قطر دایره، از هوش جنبشی - حرکتی استفاده نکنیم؟!

*** تلفیق بازی و ریاضی:** دانش‌آموزان هنگامی که با موضوع یادگیری درگیر می‌شوند، بهتر یاد می‌گیرند.



*** برپایی نمایشگاهی از کارهای آموزشی - هنری دانش‌آموزان در کلاس درس:** وقتی دانش‌آموزان دست‌ساخته‌های خود را در معرض نمایش می‌گذارند، احساس غرور و شادمانی می‌کنند.



*** تدریس درس اجتماعی پایه‌ی سوم به روش قصه‌گویی:** دانش‌آموز با زبان عروسکی که به سر چوب اشاره بسته شده است، درس را توضیح می‌دهد. نقشه به صورت برجسته است و دانش‌آموزان پس از خواندن درس و تدریس معلم، با زبان کودکانه، مسیر حرکت خانواده‌ی آقای هاشمی را بیان می‌کنند.



پرونده

آموزش ابتدایی

دوره‌ی ۱۲
شماره‌ی ۵

۳۰

بهمن



نادرشاه، امیرکبیر و نجاشی در دبستان نگاهی به تجربه‌ی بهره‌گیری از روش نمایشی در کلاس درس

ابوالقاسم محمد خلیلی پور رودی
آموزگار کلاس پنجم، دبستان عمار خواف

بر این، بازیگران نمایش، با حفظ «دیالوگ‌ها»، در واقع درس را به‌طور کامل یاد می‌گیرند و دانش‌آموزان کم‌رو، خجالتی و گوشه‌گیر، به حضور در جمع و ابراز وجود تشویق و ترغیب می‌شوند. هم‌چنین، فراگیرندگان با علاقه و اشتیاقی وصف‌ناپذیر به کلاس تاریخ می‌آیند و هیچ‌وقت آموخته‌های خود را فراموش نخواهند کرد؛ آموخته‌هایی که دیگر در سطح دانش و حفظ طوطی‌وار نیستند، بلکه به سطوح بالاتر یادگیری (طبقه‌بندی بلوم)، از جمله درک و فهم، کاربرد و تجزیه و تحلیل می‌رسند.

من گاهی هم دانش‌آموزی را «گیریم» می‌کنم و از او می‌خواهم به جای معلم، کلاس را در اختیار بگیرد و درباره‌ی خودش (همان شخصیت تاریخی)، برای بچه‌ها صحبت و خود را معرفی کند. دانش‌آموزان می‌توانند با اجازه گرفتن، سؤالاتی را مطرح کنند و از او بخواهند به آن سؤالات پاسخ دهد.^۱



زیرنویس

۱. دوستان باید توجه داشته باشند که «روش نمایشی» (تئاتری، نمایش‌نامه‌ای) با «روش ایفای نقش» تفاوت دارد و استفاده از هر یک از این دو شرایطی دارد که در فرصتی مناسب به آن‌ها خواهیم پرداخت. آقای خلیلی پور، روش خودشان را ایفای نقش یا نمایش‌نامه (به‌صورت توأمان) معرفی کرده بودند که درست آن، با توجه به توضیحاتی که خودشان داده‌اند، همان روش اجرای نمایش‌نامه یا نمایشی است. درباره‌ی تفاوت این دو روش حتماً مطلبی منتشر خواهیم کرد.

درس تاریخ، از جذاب‌ترین درس‌های دوران تحصیلم بود؛ چرا که موضوعات آن، در قالب داستان‌هایی جالب از گذشته‌ی میهنی که به آن عشق می‌ورزم، شکل گرفته بود. با این حال، بارها به افرادی برخوردادم که هیچ علاقه‌ای به تاریخ نداشته‌اند و این درس را تکرار اسامی و شخصیت‌ها و مکان‌هایی ناآشنا می‌دانند! من ریشه‌ی این بی‌رغبتی آنان و آن علاقه‌ی خود را، در شیوه‌های تدریس معلمان جست‌وجو می‌کنم. در واقع، معلم علاقه‌مند، دانش‌آموزانی با علاقه تربیت می‌کند.

آموزش این درس با روش‌های یاددهی - یادگیری نوین، فعال و اثربخش، فراگیرندگانی مشتاق، با انگیزه و علاقه‌مند را پیش روی معلم خواهد نشانند.

درست است که تاریخ، گذشته را بازگو می‌کند و گذشتگان رفته‌اند، اما



بنده با آوردن شخصیت‌های تاریخی به کلاس خود، درس تاریخ را به شکل یکی از پُرطرف‌دارترین درس‌ها درمی‌آورم. در کلاس تاریخ پنجم دبستان مدرسه‌ی ما، «جعفرین‌ابی‌طالب» در حضور نجاشی، اسلام را معرفی می‌کند، «نادرشاه افشار» هند را به تصرف خود درمی‌آورد و «امیرکبیر»، از خدمات خود به میهن و مردم و شهادت مظلومانه‌اش سخن می‌گوید.

یکی از فایده‌های آموزش تاریخ به شیوه‌ی نمایشی این است که فراگیرندگان، در ذهن خود، برای هر شخصیت تاریخی، چهره‌ای خاص را ضبط می‌کنند و تعدد نام‌ها و شخصیت‌ها، آنان را به اشتباه نمی‌اندازد. علاوه

وقتی دیوار خاطر اتم را خراب کردند...

میثا معین پور / مدیر دبستان تربیت، سوادکوه مازندران

گرم خانوادهای را تشکیل داده‌اند و جالب‌تر این که دختران آن‌ها هم دانش‌آموزم هستند. خاطرات روزهایی که امتحان داشتیم و بچه‌ها در محوطه‌ی کلاس پخش می‌شدند. روزهایی که به علت گرمی هوا در بهار، مرضیه سرش را روی میز می‌گذاشت و می‌خوابید و با تق تق آرام انگشتم روی میزش، چنان از خواب برمی‌خاست که گویی از خواب شبانه برخاسته است. خاطرات روزهایی که در بهار، از شدت گرما مقنعه‌های خود را بالا می‌زدند و وقتی موهای ژولیده و درهمشان از پس مقنعه پیدا می‌شد، جالب و خنده‌دار می‌شدند.

یادش بخیر! یاد آن روز زنگ ورزش هم بخیر که به علت بارندگی در کلاس ماندیم و بازی کلاسی کردیم. من توپ را آرام پرت می‌کردم، اما آن‌ها با همان شیطنت بچگانه توپ را بلندتر می‌فرستادند تا من نتوانم بگیرم. من هم (عمداً) نمی‌گرفتم. بعد همگی می‌خندیدند که: خانم معلم نتوانست توپو بگیره. به راستی، یاد آن روزها هیچ‌گاه از ذهنم بیرون نمی‌رود. ای کاش می‌شد این کلاس پرخطر را قاب می‌گرفتم.

**معلم پایه‌های اول و دوم سال‌های نه‌چندان دور
و مدیر کنونی**

از سال‌های نه‌چندان دور می‌گویم؛ سال‌هایی که اولین گام‌هایم را در یک چهاردیواری به‌نام کلاس گذاشتم. سال‌هایی که نه یکی، نه دو تا، نه سه تا، بلکه ۳۰ الی ۳۴ دختر قدونیم‌قد معصوم و زیبا، با نگاه‌های شیطنت‌بار خود، در قالب این چهاردیواری مرا احاطه کردند؛ سال‌هایی که با صداهای دل‌نشین آن‌ها و داد و بیدادهای ساکت‌ساکت خودم، روزها را سپری می‌کردیم.

یادش بخیر! کلاس و مدرسه قدیمی بودند، اما ساکنان آن جدید. ساکنان آن از جنس باران بودند؛ لطیف و با طراوت. با دروغ و بدی غریبه بودند، اما با مهر و مهربانی آشنا.

با هم ساعت‌ها را در روز سپری می‌کردیم. گاه با شادی‌شان و لبخند من و گاه با شیطنت آن‌ها و عتاب من. اما عتاب و تشر من هم برایشان شیرین بود. زیرا آن‌ها صادق بودند و فضای کلاس صمیمی.

اما امروز، پس از سالیان دور، چارچوب خاطر اتمم فروریخت. چرا که ساختمان به دلیل قدیمی بودن تخریب شد تا بنایی جدید جای آن را بگیرد.

امروز وقتی شاهد خراب کردن سقف و دیوارهایم بودم، اشک از چشمانم جاری شد. زیرا از هر کلاس آن ساختمان، انبوهی خاطره دارم؛ از همکاران و از دانش‌آموزانم. دانش‌آموزانی که خود امروزه کانون

پرونده

شماره ۵
دوره ۱۲
پهمن ۸۸



دو کتاب برای معلمان و دانش آموزان

فاطمه قائمی

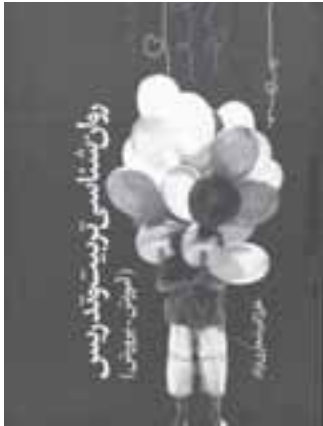


میراث جنگل

شاعر: رسول علی پور
ناشر: امروز (۸۸۳۴۵۲۱۷-۰۲۱)
چاپ اول: ۱۳۸۸، تهران

قیمت: ۲۰۰۰ تومان، مصور (رنگی)، ۳۶ صفحه
نمایش نامه‌ی موزون، از جمله فعالیت‌های هنری و فرهنگی اثر گذار بر کودک است. متن‌هایی با اهداف ساده و آموزنده که برای اجرا در دوره‌های پیش دبستان و ابتدایی بسیار مناسب هستند.

کودکان حتی با قرار گرفتن در جای شخصیت‌های اثر می‌توانند، طی نوعی همکاری مجازی، به رشد و بالندگی و همین‌طور اعتماد به نفس بالا برسند. ناگفته نماند، از لحاظ پیشرفت‌های زبانی و گفتاری و کسب مهارت‌های حرکتی و یافتن روح همکاری و رفع کم‌رویی، نمایش نامه می‌تواند اثرات خوبی داشته باشد. میراث جنگل از آن دسته نمایش نامه‌های موزون به زبان شعر و در حد کلمات مورد کاربرد کودک است که در عین ساده و آهنگین بودن، خیال‌انگیز و آکنده از شخصیت‌های حیوانی مورد توجه بچه‌هاست که در زندگی واقعی، مطابق نیازها و مشترکات حیات انسانی، مطرح و در واقع یادآوری می‌شوند.



روان‌شناسی تربیت و تدریس (آموزش - پرورش)

مؤلف: دکتر علی اکبر شعاری نژاد
ناشر: اطلاعات، تهران (تلفن ۲۹۹۹۳۲۴۲-۰۲۱)

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۸، ۱۱۴۸ صفحه
قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان
نخستین گام روان‌شناس شدن، شناختن خویشتن است. یعنی پی بردن به هویت خود و این که کیست و چه می‌تواند بشود!

آن‌چه در این مجموعه مطرح می‌شود، حاصل مطالعات نظری و عملی دکتر علی اکبر شعاری نژاد در بیش از ۵۰ سال تدریس مستقیم در همه‌ی پایه‌های آموزشی و تحصیلی است که در نه فصل بدان پرداخته است.

در فصل دوم کتاب با عنوان «شناخت تربیت» می‌خوانیم: تربیت جدید، بر پژوهش مبتنی است، نه بر بایدها و نبایدها. هدف تربیت این است که رفتار افراد را طوری تغییر دهد که از زندگی سالم و لذت‌بخش همه‌جانبه برخوردار شوند و شهروندان مؤثر و موفق باشند.

نویسنده در فصل پنجم، فناوری تربیت یا شناخت کاربردی آموزش - پرورش را مورد توجه

قرار داده است و می‌گوید: مدرسه نمی‌تواند و نباید تنها نهاد آموزشی یا تربیتی تلقی شود، بلکه همه‌ی نهادها در امر مهم آموزش-پرورش مسئول‌اند. تربیت عملاً راه زندگی را تعیین می‌کند؛ هر چند گاهی قبول این حقیقت برای ما دشوار است.

وبالآخره فصل نهم که «تربیت معلم یا آماده‌سازی برای حرفه‌ی معلمی» را مدنظر دارد و می‌گوید: شایستگی هر نظام آموزشی، به وضع شایستگی معلمان آن نظام بستگی دارد. اگر می‌خواهیم تغییری در زندگی اجتماعی به‌وجود آوریم، باید از مدرسه آغاز کنیم و اگر و اگرهای دیگر.

راستی آزمایی به سبکی خاص!

به رامین که تکلیف شبش را انجام نداده بود، گفتم: «چرا تکلیفت را خودت انجام نمی‌دهی؟» او گفت: «من خودم انجام داده‌ام.» در پاسخ گفتم: «ولی من از چشم‌هایت می‌فهمم که راست می‌گویی یا نه؟» و بعد ادامه داد: «یک نفر آدم قه‌قند را می‌بینم که تکلیف شما را انجام می‌دهد...» رامین حرفم را قطع کرد و گفت: «خانم معلم! سیبل هم دارد؟!» گفتم: «بله.» گفت: «پدرم نوشته بود.»



آموزگار دبستان سما، ناحیه ۲ ساری
مینا طبری

مهارت برای زندگی یا زندگی برای کسب مهارت؟

بخش چهارم

ارتباط در کلاس درس

دکتر لیلا سلیقه‌دار

اشاره

در یکی از تعریف‌های مربوط به مهارت‌های زندگی آمده است: مهارت‌های زندگی، مهارت‌های شخصی و اجتماعی هستند که کودکان و نوجوانان باید آن‌ها را یاد بگیرند تا بتوانند در مورد خود، انسان‌های دیگر و کل اجتماع، به‌طور مؤثر، شایسته و مطمئن عمل کنند. اندیشه در این تعریف، مؤکد آن است که ارتباط با دیگر انسان‌ها، علت و انگیزه‌ی اصلی در فراگیری این مهارت‌هاست. در مقاله‌ی پیش‌رو، به مهارت ارتباط مؤثر و روابط بین‌فردی پرداخته شده است.

مهارت‌های زندگی، مهارت‌هایی هستند که همگی به آن‌ها نیازمندیم؛ چرا که با بهره‌گیری از آن‌ها در زندگی، به فردی شاد، موفق و مؤثر تبدیل می‌شویم. یکی از مهارت‌هایی که به‌طور مستقیم در توفیق ما در زندگی اجتماعی تأثیرگذار است، مهارت «روابط بین‌فردی» است. از سوی دیگر نمی‌توانیم مرز مشخصی میان این مهارت با «مهارت

ارتباط مؤثر» ایجاد کنیم. به این معنا که داشتن مهارت «ارتباط مؤثر بین‌فردی»، که به نوعی تلفیق دو مهارت متفاوت است، کامل‌کننده‌ی یک مهارت اساسی در زندگی اجتماعی است.

کلاس درسی را تصور کنید که در آن دانش‌آموزان کنار هم می‌نشینند، باهم گفت‌وگو می‌کنند و گاهی بنا به خواست معلم، کاری را به صورت اشتراکی انجام می‌دهند. در این شرایط، به‌نظر می‌رسد بین دانش‌آموزان ارتباط وجود دارد. اما اگر فعالیت‌های دانش‌آموزان نتیجه‌ی مناسبی دربر نداشته باشد، در این صورت می‌توان یکی از دلایل آن را به نداشتن ارتباط مؤثر بین فردی در کلاس مربوط دانست.

روابط بین‌فردی چیست؟

توانایی برقراری روابط بین‌فردی، به ایجاد روابط مثبت و مؤثر فرد

با انسان‌های دیگر کمک می‌کند. یکی از این موارد، توانایی ایجاد روابط دوستانه است که در سلامت روانی و اجتماعی نقش بسیار مهمی دارد. از جمله اجزای مهارت بین‌فردی، همکاری و مشارکت بین افراد است. امروزه و براساس روش‌های نوین و فعال تدریس در کلاس درس، ایجاد حس همکاری بین فراگیرندگان، از جمله راهکارهای ضروری و موردنیاز در فرایند یاددهی - یادگیری به‌شمار می‌رود. لازمی ایجاد چنین حالتی، تدابیر گوناگونی است که باید به واسطه‌ی معلم و مربی در فعالیت‌های گوناگون به کار گرفته شوند. برای مثال، داشتن اعتماد به گروه و کارگروهی، در افزایش رغبت به استفاده از این مهارت مؤثر است. در روزهای اولیه‌ی ایجاد اعتماد، بازی‌های متفاوتی قابل استفاده‌اند تا میزان آشنایی بچه‌ها با یکدیگر بیشتر شود و مفهوم اعتماد به گروه را نیز دریابند. برای مثال، پس از دسته‌بندی دانش‌آموزان به گروه‌های خاص، از هر گروه می‌خواهیم که دایره‌وار بایستند. قطر دایره نباید چندان

بزرگ باشد تا ضریب ایمنی فعالیت بیشتر شود. سپس یکی از افراد گروه در میان دایره می‌ایستد و می‌کوشد بدنش را رها کند و به اطراف بپیفتد، بچه‌ها که دوشادوش هم ایستاده‌اند، می‌کوشند او را بگیرند و به حالت ایستاده برگردانند. این بازی، ضمن آن‌که حالت سرگرمی دارد، به استحکام رابطه در گروه کمک می‌کند و به افزایش اعتماد در گروه کمک می‌کند و به افزایش اعتماد در گروه منجر شود.^۱

در این باره لازم است ضوابط و شرایط گروه‌بندی در کلاس، براساس اندیشه‌های متناسب با انتظارات معلم از گروه، شکل بگیرد. برای مثال، در فعالیت‌هایی که لازم است همه‌ی بچه‌ها از هم چیزی یاد بگیرند، بچه‌ها با میل و انتخاب خود گروه را تشکیل دهند و یا زمانی که لازم است تغییری در گروه ایجاد شود، این کار با مشورت و نظر آنان و مجاب کردن آن‌ها با توجه به نتایج به‌دست آمده از فعالیت‌هایشان صورت گیرد. در این باره، مدارسی وجود دارند که محور اساسی فعالیت‌های خود را بر پایه‌ی ایجاد حس همکاری بین افراد قرار می‌دهند. در این مدارس، یکی از مهم‌ترین محورهای اصلی «کمک کردن به یکدیگر و پرستاری یا مواظبت از هم» است. به این ترتیب، بچه‌ها در تمام فعالیت‌های خود، باهم بودن مؤثر را تجربه می‌کنند.

از دیگر نکات مهم در روابط بین‌فردی، به ویژه در دوره‌های پایین‌تر تحصیل، مانند دوره‌ی ابتدایی، نقش الگویی معلم برای دانش‌آموزان است. یعنی معمولاً معلمانی که از مهارت قوی‌تری در برقراری روابط بین‌فردی برخوردارند و می‌دانند چگونه ارتباط با دیگران را آغاز و یا به آن پایان دهند، دانش‌آموزانی با روابط میان‌فردی قوی‌تر خواهند داشت. در این کلاس‌ها، بچه‌ها به‌طور عملی می‌بینند و یاد می‌گیرند که چگونه دوستانی را برای خود برگزینند و یا برای دوستی‌های خود مرز و حد مشخصی تعیین کنند. در صورت لزوم هم به روابط نامناسب و بی‌نتیجه با برخی افراد پایان دهند. توجه به این مهارت، موجب سلامت بیشتری در روابط دانش‌آموزان در دوره‌ی نوجوانی خواهد شد.

ارتباط مؤثر چیست؟

درون مهارت بین‌فردی، توانایی ارتباط مؤثر است که به ما می‌آموزد، برای درک موقعیت دیگران، چگونه فعالانه به سخنان آنان گوش دهیم و چگونه آنان را از احساس و نیازهای خود آگاه کنیم تا ضمن به دست آوردن خواسته‌های خود، طرف مقابل نیز احساس رضایت کند. برای مثال، پیش از آن‌که شرایط سخت کلاس و یا عقب بودن از برنامه‌ی از پیش تعیین شده‌ی درس معلم را آشفته کند و موجب بدرفتاری‌اش شود، او موضوع را با دانش‌آموزان خود مطرح می‌کند و از آنان می‌خواهد که بیشتر با او همراهی کنند و بیش از روزهای دیگر به برنامه‌ی کلاس توجه داشته باشند. به این ترتیب، معلم توانایی درخواست کمک به وقت نیاز را نیز به دانش‌آموزان خود می‌آموزد. مهارت تقاضای کمک و راهنمایی از دیگران در مواقع ضروری، از عوامل مهم رابطه‌ی سالم است.

برای داشتن ارتباط مؤثر، راه‌های گوناگونی وجود دارند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به ارتباط غیرکلامی در کلاس درس اشاره کرد. در ارتباط غیرکلامی، ایما و اشاره، نمایش و حرکت و زبان بدن بیشتر

از کلمات به کار می‌آیند و به ویژه در دوره‌ی ابتدایی، از تأثیر بسزایی برخوردار هستند.

از سوی دیگر، ذات پاک کودکان، شرایطی را فراهم می‌کند که می‌توان بسیاری از شیوه‌های مربوط به مهارت‌های زندگی را از آنان آموخت. مثلاً در یک تجربه‌ی معلمی، «گوش دادن فعال» که از دیگر اجزای مهم در ارتباط مؤثر است، از رفتار یک دانش‌آموز آموخته شده است. این تجربه در ادامه آمده است:

«همیشه احساس می‌کردم معلم بسیار موفقی هستم. شور و اشتیاق زیادی داشتم. همواره در حال انجام فعالیت‌هایی برای بچه‌ها بودم و مطالب را به‌طور کامل و با صدای بلند و گاهی با شعر و آواز توضیح می‌دادم. آن سال، زهرا دانش‌آموز من شد. دختری بسیار آرام که شاید در طول هفته، اگر از او سؤال نمی‌پرسیدی، اصلاً صدایش را نمی‌شنیدی. یک روز که مشغول توضیح دادن قسمت‌های گوناگون بدن انسان بودم، کوشیدم میزان یادگیری بچه‌ها را از طریق واکنش رفتاری آن‌ها متوجه شوم. از آن‌ها سؤالاتی می‌پرسیدم و می‌خواستم که همه جواب دهند. تقریباً تمام بچه‌ها پاسخ سؤالات مرا با صدای بلند می‌دادند، اما زهرا همراهی نمی‌کرد. فکر کردم بهتر است از زهرا بخواهم به جلوی کلاس بیاید و به سؤالات من پاسخ دهد. به زحمت بچه‌ها را که داشتند همه‌بهم به یکی از سؤالات پاسخ می‌دادند، ساکت کردم. سپس از زهرا دعوت کردم به جلوی کلاس بیاید. سؤال را از او پرسیدم، زهرا با صدایی آرام ولی مطمئن، پاسخ سؤال را داد. سؤال‌های بعدی و بعدی را هم به خوبی پاسخ داد و هر بار سعی کرد سؤالات مرا با نشان دادن آن روی ماکتی که به کلاس آورده بودم، جواب دهد. با تعجب از او پرسیدم، چرا وقتی از همه می‌پرسیدم، جوابی ندادی؟ زهرا با همان صدای آرام و شیرینش گفت، من داشتم به جواب بچه‌ها گوش می‌دادم و می‌کوشیدم هر قسمت را روی ماکت و یا روی بدن خودم پیدا کنم.

موقع صحبت کردن او، کلاس آرام بود و به نظر می‌رسید گوش دادن به گفته‌های زهرا برای بچه‌ها جذاب و آموختنی است. آن روز من از رفتار زهرا یاد گرفتم که همیشه هیاهو و سروصدا نشانه‌ی یادگیری نیست، بلکه گوش دادن و سکوت هم می‌تواند نشانه و عاملی برای درک بیشتر باشد.»

کلام آخر

در حرفه‌ی معلمی، مهارت‌های ارتباطی از جمله مهم‌ترین نکات تخصصی هستند که امروزه در دانشگاه‌ها و محافل آموزشی معلمان، به شکل ویژه‌ای به آن‌ها پرداخته می‌شود. منابع متعددی هم در این زمینه تألیف و تهیه شده‌اند که موضوع ارتباط را از دید اثربخشی آن در فرایند یاددهی - یادگیری بررسی و به آن توجه می‌کنند. از این‌رو، مجال اندک یک مقاله برای پرداختن به این موضوع، فرصت کوچکی است که یادآور لزوم مطالعه و بررسی بیشتر توسط معلمان است.

زیرنویس

۱. بهتر است این فعالیت در فضایی مانند نمازخانه که مفروش است انجام گیرد و هر گروه به نوبت و با نظارت معلم این کار را انجام دهند تا ضریب ایمنی افزایش یابد.

حمید دهقان

زیبایه فرح انگیز و آرامش بخشی

آشنایی با مهم ترین آبشارهای ایران

اشاره

تاکنون در صفحه‌ی میراث ما، «آرامگاه‌ها» و «غارها» را به عنوان نمادهایی از میراث فرهنگی کشورمان، به شما خوانندگان گرامی معرفی کرده‌ایم. همان‌طور که پیش از این نیز یادآور شده‌ایم، از انتشار این سلسله مطالب، دو هدف عمده پیش‌روی ماست. نخست آن‌که خوانندگان مجله را با زیبایی‌های ماندگار کشورمان در زمینه‌ی میراث فرهنگی و گردشگری آشنا کنیم و دیگر آن‌که به آن‌ها در مقام آموزگاران صحنه‌ی عمل تعلیم و تربیت نونهالان ایران، یاری دهیم تا از این مرده ریگ به جای مانده از سالیان دور، به مثابه ابزارهایی در خدمت یادگیری استفاده کنند. در این شماره، صدای دل‌انگیز آبشارهای ایران در این صفحات طنین خواهد افکند.

در صنعت گردشگری، به اکوتوریسم و طبیعت‌گردی، سهم قابل ملاحظه‌ای اختصاص یافته است. اکنون در بیشتر کشورهای پیشرفته، در جذب جهان‌گردان، طبیعت‌گردی و اکوتوریسم، طرف‌داران فراوانی دارد و در این میان، آبشارها با زیبایی‌ها، طراوت و آرام‌بخشی خود، لذت فراوانی برای آنان فراهم می‌سازند.

از جمله موهبت‌های ارزشمندی که سرزمینی ایران دارد، طبیعت چهارفصل و کم‌نظیر آن است که کشور ما را در ردیف پنج کشور اول جهان از لحاظ برخورداری از طبیعت قرار داده است و بیش از ۴۰ آبشار زیبا در یازده استان ایران، رونق‌بخش این طبیعت کم‌نظیر به شمار می‌آیند.

استان‌های لرستان، آذربایجان غربی، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، گلستان، اردبیل، اصفهان، ایلام، مازندران، همدان و تهران، بیشترین آبشارها را در آغوش خود جای داده‌اند. در این شماره، تعدادی از آبشارهای کشورمان را به تفکیک استان‌ها معرفی کرده‌ایم.

لرستان

استان لرستان با کوهستان‌های بلند و منابع آبی غنی، آبشارهای



آبشار شلماش، عکس: جواد پورصمد

زیادی دارد. چنان که می‌توان این استان را استان آبشارها نامید.
سه آبشار پله‌ای زیبا: در فصل بهار و ابتدای تابستان، کنار گل‌های زیبا و پوشش گیاهی عطرآگین، سه آبشار پله‌ای، مناظر بدیعی در برابر بینندگان پدید می‌آورند. این آبشارها در ۵۰ کیلومتری خرم‌آباد به سپیددشت و ۳۰ کیلومتری ایستگاه معروف به سپیددشت، واقع شده‌اند. آبشار اول با دو پله، ۲۱ متر ارتفاع دارد، آبشار دوم ۱۱ متر و آبشار سوم در سه بخش، ۳۸ متر.

آبشار نوژیان: مسیر این آبشار در یکی از زیباترین مناطق لرستان با پوشش گیاهی و جنگل‌های فشرده و تماشایی قرار دارد. با ارتفاع ۹۵ متر از بالا تا پای پله‌ی دوم، آبشار نوژیان را در ۵۱ کیلومتری خرم‌آباد و ۲۰ کیلومتری ایستگاه راه‌آهن می‌توان تماشا کرد و از آن لذت برد.
آبشار لون (تنگ هفت): در منطقه‌ی لون و ۱۰۰ کیلومتری خرم‌آباد قرار گرفته است.

آبشار سفید آب الیگودرز: در منطقه‌ی پیشکوه و ۵۰ کیلومتری شهر الیگودرز قرار گرفته است. ۳۰ متر ارتفاع و در فصل پرآب، حدود ۱۵ متر پهنا دارد.

آبشار بیشه پوران: این آبشار که به آبشار «ویژه» معروف است، ویژگی خاصی دارد که دسترسی به آن تنها از طریق راه‌آهن امکان‌پذیر است. آبشار بیشه در بخش پایی در مسیر راه‌آهن خوزستان - تهران، در ایستگاه بیشه قرار دارد که ۴۸ متر ارتفاع دارد و آب آن با طی ۱۰ متر مسافت، به رودخانه‌ی سزار سرازیر می‌شود.

آبشار واروک: با ارتفاع ۵۷ متر و عرض ۵۰ متر، در بخش پایی لرستان قرار دارد.

آبشار تله‌زنگ: این آبشار در مرز دو استان خوزستان و لرستان واقع شده است و حدود ۵۰ متر ارتفاع و بیش از ۳۰ متر عرض دارد. دسترسی به آن تنها از طریق راه‌آهن تله‌زنگ به طرف روستای شوی میسر است.

استان لرستان علاوه بر آبشارهایی که گفتیم و آبشارهای شیرز، شوی، کهمان، گل‌هو، تاف، قلعه خان‌جان و معمولان، تعداد زیادی آبشار فصلی نیز دارد که از اوایل بهار تا اواسط تابستان، چشم‌انداز زیبایی پدید می‌آورند.

کرمان

آبشار رودفرق (وروار): با این که بیشترین آبشارهای کشورمان در زاگرس مرکزی و البرز واقع شده‌اند، در رشته کوه ۲۴۰ کیلومتری جبال بارز، در مسیر جنوب استان کرمان و در نزدیکی شهرستان‌های جیرفت و عنبرآباد، دو آبشار به نام‌های رودفرق و سرنکوه وجود دارند که با ۱۲۰ و ۱۸۵ متر ارتفاع، از بلندترین آبشارها در خاورمیانه به شمار می‌روند.

در استان کرمان هم‌چنین آبشارهای مخملی انتهای دره تیگران در دامنه‌ی کوه جویبار، آبشار ده بالای ییلاق کوهپایه، آبشارهای دره گلم دخترکش و ییلاق دلفارد جیرفت و آبشارهای زیرکوه راوز و لولی‌کش رفسنجان، این استان کویری را از برکت طبیعتی زیبا برخوردار ساخته‌اند.

فارس

آبشار مارگون، معروف‌ترین آبشار استان فارس است که با دره‌های

سرسبز، در نزدیکی شهر سپیدان واقع شده است. دیگر آبشارها نیز عبارت‌اند از: آبشار تنگ تیزآب، آبشار مرغک سپیدان، آبشار دشتک ابرج اقلیه، آبشار خضر جهرم، آبشارهای استهبان و آبشار کوهمره سرخی در جاده‌ی شیراز - کازرون.

کهگیلویه و بویراحمد

استان کهگیلویه و بویراحمد، سرزمینی کوهستانی است در ادامه‌ی سلسله کوه‌های زاگرس در جنوب ایران، و با جاذبه‌های کوه‌های سر به فلک کشیده و پوشیده از جنگل‌های تنومند بلوط و کیکم، آبشارهای



آبشار نوژیان لرستان، عکس: حمید دهقان

زیادی هم دارد که معروف‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: آبشار یاسوج به ارتفاع ۱۰ متر در دو کیلومتری و کنار پارک جنگلی، با امکانات اقامتی و دره‌های سرسبز اطراف زیبای آن، آبشار خامی باشت در جاده‌ی باشت به چرام و آبشارهای بهرام‌بیگی، کمردوغ، تنگ تا مرادی و منج، مارون و سی سخت.

گلستان

استان گلستان آبشارهای زیادی دارد که معروف‌ترین آن‌ها آبشارهای هفت طبقه‌ی شیرآبادند که حدود ۶۰ کیلومتری گرگان - شهرخان به بین قرار گرفته‌اند. بلندترین این آبشارها ۲۰ متر ارتفاع دارد که میان پوشش سبز جنگل‌های پهن‌برگ واقع شده است. از دیگر آبشارهای

با مناظری بدیع و آرامش‌بخش، چشم‌اندازی بی‌نظیری دارند. به دلیل وجود یک آسیاب آبی در گذشته، این منطقه به آسیاب خرابه یا کهنه دگیرمان معروف شده است.

آذربایجان غربی

آبشار شلماش: در استان آذربایجان غربی، آبشارهای زیادی جاری‌اند که معروف‌ترین آن‌ها آبشار شلماش شهرستان سردشت است. با دره‌ای سرسبز و زیبا در کنار جنگل‌های پراکنده، در نزدیکی سردشت. آبشارهای سلوک ارومیه و قلعه جوق ماکو، از دیگر آبشارهای این استان به‌شمار می‌روند.

مازندران

از جمله آبشارهای استان مازندران می‌توان آبشارهای هریجان آمل، ده‌قلو، اسکندر، ماهاران، آبشار غار حاجی‌آباد، شورشورانه، بی‌بی سیدان و سوستون را نام برد.

همدان

آبشار گنج‌نامه: آبشار گنج‌نامه‌ی همدان، از چشمه‌سارهای ارتفاعات الوند سرچشمه گرفته است و نزدیک کتیبه‌های گنج‌نامه و در انتهای دره‌ی باصفای عباس‌آباد قرار دارد.

گیلان

در استان گیلان، آبشار لوندویل در آستارا، آبشار وپسه‌دار در رضوان‌شهر و آبشار باباولی در شهرستان سیاهکل، پذیرای گردشگران این استان هستند.

کردستان

آبشار بل: روستای «بل» در جاده‌ای که به «کوسه هجیج» می‌رسد، آبشار زیبایی دارد که آب گوارای آن شهرت یافته است. آب این آبشار با فشار زیاد از کوه بیرون می‌ریزد و در مسیر خود به رودخانه‌ی مشهد سیروان می‌رسد.

خراسان رضوی

در ۸۴ کیلومتری جنوب‌غربی شهرستان مشهد، دره‌ای به نام دره اخلمد قرار دارد که آبشارهای بلند و دیوارهای سنگی آن معروف‌اند. مهم‌ترین این آبشارها در دو کیلومتری روستای قدیمی اخلمد واقع شده است. در کنار این آبشار، کوه‌های مسطح و زیبای منطقه، هر سال سنگ نوردان و کوه‌نوردان و گردش‌گران بسیاری را به سوی خود جلب می‌کند.

بوشهر

چند آبشار در طبیعت زیبای این استان جنوبی وجود دارد که آبشار رود فاریاب دشتستان و آبشار زیراه، شهرت بیشتری دارند.

استان تهران

آبشارهای استان تهران عبارت‌اند از: آبشار لار در ناحیه‌ی لار، نزدیک روستای وانا، آبشار دوقلو در ارتفاع ۲۷۰۰ متری زیر پناهگاه شیرپلا در شمیران، آبشار اوسون در منطقه‌ی دربند، آبشار پسنگ در مسیر پناهگاه شیرپلا، آبشار سوتک در شمال غربی دربند و آبشار شکرآب در میگون.



آبشار آتشگاه لردگان

این استان می‌توان آبشارهای زیارت گرگان، لوه مینودشت و کبودوال علی‌آباد کتول را نام برد.

هرمزگان

آبشاری فرح‌انگیز، در منطقه‌ی زیبا و سرسبز میان نخلستان‌های باصفا در روستای تزرج در جنوب‌غربی شهرستان حاجی‌آباد، از گردشگران استان هرمزگان استقبال می‌کند.

چهارمحال و بختیاری

معروف‌ترین آبشارهای استان چهارمحال و بختیاری عبارت‌اند از: آبشار دره‌عشق، آبشار کوه‌رنگ، آبشار آتشگاه و آبشار کردی سبزکوه، آبشار دره‌عشق در میان دو روستای دره‌عشق و دورک اناری، با ارتفاع بیش از ۱۰۰ متر واقع شده است. آبشار کوه‌رنگ در ۸۵ کیلومتری شهرکرد و نزدیک پیست اسکی چلگرد قرار دارد. آبشار آتشگاه در ۴۰ کیلومتری شهر لردگان و در منطقه‌ی سبزکوه، در میان چند آبشار مانند آبشار قزل و آبشار کردی، چشم بینندگان را می‌نوازد.

آذربایجان شرقی

آبشار آسیاب خرابه: آسیاب خرابه یکی از زیباترین مناطق دیدنی آذربایجان شرقی است که در ۱۵ کیلومتری شهرستان جلفا قرار دارد. آبشارهای متعدد کوچک و بزرگ در چهار کیلومتری جاده‌ی کناره‌ی ارس، با صدایی دل‌نواز در دره‌ای پوشیده از خزه گیاهان و درختان انجیر،

کودکان



با نگاهی به آموزه‌ها و مفهوم نظم در اسلام

اشاره

خداوند «هستی» را با نظمی خاص آفرید تا از این طریق، آهنگ نظم، در رفتارهای فردی و اجتماعی بندگانش نیز متجلی شود. در مقاله‌ای که خواهید خواند، ابتدا آموزه‌ها و مفهوم نظم در اسلام بررسی شده و در پایان آن، به راهکارهایی برای تقویت و گسترش نظم و انضباطی فعال در کلاس درس و رفتار کودکان دوره‌ی ابتدایی، اشاره شده است. این مقاله، کاری گروهی است و مؤلفان آن خانم‌ها **فاطمه رضمانی**، **فریده عصاره**، **مهدخت صفاری** و **آقای مهدی مروجی** بوده‌اند.

کلید واژه‌ها: نظم، اسلام، دوره‌ی ابتدایی، کودکان.

می‌آید. در اسلام که دین نظم است، نظم و ترتیب و توالی بر همه‌ی قوانین آن حاکم است. مثلاً مسلمان باید در شبانه‌روز، پنج نوبت در اوقات معین شده نماز به پا دارد. نظم و ترتیب در خود نماز نیز نهفته است: نیت، قیام، رکوع و سجود. در هر کدام از این ارکان، موضوع خاصی باید بیان شود. انجام صحیح این امور دینی در اوقات معین خود و با شکل و ترتیب و آراستگی مخصوص به خود، به‌طور عملی نظم و ترتیب را در کلیه‌ی امور زندگی می‌آموزد و فرد را از زندگی درهم و برهم و نابسامان باز می‌دارد. مولای متقیان **امام علی (ع)** دو امر مهم و حیاتی را رمز پیروزی و موفقیت در زندگی دانسته است و پیروان خود را به آن دو سفارش می‌کند (شما را به پرهیزکاری و نظم در کارها دعوت می‌کنم). ایشان نظم را در ردیف تقوا قرار می‌دهند رعایت آن را در تمام امور زندگی و برنامه‌های انسانی سفارش می‌کنند؛ چه در عبادت و چه در سایر شئون زندگی. باز می‌فرمایند، در زندگی باید به برنامه‌ریزی کارهای روزانه پرداخت و هر کاری را در وقت مناسب آن انجام داد. ایشان اوقات مسلمان را به چهار بخش تقسیم می‌کنند:

۱. راز و نیاز با خدا؛ ۲. کار و تلاش برای امرار معاش؛ ۳. ارتباط

نظم به معنی آراستن، بسامان بودن، ترتیب دادن، فقدان آشفتگی، نظام دادن و مرتب کردن است. در حقوق، نظم حالتی را گویند که در آن مجموعه‌ی قوانین و مقررات و الزامات حقوقی مربوط به حسن اداره‌ی کشور و حفظ امنیت و اخلاق، اجرا و رعایت می‌شود. در نظام هستی، بر موجودات، اعم از ریزترین حشرات یا اتم‌ها تا بزرگ‌ترین آن‌ها، نظمی شگفت‌انگیز حاکم است. در دستگاه خلقت، هر پدیده‌ای جای خاصی و مأموریت و کار ویژه‌ای دارد.^۱ نظم، هماهنگی، آراستگی و تعادل، هم در هر پدیده نسبت به عناصر تشکیل دهنده‌اش هست و هم در همه‌ی آن‌ها که در راستای هدفی و وظیفه‌ای که خدای متعال برایشان مقدر کرده است، عمل می‌کنند. با این نظم و هماهنگی است که عناصر موجود در جهان به وحدت و وحدانیت می‌رسند.^۲ نظم نه تنها در موجودات طبیعی و در انسان وجود دارد، بلکه در جوامع انسانی نیز نظمی ارگانیکی و پویا برقرار است. هیچ مکتبی به اندازه‌ی اسلام برای نظم در زندگی فردی و اجتماعی اهمیت قائل نشده است. در اسلام بی‌نظمی و آشفتگی ضدارزش محسوب می‌شود. به‌طوری که خداوند فطرت انسان را بر گرایش به نظام‌یافتگی سوق داده است. نظم، قانون حاکم بر خلقت و زندگی انسان است. وقتی نظامی از نظم معمول و همیشگی خود خارج می‌شود، آشفتگی به بار

سازنده با دیگران؛ ۴. تفریح سالم.

رعایت نظم در زندگی، بسیاری از خصلت‌های نیکو را در انسان به وجود می‌آورد. در سایه‌ی نظم است که می‌توان حقوق را رعایت و به تعهدات عمل کرد. به طوری که معلم به موقع به کلاس درس می‌رود و حقوق شاگرد ضایع نمی‌شود. دانش‌آموز نیز با رعایت نظم، فرد موفقی بار می‌آید و یاد می‌گیرد در همه‌ی عرصه‌های زندگی منظم باشد.



امام علی می‌فرماید: «لا عقل کالتدبیر». فرد منظم، در زندگی خود برنامه‌ریزی می‌کند. از زمان، مکان، و امکانات و شرایط استفاده‌ی بهینه می‌کند. هر کار را در موقع مناسب به انجام می‌رساند و وظیفه‌اش را در برابر کاری که به او محول شده است، به خوبی انجام می‌دهد. این امر او را مسئولیت‌پذیر بار می‌آورد.

نکته‌ی قابل توجه این است که اگرچه هر چیز را در سر جای خود قرار دادن، موجب ایجاد نظم و بسامانی می‌شود، ولی چنین نظمی، نوعی نظم منفعل است و به رشد فردی کمک نمی‌کند. نظم فعال از دو جزء تشکیل شده است: «ریتتم» و «برنامه‌ریزی». این دو را از هنگام تولد باید به کودک یاد داد.

نظم برای متعادل‌سازی

استاد مطهری در تعریفی که از انسان کامل دارند، متعادل بودن او را شرط لازم کامل بودنش می‌دانند. به طوری که انسان آمیخته‌ای از استعدادها و گرایش‌های گوناگون است و کمالش در برقراری تعادل و توازن و هماهنگی در رشد این استعدادها و گرایش‌هاست. به عبارت دیگر، همه‌ی ارزش‌های انسان هماهنگ با هم رشد می‌کنند. مثلاً چنانچه در

عبادت که از ارزش‌های انسانی است، افراط شود و ارزش‌های دیگر را در خود مسخ کند، انسان از تعادل و توازن خارج می‌شود. عرفا به عشق و اصالت دادن به دل‌گرایش دارند و حکما و فلاسفه به عقل. در حالی است که گرایش‌هایی از قبیل عقل، عشق، عدالت، خدمت به خلق، عبادت و آزادی که از جمله ارزش‌های انسانی هستند، باید به طور هماهنگ و متوازن در انسان ظهور و بروز داشته باشند.

حال چگونه این نظم و هماهنگی و تعادل در ارزش‌ها و گرایش‌های انسان متجلی می‌شود؟ به عبارت دیگر، در انسان که مزوجی از صفات انسانی و حیوانی است، چگونه و با چه ابزاری می‌توان، فقط صفات انسانی را که شالوده‌ی فطرتش است، بارز و شکوفا کرد؟ به نظر می‌رسد، با تقوا، دوری جستن از انجام اعمال و رفتاری که در دین نهی شده و با انجام اعمالی که از سوی خداوند به انسان توصیه شده‌اند، با تسلط بر اراده، تسلط بر اعمال، ایمان و افکار، می‌توان بر صفات ردیله که از جمله گرایش‌های فطری انسان نیستند و جزئی از انسانیت انسان محسوب نمی‌شوند، همانند خشم، شهوت، آز و بخل، غالب شد و از انجام آن‌ها سر باز زد. تزکیه نیز همانند تقوا به انسان کمک می‌کند که صفات ردیله را از خود دور کند و به آراستگی و بسامانی مزین شود.

راهکارهایی برای آموزش در کلاس

الف) نقش الگویی

۱. در صورتی معلم می‌تواند نظم و آراستگی را در دانش‌آموزان ایجاد کند که خود نمونه و الگویی از آن باشد. یعنی در رفتارش تعادل، توازن، هماهنگی، و ترتیب و توالی درست متجلی باشد. به قواعد و ضوابطی که وضع می‌کند، پای‌بند باشد و در اجرای برنامه‌ها توالی درست را رعایت کند. هم‌چنین، استمرار را در انجام آن‌ها از یاد نبرد.

۲. از آن‌جا که نظام خلقت، اسوه‌ی نظم و پدیده‌های آن سرشار از توازن و هماهنگی هستند، ضرورت دارد معلم در موقعیت‌ها و فرصت‌های گوناگون، دانش‌آموزان را به مشاهده در روابط و همکاری و هماهنگی بین آن‌ها دعوت کند؛ از نظم و هماهنگی میان اعضای بدن تا پدیده‌های دور و اطراف. مهم‌تر از این‌ها، سوق دادن دانش‌آموزان به این سمت است که ناظمی بر همه‌ی آن‌ها حاکم است.

۳. با تنظیم آیین‌نامه‌های کلاسی می‌توان با کمک دانش‌آموزان، برای ایجاد نظم، برقراری آرامش و انجام بهتر امور درسی و غیر درسی کمک کرد. به طور مثال در موارد زیر می‌توان آیین‌نامه‌ی کلاسی نوشت:

- زنگ تفریح و غنی کردن زمان آن؛
 - توجه به نظافت، زیبایی و آراستگی کلاس؛
 - اجرای اموری که در دین مبین اسلام توصیه شده‌اند.
- بازنگری و اصلاح آیین‌نامه‌ها با مشارکت دانش‌آموزان و نظارت معلم به نتایج سودمندی می‌انجامد.

ب) آموزش برنامه‌ریزی

- هدف‌گذاری و اقداماتی برای رسیدن به این هدف‌ها؛ مانند قهرمان شدن در یک تیم ورزشی.



- مدیریت درست زمان، شامل تنظیم برنامه‌ی هفتگی و تنظیم برنامه‌ی زمانی برای یک روز تعطیل.
- تنظیم برنامه‌ی دخل و خرج، برای هزینه کردن پول توجیبی.
- تنظیم برنامه‌ی برای تهیه‌ی روزنامه دیواری، شامل زمان‌بندی، تقسیم کار میان اعضا و مشخص کردن محتوا.
- برنامه‌ریزی برای جشن‌ها، اعیاد و مناسبت‌ها.
- برنامه‌ریزی برای اجرای یک نمایش، شامل زمان‌بندی، تقسیم نقش‌ها، تعیین محتوا، و فضا سازی.

ج) بازی‌ها و حرکات هماهنگ

- انجام حرکات هماهنگ مانند نرمش‌ها و حرکات هماهنگ ورزشی.
- بازی‌های نوبتی.

د) نقش هنر در ایجاد نظم

انجام کارهای هنری در ایجاد نظم نقش مؤثری دارد. ذوق و اشتیاق کودکان را برمی‌انگیزد، زیبایی‌ها را به آن‌ها می‌نمایاند، آراستگی و توازن را در رفتار آن‌ها ایجاد می‌کند. ساختن کاردستی، نقاشی، کامل کردن نیمه‌های متقارن، تزئین کلاس برای ایام و مناسبت‌ها، نمونه‌هایی از هنر مورد بحث هستند.

ه) سامان‌دهی اشیاء مانند مرتب کردن، ردیف‌بندی کردن

و طبقه‌بندی

و) انجام برنامه‌های عبادی

- به‌جا آوردن نماز جماعت در وقت معین.
- خواندن دعاهای هماهنگ.
- شروع هر کار با نام خدا.
- شکرگزاری و سپاس‌گزاری از نعمت‌های خدا.

ز) عادت دادن کودکان به حاضر شدن به موقع در کلاس

ح) عادت دادن بچه‌ها به آراستگی

ط) عادت دادن بچه‌ها به حفظ نظافت و پاکیزگی محیط

مدرسه



زیرنویس

۱. در سوره‌ی قمر، آیه‌ی ۴۹ خدای متعال می‌فرماید: «انا کل شیء خلقناه بقدر»: هر چیزی را به اندازه‌ی آفریدیم. مثلا کرات آسمانی هر کدام بر مدار معینی که برایشان مقرر شده است، حرکت می‌کنند. آمد و شد و اختلاف فصول و شب و روز نظم خاصی دارد و اشیاء بر حد و میزان معینی خلق شده‌اند.

۲. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۹۰: ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف الیل و النهار لآیات لا ولی الا للاب: همانا در آفرینش آسمان‌ها و زمین، آمد و شد شب و روز نشانه‌هایی برای خردمندان است. در جهان همه‌چیز بسامان، هماهنگ با یکدیگر و با نظم و ترتیب خاصی است. برای این که خداوند انسان را به کشف این نظم که ذره‌ای از نظم، تدبیر، حکمت و قدرت اوست وادارد، او را به اندیشه و دقت در همه‌ی پدیده‌هایش دعوت می‌کند. به طوری که گاه از فرود آمدن باران و رویش گیاهان یاد می‌کند و گاهی از عظمت آسمان‌ها، کوه‌ها و دریاها سخن می‌گوید. زمانی شگفتی‌های آفرینش مثلا انسان را تذکر می‌دهد، یا به آمد و شد شب و روز و بی‌شماری نعمت‌هایش اشاره می‌کند.

منابع

۱. انوری، حسن. فرهنگ بزرگ سخن. نشر سخن. محل نشر، سال ۱۳۸۵
۲. جعفری، محمد تقی. شرح نهج البلاغه. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. تهران. سال ۱۳۷۵
۳. مطهری، مرتضی. انسان کامل. دفتر انتشارات اسلامی. قم. سال ۱۳۵۹
4. <http://www.asquran.ir>
5. <http://www.farsnews.net>



آگهی استخدام برای مادر نمونه

به انتخاب و ترجمه‌ی: پروین قائمی

من خودم هم مادر هستم و دقیقاً می‌دانم مادر چه حال و روزی دارد. سخت‌ترین بخش مادر بودن این است که انسان باید دائماً شخصیت عوض کند و خود را با شرایط بسیار متغیر و جدید کودک وفق بدهد. برای همین، تصمیم گرفته‌ام آگهی‌های استخدامی متنوعی را از زبان بچه‌های در سنین متفاوت، تنظیم و مسئله را حل کنم!

یک نوزاد، برای استخدام مادر نمونه، آگهی زیر را در روزنامه‌های کثیرالانتشار چاپ کرده است:

مورد نیاز

آسان‌گیر، بی‌خیال و در عین حال عاشق مواظبت از نوزاد! باید از

مادر شدن و مادر بودن و مادر ماندن، کار بسیار دشواری است. بارها و بارها این گلایه‌ها را از زبان زن‌ها می‌شنویم:

- نمی‌تونم مادر خوبی باشم
- کارهای این بچه تمومی نداره. هنوز جواب یه تقاضا شو ندادی، تقاضای بعدی مطرح می‌شه.

- شب‌ها نمیذاره حتی یه دقیقه چشم روی هم بذارم.
- امروز بچه‌ی نوپای من کاری کرد که سرش جیغ کشیدم.
- بچه‌ی شش‌ساله‌ام دائماً نق می‌زنه و می‌گه که حوصله‌اش سر رفته.
- معلمی خوبیش به این بود که هر کاری رو بلد نبودم، یکی بود که یادم بده. مادری رو نمی‌شه یاد گرفت.

می‌شود و او می‌تواند خیلی راحت با شرایط زیر کنار بیاید و این قابلیت‌ها را کسب کند:

فرصت شغلی عالی

برای متخصصان اوقات فراغت، اردو بردن، هنرهای سرخ‌پوستی و همه‌ی ورزش‌ها. باید بشود در هر لحظه و هر ساعتی و برای هر کاری به او رجوع کرد. باید بتواند هم مادر سفر باشد، هم مادر حضر که هر وقت لازم بود، نباشد و هر وقت لازم بود، باشد! مهارت در روابط عمومی ضروری است. باید بتواند به شکلی مؤثر با معلم‌ها، مسئولان مدرسه و بقیه‌ی پدر و مادرها کنار بیاید. باید هم درباره‌ی مسائل جنسی مطالب مهمی را بداند و هم ریاضیات جدیدش خوب باشد. حق ندارد به گل‌بازی، جمع‌آوری حشرات، حیوانات خانگی و آمد و رفت بچه‌های همسایه اعتراض کند.

موقعی که بچه به ۱۳ یا ۱۴ سالگی می‌رسد، وظایف مادری به کلی فرق می‌کند و مادر باید قابلیت‌های جدیدی کسب کند:

شغل آماده

برای متخصص در روان‌شناسی دوره‌ی بلوغ، با تجربه‌های فراوان برای تهیه‌ی غذا به میزان زیاد، صبر و شکیبایی فراوان برای برآوردن نیازهای اصلی. کمی ناشنوایی مفید است. شاید هم لازم باشد در گوش‌هایش پنبه بگذارد. ابدأ نباید حرف‌های خارج از حد و حدود ادب بزند! باید شش‌دانگ حواسش جمع باشد که چه موقع حضورش اسباب دردسر است و غیبش بزند.

وقتی بچه ۱۸ ساله می‌شود، همه‌ی نقش‌های مادری حول محور توانایی زیر می‌گردد:

فوری مورد نیاز

ماشین چاپ پول! به محض احساس نیاز به لباس، موسیقی یا ماشین‌سواری، باید پول آن آماده باشد. نصیحت ابدأ ضرورت ندارد. ممکن است دوره‌ی این استخدام به مدت بسیار نامعلومی طول بکشد. در اوقات فراغت هم باید برای کسب درآمد بیشتر، فعالیت کند! بدیهی است که در صورت بیشتر بودن بچه‌ها، این مشخصات باید در تعداد بچه‌ها ضرب شود!

تاب دادن و بغل کردن نوزاد لذت ببرد و هر سه یا چهار ساعت یک‌بار، با نهایت صبر و حوصله، بیست دقیقه تاب بیاورد تا نوزاد شیرش را کامل بخورد. در این فاصله، او حق ندارد حتی یک «وول کوچک» بخورد! خوابش باید سبک باشد و به سرعت برق از جا بپرد. مدرک تحصیلی مهم نیست. فقط باید بتواند تمام‌وقت، هفت روز هفته کار کند. تعطیلی و مرخصی موقوف، مگر این‌که بتواند مادر خودش را موقتاً برای نگهداری از من راضی کند. امکان ترفیع و اضافه‌ی حقوق صفر!

یک سال‌ونیم بعد، شرایط مادر نمونه شدن، تغییرات اساسی می‌کند:

مورد نیاز

یک قهرمان المپیک برای این‌که بتواند بدون کمترین احساس خستگی، از کودک نوپا مراقبت کند. واکنش‌های سریع و دقیق، انرژی بی‌پایان و صبر ایوب مورد نیاز است. مدرک دانشگاهی مفید است. آگاهی و تسلط بر کمک‌های اولیه ضروری است. باید بتواند رانندگی و آشپزی کند و با وجود این‌که دائماً یک موجود کوچک در کارش دخالت می‌کند، بی‌وقفه کار کند. میزان کار ۱۵ ساعت در روز. تا وقتی بچه خوابش نبرده، صرف چای یا ناهار ممنوع! باید دوره‌های پرستاری را گذرانده باشد.

۱۸ ماه دیگر که بگذرد، همین مادر باید صاحب قابلیت‌های زیر بشود:

موقعیت عالی برای استخدام

متخصص در آموزش قبل از دبستان برای ایجاد انگیزه و خلاقیت در کودک و آموزش مهرورزی به دیگران و فراهم آوردن محیط مناسب برای یادگیری. باید در هنر، موسیقی و تفریحات سالم تجربه داشته باشد و بتواند دست‌کم یک زبان خارجی را خوب صحبت کند. تحصیل در رشته‌های زبان‌شناسی، روان‌شناسی و آگاهی بر شیوه‌های آموزشی «مونده سوری» مفید است. پنج روز در هفته، آن هم موقعی که مهد کودک دایر است و کودک هم بیمار نیست، می‌تواند روزی دو ساعت نفس بکشد.

هنگامی که کودک ۶ تا ۱۲ ساله است، ثبات شغلی مادر بهتر

حکمت

سه کابوی از سر صبح در بیابان تاخته و واقعاً گرسنه شده بودند. دو تا از آن‌ها درباره‌ی این‌که می‌توانند حتی یک گاو درسته را هم بخورند، حرف می‌زدند. یکی از آن‌ها از سومی پرسید: «بینم! تو گرسنه نیستی؟»
نفر سوم شانهایش را بالا انداخت و گفت: «نه!»
کمی بعد، موقعی که به شهر رسیدند، سه تایی غذای خوش طعمی را سفارش دادند. مرد سوم، حسابی دلی از عزا درآورد. دوتای دیگر نگاهش کردند و به یاد «نه» محکم او افتادند. اولی پرسید: «تو نبودی که می‌گفتی گرسنه نیستی؟»

سومی جواب داد: «چرا، بودم. آن موقع عقل حکم می‌کرد که گرسنه نباشم، چون غذایی وجود نداشت!»

ترجمه‌ی: مهشید باستانی پورمقدم





دکتر علی اکبر شعاری نژاد

فیلسوف امروزیین تربیت کیست؟

آدمی برده‌ی فناوری ساخته‌ی خودش شود، طبعاً بی‌سواد یا سردی عاطفی بر او مسلط خواهد شد و او ناگزیر، بر سلطه‌ورزی بیش‌تر خواهد اندیشید. و اگر صرفاً عاطفی باشد و دل تنها داور زندگی او، بدیهی است که طبعاً تحت سلطه‌ی فناوریست‌ها قرار خواهد گرفت و هم‌چون بچه‌ی نوزادی خواهد شد که برای اظهار گرسنگی خود، راهی جز ناله و فریاد ندارد.

* آموزش - پرورش انسان دوستانه را تنها ضامن زندگی سالم جهان می‌دانند. طبیعی است چنین آموزش - پرورشی «خداپرستانه» نیز خواهد بود.

* معلمان، مهم‌ترین مؤلفه تعیین‌کننده‌ی سرنوشت رفتاری کودکان و نوجوانان جامعه و جهان هستند، لکن نه تنها مؤلفه.

* آموزش - پرورش، بدون مدیریت علمی به پیامدهای مطلوب دست نخواهد یافت. مدیریت علمی تربیت یعنی پرداختن به واقعیت‌های زندگی، تحلیل و تبیین درست مسائل موجود جامعه و جهان، پرهیز از هرگونه شتابزدگی در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی، و پذیرفتن و باور داشتن این واقعیت که معلم (و مدیر) و محصل و شرایط یادگیری / آموزشی سه زاویه‌ی یک مثلث‌اند؟ و باید به هر سه‌ی آن‌ها با هم و هم‌زمان پرداخت. مثلاً معلم محروم از ایمنی خاطر و رفاه لازم، هرگز نمی‌تواند محصل سالم تربیت کند. یا محصل محروم از شادی، نمی‌تواند یادگیرنده‌ی موفق‌تری باشد. و بدون مدرسه یا کلاس سالم و نشاط‌انگیز، ناکامی معلم و محصل با هم حتمی است، و این نیز در جهان شاد امکان‌پذیر است.

* تربیت یا آموزش - پرورش، فلسفه است و علم و هنر و صنعت، و نباید آن را به عهده‌ی هر شخص، حتی با مدرک تحصیلی

فلسفه، علم نیست، بلکه معرفت است و معرفت افزا و تعریف‌ناپذیر

منظور از فیلسوف امروزیین تربیت، اندیشه‌مندی است که امر آموزش - پرورش انسان را محور یا کانون اساسی و عمده‌ی ذهن خود قرار داده است؛ با این باورها که:

* فرایند آموزش - پرورش، عمدتاً محیطی و متغیر است و تغییر‌دهنده.

* همگان در چند و چون آن مسئول‌اند.

* مغز و دل و دست با هم و هم‌زمان در آن کار‌گردد و استیلای یکی از آن‌ها بر دو تای دیگر یقیناً به زیان زندگی سالم بشر خواهد انجامید. مغز، نمایانگر (سمبل) علوم و یافته‌های علمی، دل، رمز احساسات و عواطف، و دست، نشانه‌ی فناوری است. مثلاً وقتی

عالی، واگذاشت. به این معنا که پرداختن به حرفه‌ی معلمی، بدون گذراندن دوره‌های تخصصی، غیرممکن و بدپیامد است. از اندیشه‌مند یا فیلسوفی با این باورها در حوزه‌ی آموزش-پرورش می‌توان انتظار داشت که از ویژگی‌های زیر برخوردار باشد:

- * زنده و بیدار و فرزندروز
- * شاد و شادی برانگیز
- * امیدوار و امیدبخش
- * پرهیز از گوشه‌نشینی و حرّافی
- * پرداختن به مسائل واقعی انسان و انسانیت در جامعه و جهان
- * برخوردار از سلامت شخصیت
- * دردمند و درد فهم؛ دردهای اجتماعی انسان امروز
- * حساس، فعال و خلاق
- * بی‌ادعا یا بی‌ادع‌تر و فروتن علمی
- * افشاگر خرافات نه مروج آن‌ها
- * پرهیز از قطعی تلقی کردن اطلاعات و معلومات خودش
- * برخوردار از یادگیری مداوم و افزایش مداوم معرفت خویش

- * تردید را مقدمه‌ی نیل به یقین نسبی دانستن
- * برخوردار از ذهن باز و آزاد و کمک به اشاعه‌ی آن در کودکان و نوجوانان
- * آینده‌نگری و آینده‌یابی (هر چند احتمالی) و مهم تلقی کردن آن
- * آشنا با میراث فرهنگی جامعه و جهان، اما نه پرسش آن
- * با جرئت در برخورد با مسائل و امیدوار به حل آن‌ها
- * همراه کردن عشق و منطق در پرداختن به مسائل انسانی، خصوصاً آموزش - پرورش
- * تحمل افکار و نگرش‌های مخالف
- * پرهیز از هرگونه سلطه‌ورزی و زیر سلطه قرار گرفتن
- * پرهیز از اظهار برتری و برتری‌جویی
- * مهارت در برقراری ارتباط با مردم، به ویژه ارتباط کلامی
- * پرهیز از هرگونه قشربندی شهروندان
- * پرهیز از هرگونه تلاش به تحمیل افکار و عقاید خود به دیگران

- * پرهیز از هرگونه مجادله و یا جرّ و بحث‌های کلامی نالازم
- * جرئت متفاوت و انتقادی اندیشیدن و بازاندیشی و فراتراندیشی

به امید روزی که «یادگیری» وارد زندگی ما شود و شکل نهادینه پیدا کند

- * کتاب‌ها را خواندن، لکن در کتاب‌ها نماندن
- * همواره در سخن گفتن، اصالت را به شنونده دادن و در نوشتن، اصالت را به خواننده دادن
- * در عالم واقع زیستن
- این گونه اندیشه‌مند یا فیلسوف تربیت، که خود محصول شرایط زمان / مکان و چگونگی آموزش - پرورش آن است، طبعاً به موارد زیر می‌اندیشد و روی آن‌ها تأکید دارد:

۱. انسانیت انسان و چگونگی حفظ و تحکیم آن در جهان
۲. چگونگی و اثربخشی تفکر خلاق و انتقادی و روش‌های گسترش آن
۳. مسائل واقعی انسان امروز و چگونگی تحلیل و تبیین آن‌ها و راه و روش‌های گوناگون حل کردن آن‌ها
۴. چگونگی به زبان عامه سخن گفتن و نوشتن
۵. امکان و چگونگی برخوردار کردن همه‌ی افراد بشر از زندگی سالم

۶. آیا می‌توان علوم را در این جهت راه برد؟ چگونه؟
۷. چگونه می‌توان انسان امروز را با طبیعت آشتی داد؟
۸. چگونه می‌توان جهان معاصر را از ضعف مدیریت و جهل مرکب و ستمکاری‌های رهایی بخشید.
۹. چگونه می‌توان مردم را به آینده خصوصاً در حوزه‌ی آموزش-پرورش امیدوار کرد؟
۱۰. چگونه می‌توانیم همگی جهانی بیندیشیم و جهانی عمل کنیم؟
۱۱. چگونه می‌توان از یخ‌زدگی یا یخ‌شدن جهان فکر پیشگیری کرد؟
۱۲. برخی بر این باورند که آیا واقعاً چنین است؟ برخی باور دارند، دنیای ما دنیای نامتعادل و نامتعادلان است؟ چرا چنین شده است؟ و چه باید کرد؟

انیشتین می‌گوید: دو چیز انتها ندارد:

۱. وسعت کهکشان‌ها

۲. حماقت انسان‌ها

هرگونه اصلاح یا تغییر ضروری در آموزش - پرورش، در واقع اصلاح اجتماعی است و برعکس.

بدیهی است که چنین فیلسوفی هرگز از خداوند متعال و ضرورت رعایت او در همه‌ی فعالیت‌های آشکار و ناآشکار غافل نخواهد بود. خوشا به حال جامعه‌ای که از وجود چنین فیلسوفانی برخوردار باشد. اینان بهترین و مؤثرترین یاران معلمان کشور خواهند بود.

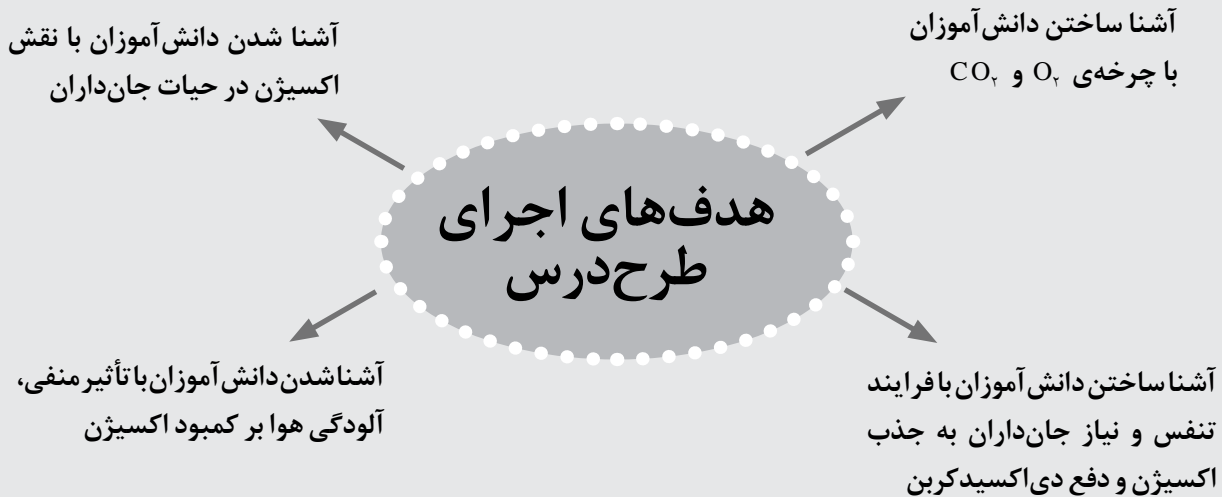
نامرئی، اما حیات بخش!

یک طرح درس ساده برای آشنایی با چگونگی
تأثیر اکسیژن بر حیات موجودات زنده

ترجمه و تألیف: سها دادمند

اشاره

نفس کشیدن، رفتاری غیرارادی است که همگی ما هر روز بدون آن که به جزئیات این فرایند غیرارادی اما مهم توجه کنیم، اتفاق می افتد. این نکته شاید نظر بچه‌ها را هم به خودش جلب کرده باشد؛ مثل زمانی که با حبس کردن نفس خود، سعی می کنند توانشان را به رخ بکشند. این نشان می دهد بچه‌ها نیز به این پدیده فکر کرده، اما فرایند آن را کشف نکرده‌اند. یکی از نکات مهم در فرایند تنفس، گازهایی است که با دم و بازدم ما به درون شش‌ها وارد و خارج می شوند. این مفهوم یکی از نکاتی است که با اجرای طرح درس «آشنایی با مفهوم چرخه‌ی اکسیژن - دی‌اکسیدکربن» برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی روشن خواهد شد.



مواد و تجهیزات لازم

آب	قطره‌چکان	بروموتیمولیلو (BTB)	نی	دو عدد لوله‌ی آزمایش برای هر گروه	برگه‌ی گزارش نویسی	جوانه‌ی ریشه‌دار مثل لوبیا	کمی پلاستیک سفت و کش برای بستن در لوله‌ی آزمایش

پیش از شروع

- * قبل ورود به مراحل آزمایش، ذهن دانش‌آموزان را با پرسیدن سؤال‌هایی از این دست، به ماجرا کنجکاو می‌کنیم: «به نظر شما، چه طور با وجود میلیون‌ها نفر انسان و حیوانات موجود در کره‌ی زمین، اکسیژن مورد نیاز تمام نمی‌شود؟ به این معنی که چرا با نفس کشیدن این همه موجود زنده، اکسیژن هوا تمام نمی‌شود؟»
- * آن‌گاه درباره‌ی چرخه‌ی تبدیل اکسیژن به دی‌اکسیدکربن و نیاز ما و سایر جان‌داران به این دو گاز از آن‌ها سؤال می‌کنیم و درباره‌ی این تبدیل کمی توضیح می‌دهیم.
- * با نشان دادن چرخه‌ی تبدیل اکسیژن به دی‌اکسیدکربن و به عکس و شرح دادن این چرخه روی شکل، مطلب را برای آن‌ها روشن کنیم.

گام دوم

دانش‌آموزان باید یک ساعت بعد، وضعیت لوله‌ی حاوی گیاه ریشه‌دار را بررسی کنند. برای آگاهی از نتیجه‌ی آزمایش، آن‌ها باید حداقل به مدت یک هفته، هر روز وضعیت لوله‌ها را بررسی و تغییرات را روزبه‌روز بنویسند. در این مرحله، بخش نخست طرح به پایان رسیده است. مرحله‌ی پایانی طرح، باید یک هفته بعد اجرا شود.

یک هفته بعد

از دانش‌آموزان دلیل از بین رفتن گیاه داخل لوله و تغییر رنگ لوله را سؤال می‌کنیم؛ این که چرا پس از یک هفته، با وجود نور و آب کافی، گیاه داخل لوله از بین می‌رود. چنین پرسش‌هایی ذهن دانش‌آموزان را درگیر این اتفاق خواهد کرد. ممکن است خود آن‌ها نیز پرسش‌هایی داشته باشند.

اکنون به آن‌ها توضیح می‌دهیم که دلیل از بین رفتن گیاه، ناتوانی گیاه در دریافت اکسیژن و تجمع بیش از حد دی‌اکسیدکربن در لوله است. سپس به پرسش‌های آن‌ها هم پاسخ می‌دهیم و در ادامه، درباره‌ی تأثیر منفی افزایش غلظت دی‌اکسیدکربن در هوای تنفسی، منابع آلاینده‌ی هوای تنفسی، نیاز موجودات زنده به اکسیژن، دلیل تمام نشدن اکسیژن با وجود تنفس همه‌ی موجودات زنده‌ی کره‌ی زمین و... صحبت می‌کنیم.

گام نخست

- * بچه‌ها را گروه‌بندی می‌کنیم و به هر گروه دو عدد لوله آزمایش می‌دهیم. از آن‌ها می‌خواهیم، دوسوم لوله‌های آزمایش را از آب پر کنند و سپس با قطره‌چکان، چند قطره «بروموتیمول‌بلو» (BTB) داخل آب بریزند تا رنگ آب، آبی شود.
- * سپس از آن‌ها می‌خواهیم نی را داخل یکی از لوله‌های آزمایش بگذارند و با نی داخل لوله فوت کنند
- * اکنون لازم است تغییرات را گزارش کنند. با فوت کردن داخل لوله، رنگ آب داخل لوله از آبی به زرد تغییر پیدا می‌کند. دلیل آن را برای دانش‌آموزان توضیح می‌دهیم. به این معنی که با فوت کردن داخل لوله، CO_2 (دی‌اکسیدکربن) وارد آب داخل لوله می‌شود و رنگ آن از آبی به زرد تغییر می‌کند.
- * حالا از دانش‌آموزان می‌خواهیم که در لوله‌ی دیگر، جوانه‌ی ریشه‌دار را وارد کنند. سپس داخل لوله را تا حدی که لوله کاملاً پر شود (قبلاً داخل این لوله هم تا دوسوم آب ریخته شده است) محلول BTB بریزند. بعد لوله را هم بزنند و در آن را با یک تکه پلاستیک و کش محکم ببندند.
- * لوله‌ی شاهد و این لوله را داخل جا لوله‌ای، مقابل آفتاب می‌گذاریم. بهتر است لوله‌ای که داخل آن گیاه گذاشته‌ایم، سر ته داخل جا لوله‌ای گذاشته شود.
- * به دلیل دست زدن به آب حاوی محلول BTB، دست‌ها را باید کاملاً شست.

شکوه تقدیسایان

رفتارهای خوب بچه‌ها چگونه درونی می‌شوند؟



سنگه تهرانی ۱۳۸۸

کودکان از هر نظر با هم تفاوت‌های زیادی دارند و نمی‌توان از آنان انتظار رفتارهای از پیش تعیین شده داشت. بزرگسالان نیز از لحاظ تشویق و تقویت رفتارهای خوب کودکان و نوجوانان، آرا و نظرات متفاوتی دارند. «بعضی از بزرگسالان بسیار اصرار دارند که کودکان کارها را حتما درست انجام دهند. عده‌ای دیگر، خیلی سخت‌گیر نیستند. یک معلم ادبیات ممکن است اصرار داشته باشد تا همه‌ی دانش‌آموزان او تاریخ ادبیات را خوب بدانند. اما بعضی به سبب دلایل ارثی یا محیطی، امکان دارد یادگیری این دانش برایشان غیرممکن باشد. کمال مطلوب آن است که فرصت‌های فراوانی فراهم کنیم تا بچه‌ها بتوانند استعدادهای خود را بسنجند و تشخیص دهند» [دی و کرومبولز، بی تا: ۳۶]. این گونه فرصت‌ها، لحظه‌هایی هستند که مربیان با دیدن بارقه‌هایی از حسن رفتار و یا خلاقیت، واکنشی مطلوب نشان دهند و موجبات تشویق دانش‌آموز را فراهم کنند.

اگر از کودکان کارهایی سرمی‌زند که شایسته‌ی توجه است، دریغ کردن از تشویق، کاری غیرمنصفانه است. مثال نیمه‌ی پر لیوان را دیدن، یک اصل مهم تربیتی است که نه تنها در مورد خردسالان که در بزرگسالان نیز تأثیرات عمیق بر جای می‌گذارد.

معلمان سرمایه‌های عاطفی فراوانی برای تقویت رفتارهای پسندیده‌ی شاگردانش دارند. نگاهی پرمهر، اشاراتی گرم و عاطفی، دستی مهربان که بر شانه‌ی شاگرد گذاشته می‌شود، لبخندی که گرم و صمیمی است، تکان دادن سر، آفرین گفتن، امضایی زیبا کنار دفتر کار و ده‌ها مورد دیگر، از ابزارهای کاربردی برای تشویق هستند که اگر بجا و به‌موقع ابراز شوند، کارایی و ثمربخشی ده‌ها نظریه و فلسفه‌بافی‌های متداول تربیتی را دارند. مربیان به خوبی می‌دانند، هدف از تشویق بچه‌ها به رفتارهای خوب، درونی کردن این رفتارهاست و درونی کردن هر رفتار مطلوب، مستلزم آن است که هر بار کودک رفتار مورد نظر را بروز می‌دهد، تشویق شود. کیفیت تعامل افراد در مدرسه، کیفیت تعامل افراد جامعه‌ی فردا را نشان می‌دهد.

«حامد و حسین در مدرسه و در حیاط مدرسه سازگاری ندارند. حامد مبصر حیاط برای کلاس پنجمی‌ها و حسین مبصر حیاط برای کلاس سوم می‌باشد. حامد چون بزرگ‌تر است و جثه‌ی قوی‌تری دارد، معمولا حسین را مورد عتاب و خطاب قرار می‌دهد و در نهایت کارشان به دعوا و جدال می‌رسد. معاون مدرسه با چندین بار تذکر و حتی تنبیه، نتوانسته بود مسئله را فیصله دهد. او یک روز حامد را دید که در شلوغی بوفه، قصد کمک به یکی از بچه‌های کلاس سوم را دارد که در فشار صف گرفتار شده است. حامد به جای آن که خودش کمک کند، حسین را که مسئول این بچه‌ها بود، صدا کرد و از او خواست به آن دانش‌آموز کمک کند. حسین با تعجب به این تذکر حامد توجه کرد، به طرف بوفه رفت و به دوستش کمک کرد تا آن‌چه را که می‌خواهد بخرد. بعد به طرف حامد برگشت و از او تشکر کرد و دستش را برای دست دادن جلو برد. حامد دستش را گرفت و لحظه‌ای در دست‌هایش نگه داشت. حسین که خوش حال شده بود، گفت: من هم اگر چنین موردی را دیدم، به تو می‌گویم.

معاون مدرسه که از دور شاهد رفتار آن‌ها بود، تصمیم گرفت هر دو نفر را تشویق کند. روز بعد در مراسم صبحگاه، آن‌ها را به‌عنوان مبصرهای نمونه معرفی کرد. این تشویق به‌جای معاون مدرسه، یخ‌های بین حامد و حسین را ذوب کرد. دیگر هیچ‌گونه نزاع و درگیری بین آنان دیده نشد. دوستانی صمیمی شدند و در برقراری نظم به هم کمک کردند.»

منبع

دی، جان ولز، کرومبولز. تغییر دادن رفتارهای کودکان. ترجمه‌ی دکتر یوسف کریمی.